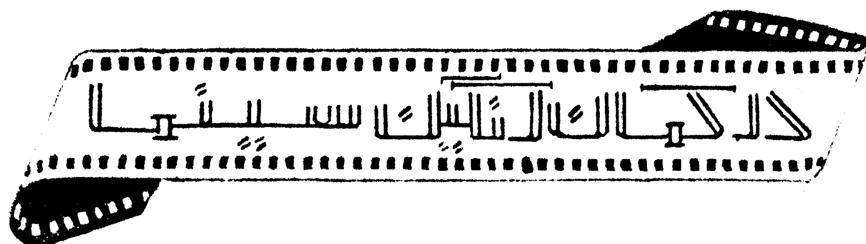


رنگین



کمان

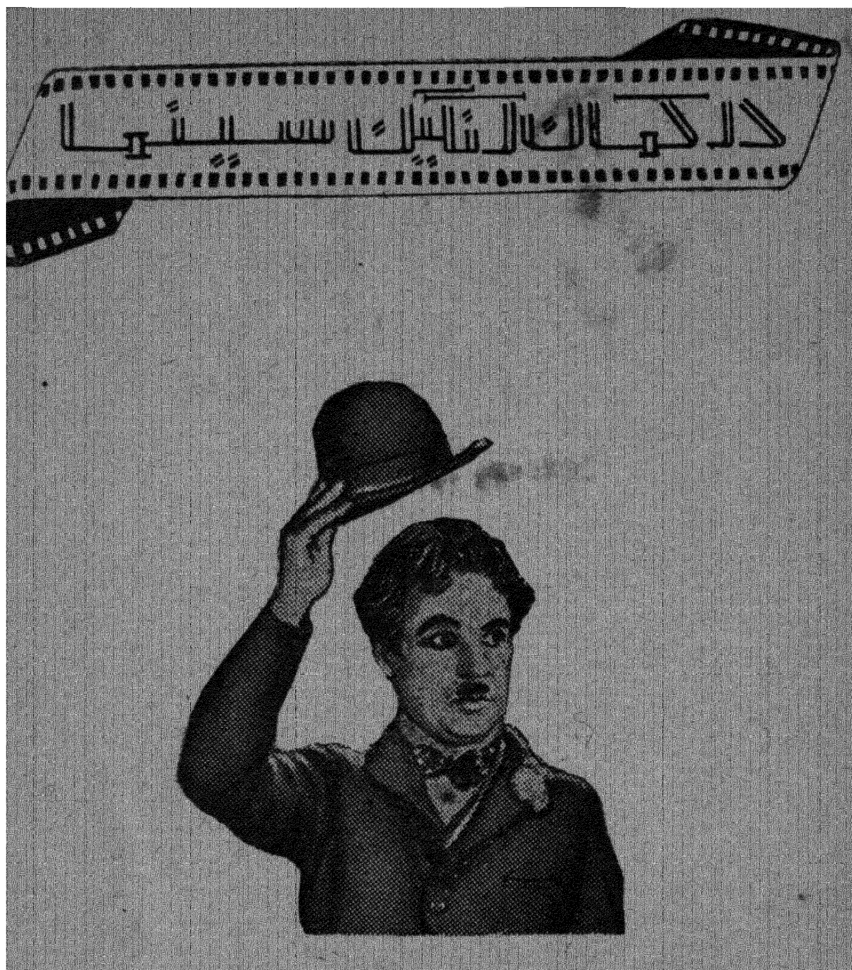
سینماها

بقلم

طغرل افشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ مسعودسعد



بقلم

طُغرل افشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ مسعودسعد

قسمت اول

مختصری درباره میزان ارزش و اهمیت هنر سینما

مقدمه

در این ٦ سالی که قلم بدست گرفته و درباره هنر سینما مطلب پردازی میکردم ویا بعبارت بهتر محصولات سینمارا برای مردم مورد بحث وانتقاد قرار داده ونکات مختلفی که چه ازلحاظ هنری وچه ازلحاظ اخلاقی واجتماعی کم و بیش در بعضی ازفیلم‌ها وجود دارد میان می‌نمودم ... همیشه در فکر آنبودم که به وسائل مختلف که جنبه عملی آن بیشتر و موثر تر باشد اقدام بمعرفی وبیان صحیحی از این هنر بزرك بنمایم تا شاید بدین‌وسیله افکار اجتماع درباره سینما آنطورکه لازم است روشن شده ودوستداران این هنر میدان بیشتری برای توسعه فکر وذوق هنری خود پیدا کرده ومباحث ومطالب انتقادی هنری جای‌گزین مطالب مبتذل و پوچ سینمائی جراید گردد البته در این راه موانع زیادی بوجود آمد مبارزه‌عجیبی جریان یافت که هنوز برای اجتماع مازود می‌نمود پائین بودن سطح فرهنگ آشنا نبودن اکثریت مردم با مبادی هنرهای مختلف و عدم آمادگی اذهان بعلت بحرانهای سیاسی و اقتصادی یکی ازعوامل بود وحالاهم هست که‌ازتوجه مردم برای‌درك واقعیات هنری سینما مانع می‌شود.

ولی از آنجائی که سینما درطی مدت‌زمان یگانه و بهترین وسیله تفریح عمومی مردم تهران وشهرستانها شده است ودرواقع بد یا خوب بهترین وسیله سرگرمی ووقت گذرانی مردم را تشکیل میدهد بدین جهت باید معتقد شد که در صورت آشنا نبودن‌مردم باقسمت‌های‌مختلف سینما ونکات‌وجنبه‌های‌یکایك‌محصولات سینمائی ومبارزه برای طرد فیلم های مبتذل تجارتی و بالعکس نمایش محصولات عالی وآموزنده سینما قدم موثری برای توسعه روشن‌بینی و فرهنگ توده‌ـای مردم برداشته خواهد شد زیرامن وشما بخوبی میدانیم سینما که مجموعه کامل ازهنر های مختلفه است چه تاثیر شگرفی در افکار وروحیات یکایك مردم که به‌ـ سینما میروند باقی‌می‌گذارد بنابر این من‌لازم میدانستم که‌یك مجموعه کاملی‌درباره سینما منتشر نمایم تاشایدبدین‌وسیله مقدمه ای برای ایجاد یك میدان وسیع برای یك مبارزه دامنه‌دار هنری درباره سینما شده باشد وهنرمندان سینما بخاطراهمیت

این هنر ازلحاظ اجتماعی ، بخاطر مبارزه درراه یك هدف مقدس وصحیح هنری در راه خلق قدمی بجلو بردارند ... دراین مجموعه مختصری از تاریخچه پیدایش صنعت سینما ـ سینما توگرافی در کشورهای مختلف ـ اساس فیلم برداری درایران اجمالا شرح داده شده وسپس بهترین فیلمهای ۳ سال اخیر معرفی گردیده وده فیلم بزرك سال ۱۳۳۲ که درتهران نمایش داده شده‌اند بطورکامل ازلحاظ هنری و اجتماعی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته‌اند البته در طی این بحث وانتقاد کلیه نکات و جنبه‌های هرفیلم تفسیر شده و میزان تاثیر آن از لحاظ اجتماعی بیان میگردد . . درطی این مجموعه که بیشتر در اطراف مباحث انتقادی فیلم ها دور میزند سعی نموده‌ام که کلیه نکاتی را که می‌توان درروی پرده سینمادید ووجه تمایز محصولاتی که ازلحاظ افکارعمومی و اجتماع مترقی مبتذل وگمراه کننده می‌باشد یا محصولاتی را که می‌توانند درپرورش فکری وروحی افراد و نمایش حقایق وجریانات زندگی باآنها وآموختن نکات مفید ورل موثری راایفاکنند بیان نمایم

یك مسئله دیگر که باید مورد توجه خوانندگان عزیز واقع شود اینست که ما باید از سینما که بهترین وسیله تفریح قرار گرفته است مانند یك هنرآموزشی ومترقی استفاده ببریم و بسینما مانند تنها وسیله تفریح وخوشگذرانی ننگریسته وآنرا وسیله وقت‌گذرانی یا شایدهم وقت‌کشی ندانیم ولذاید عمیق معنوی را بلذاید پوچ سطحی وموقتی نفروشیم . . همانطور که بین آثار برجسته ادبی نویسندگان بزرك با رمانهای مبتذل وپوچ رمان‌نویس‌های عادی ویا بین آثار و قطعات کمپوزیتورهای برجسته با سازندگان آهنك‌های تفریحی فرق میگذاریم بین محصولات کوچك تجارتی ومحصولات بزرك هنری که دارای جنبه‌های تربیتی اخلاقی و اجتماعی هستند تفاوت بگذاریم بخاطر هنرمندانی که ذوق ، فکر ، احساسات وبالاخره نبوغ خود را وقف ایجاد ابتکارات تازه‌تر وپرورش هنر برای ما ونسلهای آینده کرده‌اند، ما بخاطر این فداکاری و ازخودگذشتگی خودرا مستلزم بدرك نتایج کار وآثار زحمات فکری آنها بدانیم ومطمئن باشیم که کسانی که از نزدیك باحقیقت هنر و زندگی وزیبائی آشنا میشوند می‌توانند سعادت حقیقی را بچنك آورده و بسهم خود عامل موثری برای هدایت همنوعان خودوتامین جزئی ازسعادت نسلهای آینده بشوند مقصودم ازذکر این مطالب اینست که ماهراندازه خودرا باهنروافکارهنری نزدیکتر سازیم بهتر می‌توانیم بازندگی ومنابع فرهنگی آن آشناشده ودررستاخیز تکامل بشر سهیم باشیم همانطورکه علم وصنعت بطور سریعی ترقی میکند وزندگی مادی وحیاتی بشر را قرین سعادت میسازد هنر های ظریفه نیز باید جهت پرورش عالم معنوی واحساسات درونی وفردی انسان ترقی وتوسعه یابندما بامختصرتوجهی می‌توانیم پی ببریم که نوای موسیقی ، تصاویرمتحرك والوانی که ما می‌بینیم تاچه اندازه در روح وفکر ما موثر است. هنر سینما مجموعه کاملی ازهنرها است صنعت فیلمبرداری نمایشی اززندگی است یعنی آنچه درزندگی بشر جریان دارد بوسیله سینما نشان داده میشود .

هنر نقاشی ،مجسمه‌سازی، حجاری ومجموعه جریاناتی که درزندگی وجوددارددر روی پرده سینمادیده میشود بازی انسانها برای مجسم نمودن پرسوناژهای تاریخی و یا

آثار قلمی نویسندگان و مهم‌تر از همه موسیقی متن فیلم که بزرگترین عامل پرورش داستان و فکر وصحنه های هرفیلم است وبالاخره جریانات روز مره زندگی بشر وجنبش های طبیعت که درفیلم‌های دکومانته (مستند) دیده میشودشمه‌ای ازچیزهائی است که سینما بما نشان میدهد .. ولی متاسفانه در زمان حال هنر سینمادرغالب کشور ها وسیله سوداگری ومنفعت جوئی عده‌ای سرمایه‌دار قرار گرفته است که از آن مانند یك امتعه وکالای تجارتی استفاده کرده وبه همین جهت غالب محصولات سینمائی کمپانی های تجارتی آثارمبتذل و بدون هدفی هستند که ازجریانات وصحنه‌های ساختگی تجارتی تشکیل یافته‌اند در مباحث این کتاب مطلب فوق فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفته است. تاوجه تمایز محصولات تجارتی بامحصولات هنری آشکار گردد

دراینجامن لازم میدانم ازحسن نیت، دوستی ومودت بی پایان کسانیکه دراین چندسال در این مبارزه هنری بامن همفکری وهمکاری نموده وچه معنا وچه عملا وچه بانامه‌های متعدد که برایم ارسال داشته‌اند مرادر این مبارزه پشتیبانی کرده‌اند تشکر نمایم ودر این میان ازدو نویسنده مترقی همکار خود یعنی آقایان **دکتر هوشنگ کاوسی و فرهاد فروهی** نیزیاد کرده ودرعالم تنهائی ازدوستان هم نظر قلمی خود ابراز امتنان نمایم. درخاتمه ازخوانندگان عزیز خودتمنا دارم که عقاید و نظریات خود رادرباره مطالب این کتاب مرا اندازه هم که باشد دقیقا بروی کاغذ آورده وبآدرس من (خیابان جامی - کوچه قابوس - کاشی ٦ - طغرل افشار) ارسال نموده و مراقرین امتنان فرمایند.

این یگانه مجموعه سینمائی رابأهل قلم و ارباب ذوق وهنر وعموم دوستداران هنرو سینما اهداء میکنم وآرزودارم که بتوانم بعدها در راه این هدف توسط هنرمندان واقعی قدمهای موثرتر وبزرگتری برداشته شود . وهنرسینمادر ایران بسرعت بیشتری توسعه وترقی یافته ومیزان روشن بینی عموم مردم توسعه یابد. **مولف**

مختصری از تاریخ پیدایش سینما

در حدود هفتاد سال قبل در فرانسه عده‌ای عکاس بوسیله پروژکتور با ترتیب دادن عکسها پشت سر هم یك نمایش شبیه به شهر فرنك ترتیب میدادند در واقع در عملیات خیمه‌شب بازی و شهر فرنك مختصر ابتکاراتی بکار برده آنرا بشکل یك نمایش متحرك عکاسی درمیآوردند ، همچنین نقاشها با کشیدن تعداد زیادی تصویر داستانی را مجسم میکردند و اینهم مقدمه برای اختراع اساس فیلمهای مولتی ـ پلیکاسیون بود که پس از اختراع سینما نزج گرفت . بالاخره در ٦٣ سال قبل «لوئی لومیر» دانشمند فرانسوی پس از تجربیات فراوان موفق به اختراع دستگاه فیلمبرداری شد و سپس در سایه مجاهدت عده‌ای دیگر اهل فن این صنعت ظریف توسعه پیدا کرد و چون بهترین وسیله تامین لذاید بشری مردم بود با استقبال بی نظیری روبرو گشت تا دامنه آن بسایر کشورها و ممالك جهان نیز کشیده شد و کشوری که زودتر از همه از این اختراع اقتباس و استفاده نمود امریکا بود که دستگاه فیلمبرداری را کامل کرده و با جلب توجه عده‌ای صاحبان سرمایه موسساتی برای تهیه محصولات سینمائی ایجاد کرد ، از لحاظ جنبه هنری و صنعتی نیز در فرانسه و انگلستان اقدامات زیادی برای توسعه سینما بعمل آمد . در زمان جنك بین الملل اول محصولات متعددی بروی پرده آمد ولی سینما هنوز نمایش ناقصی بود که بزرگترین نقص آن را صامت بودن تشکیل میداد تا اینکه با اختراع سینمای ناطق درسال ١٩٢٩ تحول جدیدی نظیری بوجود آمد و این تحول مقدمه‌ای برای ترقی و توسعه این هنر گردید منتهی البته جهد و کوشش بیشتر برای توسعه ترقیات فنی و صنعتی این هنر بود و بمسئله اجتماعی آن کمتر توجه میشد ولی با همه این در این میان کسانی هم یافت شدند که برای حفظ جنبه هنری سینما تلاش نموده و نهضت هواسینه کلوبهای و استودیوهای هنری سینما برای تهیه و نمایش محصولات با ارزش تشکیل دهند . در سالهای اخیر یك قدم بزرك و موثرتر برداشته شد بدین معنی که فیلمهای سه بعدی اختراع گردید و سینه‌را ما و سینه سکوپ بوجود آمد آمار دقیق نشان میدهد که درهرسال بلکه هرماه و هرروز هزاران نفر بر تعداد علاقمندان و تماشاچیان سینما افزوده میشوند درهر هفته در جهان دویست و پنجاه ملیون نفر سینماها را پرو خالی میکنند و دهها هزار نفر در نتیجه مشاهده و تعلیم یافتن توسط سینما با فکر روشن‌تر و قویتر پا در اجتماع می نهند از سینما مانند یك وسیله موثر هدایت اجتماعی و تعلیمات علمی و صنعتی جهت عموم طبقات مردم کما بیش استفاده میشود و این هنر در طی نیم قرن سابقه خود بعنوان یکی از موثرترین وسائل تعلیم و تربیتی و کاملترین هنر انسانی شناخته است.

سینما در کشورهای مختلف اروپائی و امریکائی

اروپا این هنر را هم مانند سایر هنرها خوبی در دامان خود پرورش داده و درکشورهای متمدن ومترقی اروپائی برای توسعه، تکمیل و ترویج سینما اقدامات موثری بعمل آمد دراین میان کشورهای آلمان و فرانسه پیشقدم بودند، امریکا نیز مانند همیشه این اختراع را گرفت وتکمیل کرد وسرانجام هم از لحاظ تکنیك ومیزان محصول حائز رتبه اول گردید هنرمندان عالم سینما اعم از فیلمبردار رژیسور وهنرپیشه و.... درسایه همکاری همگانی تشکیلات متحدی ایجاد کردند و براهمیت وجنبه اجتماعی سینما افزودند.

درفرانسه که همیشه میدان وسیعی برای یکه تازی افکار و عقاید هنرمندان درزمینه های مختلف هنری بوده است درزمینه سینما هم مکاتیب مختلفی بوجود آمدو بسرعت توسعه یافت وحتی مکاتیب فلسفی واجتماعی نیز درموضوعات سینمائی راه یافتندو بدین ترتیب سینما یك وسیله بیان افکار مختلفه فلسفی واجتماعی بشر گردید.

تجلی محصولات سینمائی در هر کشوری نموداری از ذوق وطرز تفکر هنرمندان آنکشور گردید بطوریکه درجنگ بین المللی دوم درکشور آلمان محصولات سینمائی برای تبلیغ فکر ناسیونال سوسیالیزم وفاشیزم درکشور اتحاد شوروی برای شناساندن وترویج ایده انترناسیونالیزم و درفرانسه که جولانگاه هنرنمائی دستجات مختلف است آثار سینمائی بیان کننده یك هرج ومرج فکری و افکار مختلف فلسفی گردید درامریکا کمپانیهای بزرك فیلمبرداری سینمارا یك وسیله صرفا تجارتی قرار دادند علاقه مردم بمسئله داستانسرائی سبب شدکه در پانزده سال اخیر فیلمهای آرتیستیك که دارای سوژه بوده وهنرپیشگان زیبائی رل پرسوناژهای آن را ایفا می کردند بیشتر تهیه شده وبرفیلمهای حقیقی، مولتی پلیکاسیون، وعلمی توفق یابدو فیلمها در اطراف بازی هنرپیشگان دورزند ! بهمین علت کمپانیهای تجارتی بانشر و توزیع عکسهای دلفریب هنرپیشگان زیبا توده های مردم جهان را نسبت بسینما راغب وعلاقمند ساختنددرطی ده سال اخیر درکشورهای کوچك اروپائی مانند سوئد، مجارستان، چکواسلواکی، اسپانیا، لهستان وهمچنین کشورهای مصر و هند ترکیه صنعت سیناتوگرافی بوجود آمد ودر بعضی از کشورها ازجمله چکواسلواکی ومجارستان خیلی توسعه یافت واما دراین کشورهای کوچك برخلاف امریکا فیلمها بیشتر بجریانات تاریخی خود آنکشور اختصاص یافت بطوریکه ما در محصولات مجارستان ویالهستان بیشتر بموضوعات ومسائلی برخورد می کنیم که بزندگی خود آن ملت در طی تاریخ اختصاص دارد بااختراع فیلمهای سینه مراما وسینما سکوپ سینما در جهان وارد مرحله تازه تری میشود وجای شك و تردید نیست که هرسال بیشتر تکامل وتوسعه یافته وآینده درخشانی راهموار خواهد کرد

سینما در ایران

صنعت فیلمبرداری وعلل ابتذال کلیه محصولات سینمائی در ایران

باورود متفقین بایران چیز های نوین وتازه‌ای باینکشور آمد. و ازجمله پروژکتور ودستگاههای فیلم برداری بودند که بتدریج بایران آمده و بعضی فیلم های دکومانته تهیه گردید قبل از جنگ جهانی اولین فیلم فارسی که تهیه شد فیلم «دخترلر» بودکه اولین اثرسینمائی ایران محسوب شد این فیلم درسال ۱۳۱۴ در هندوستان توسط یکعده متخصصین سینمائی تهیه گردید و چندین مرتبه هم در تهران نمایش داده شد ولی تاریخچه تهیه فیلم را در ایران باید از پنجسال پیش تاکنون یعنی ازسال ۱۳۲۸ دانست، استودیو میترا فیلم (پارس فیلم کنونی) فیلم «طوفان زندگی» را تهیه کردکه در سینماهای رکس ومتروپل به معرض نمایش گذارده‌شد واستقبال‌شدید مردم نسبت باین فیلم سبب شدکه عده بیشماری درصدد تهیه فیلم و تشکیل استودیو بیفتند ودرظرف یکسال و نیم تعداد استودیوهای فیلمبرداری از سی تا هم تجاوزکرد ومحصولات متعددی یکی پس‌از دیگری بروی پرده آمدند که مردم هم بجرم علاقمند بودن بمحصولات وطن خود دوست داشتن موسیقی ایرانی وفهمیدن مکالمه فارسی از این محصولات که یکی از دیگری مبتذلتر و پوچتر بودند استقبال کردند.

تا کنون که شاید بیش‌از سی فیلم فارسی بروی پرده آمده است ما جز موضوعات یکنواخت وبدون هدف، صحنه‌های مکرر وخسته کننده، بازی بی‌حالت هنرپیشگان وحرکات تآترال آکترهای تاتر، صحنه‌های متشابه کاباره وزندان و بالاخره رقص وآواز ایرانی که حتی درفیلمهای دراماتیك نیزوجود پیدا کرده‌اند چیزدیگری ندیده‌ایم. بطورکلی نکات کلی واساسی زیر در فیلمهای فارسی دیده شده است :

بدبختی یکزن یایکمرد ! موضوعات فیلمها بیشتر دراطراف بدبختی یکزن یایکمرد دورمیزند، دختری‌را می‌فریبند یا اینکه خود گمراه می‌شود آنوقت او در نتیجه این‌خبط واشتباه دامنش آلوده شده ودر منجلاب فساد غوطه‌ور میگردد بعد این زن فاحشه ستمدیده درکاباره بکار پرداخته وتبدیل بیك آوازه خوان ورقاص زبر دستی می‌شود که محبوبیت عجیبی بهمرسانیده است !! بعضی اوقات در یك موضوع مانند موضوع فیلم «افسونگر» بدختر نجیبه وعفیفه‌ای برخوردمیکنیم

که اوهم آوازه خوان کاباره میشود و بدین ترتیب زندگی یك نجیبه بایك معروفه بیکجا آنهم آوازه‌خوانی ختم میشوند.. برخی اوقات مسئله بدبختی یکزن تبدیل ببدبختی یکمرد میشود در اینصورت مرد جوان متمولی درنتیجه اشتغال بقمار وعیاشی کلیه ثروت وهستی خودرا از دست داده ولگرد وسرگردان وفقیرشده و حتی زندگی خانواده کیش نیزازهم پاشیده میشود عاقبت این جوان نیز مرك و نیستی است اگرنظری بموضوعات فیلمهای دراماتیك فارسی بیفکنیم غیر از آن در آن چیزی نمی یابیم.

درفیلمهای «بی‌پناه» - «چهره آشنا» . «محکوم بی گناه» «شبهای تهران» بدبختی وسقوط یکزن ا و در فیلم های «ولگرد» «غفلت» سقوط و تیره روزی یکمرد درنتیجه قمار وعیاشی اساس مطلب موضوع فیلمرا تشکیل میدادند.

لودگی و مسخرگی! اگربفیلمهای کمدی موزیکال توجه کنیم به حقایق تلخ‌تری بی‌می‌بریم موضوعات کمیك فارسی ازمشتی عملیات مسخره ولودگی وهجوسرائی تشکیل یافته که مفهوم آن تمسخرزندگی و نتیجه آن ایجاد هرج ومرج وپوچی فکرمیباشد. در اینموضوعات که بیشتر بمسخره شبیه هستند تابکمدی زندگی انسان مورد استهزاء قرارمیگیرد وبملت نیز حقارت میشود نمونه اینطرز عمل و مسخرگی را میتوان درفیلمهای حاکم یکروزه جدال باشیطان و دخترچوپان دیدا وقبول کردکه ازهنرفطری بازی کنان ایرانی برای ایجاد مضحکه سوءاستفاده‌شده ومی‌شود !!

تنظیم یکفیلم کامل: استودیوهای فیلمبرداری برای تنظیم و تکمیل فیلم خود گاه دست بتهیه صحنه‌های اضافی و بیمورد میزنندکه جریانات این صحنه‌ها کاملا خارج ازموضوع اصلی سناریو است و علت این امر اینست که چون میزان کار وتقسیم سناریو از اول تنظیم نشده است ناگاه کارگردانان متوجه میشوند که باید چندصحنه اضافه نمایندتافیلم کوتاه نشود! آنوقت است که صحنه‌سازیهای ساختگی شروع میشود.. درفیلم «دخترچوپان» اگر دقت کرده باشیم بهمین نکته پی‌می‌بریم، متراژ خیابانهای تهران از خیابان فردوسی تاتخت جمشید گرفتن پنچری ماشین صحنه‌هائی است که برای پرکردن فیلم بکار رفته است.

یك موضوع کوتاه بی‌سروته را بامشتی صحنه‌سازیهای ساختگی و مسخره سرهم بندکرده وبنام فیلم وسینما بخورد مردم میدهند صحنه‌های طولانی آواز و منظره‌سازیهای فیلمها همه قسمتهائی هستندکه برای تکمیل ساختن مدت فیلم اضافه شده‌اند وعلت اساسی این امر همانا عدم تنظیم قبلی سناریو میباشد.

نکات یکنواخت: مسئله دیگری راکه درتمام فیلمهای فارسی اعم از درام وکمدی میتوان پیداکرد وجودکاباره ، زندان ، ورقص وآوازمیباشد، این موضوع درعین‌حال که بی‌اندازه مضحك است جنبه تاسف‌انگیزی نیزدارد !!! کاباره وزندان واخیرا هم صحنه‌دادگاه از مستلزمات فیلم های فارسی‌شده است ، هنوز

چند صحنه ازشروع فیلم
نمیگذرد که ناگهان باصحنه
یك کاباره روبرو میشویم
رقاصه ای زیبا باطنازی !!
هرچه تمامتر مشغول رقص
عربی و قردادن کمر است
درطرف مقابل او خواننده
ناکامی نیز در حالیکه
اشك میریزد ؟ شعر
دلدادگی و غم روزگار
رامیخوانددرمحوطه کاباره
عده‌ای نشسته اند که منظره
آنها مانند کسانی است که
بتماشای کنسرت یا تآتر
رفته باشند ، همه جور
آدم که بهیچوجه با هم
تناسبی ندارند صندلی
ها را اشغال کرده وچون
اشخاصی هستندکه ظاهر
شدن درروی پرده سینما



ستاره اول فیلم آواز میخواند!

برای آنها یك خاطره هیجان انگیز فراموش نشدنی است درمقابل آپاره ظرفیت و اراده خودرا ازدست داده وباحرکات غیرطبیعی ناراحتی خودرا نشان داده وحتی گاهی نگاهی دزدکی بعدسی دستگاه فیلمبرداری میکنند وحتما در آنموقع نعره گوشخراش آقای رژیسوررا بلندمیکنند: نکته دیگردرفیلمها وجودزندان میباشدوچون در داستان فیلم همیشه بدبختی وسقوط زن ومرد وجود دارد این بدبختی اول با زندان شروع میشود واین صحنه زندان مقدمه شروع بدبختی است ! صحنه‌های یکنواخت کاباره را درفیلمهای « گل انا » - «مادر» - » افسونگر» - « بی پناه» و ... دیده ایم ! واما رقص وآواز !! معلوم نیست روی چه اساسی هنری یاسینمائی جز یك اساس صرف تجارتی برای فیلمها وجودرقص عربی را تقریبا اجباری نموده اند . هنگامیکه برای تماشای یك فیلم کاملا درام رفته اید وانتظاردارید که بانکات وجریانات کاملاجدی ازوقایع دردناك زندگی روبرو بشوید ناگهان دراواسط فیلم بدون مقدمه خود را بایك صحنه رقص عربی که معمولا درکاباره ها اجرا میشود روبرو می بینید در فیلم دراماتیك «غفلت» کار بجائی کشیده بودکه در وسط اطاق یك منزل معشوقه هنرپیشه فیلم لخت شده وعربی میرقصید ، البته بانهایت تاسف باید قبول کنیم که شادی ونشاط بعضی از خانواده‌های اصلیزاده‌ما در مراسم جشنهای خانوادگی نیز آوردن و رقصاندن رقاصه های نیمه عریان کافه های پست میباشد ولی نباید فراموش کنیم که ماباید سینمارا یك هنرآموزش اجتماعی بدانیم نه یك وسیله نمایش هرزگی وفساد زندگی !! در موضوعات اجتماعی میتوان فساد را نیز مجسم نمود

تنها نباید آنرا بیك شكل عادی و زیبا و پرشكوه و جلال وحتی مطلوب جلوه داد!

بغیر از رقص عربی نیز رقص دیگر دراین فیلمها کمتر دیده میشود ، از این گذشته آواز خواندن در فیلم چه درام چه کمدی یك امر قطعی ولازمی قلمداد شده! آنهم ستاره اول فیلم که مشغول ایفای یکرل تاثر انگیز درام اخلاقـی میباشد آوازه خوان از آب درآمده ودر کاباره‌ها دروصف لب ولوچه کودکش میخواند ... باید



صحنه کاباره درفیلم بازگشت

اذعان کرد که تاکنون دیده نشده است که در یك فیلم فارسی آواز خوانده نشود!!... اینکار برخلاف اصول وقواعد هنری سینما است ! آیا هیچگاه دیده شده است که در یك فیلم تراژدی ویادرام اخلاقی محصول خارجی ستاره فیلم در کاباره آواز بخواند ، کار این آوازه‌خوانیهای بیمورد که دربرخی ازفیلمها بکلی زیادی محسوب میشدند بجائی رسید که درفیلم «مادر» ستاره اول فیلم دهها قطعه شعر دروصف لب ولوچه کودکش ومرك یارش وخوبی وبدی هواخواند وبك سوژه درام تبدیل بیك فیلم موزیکال گردید !! باید تصدیق کنیم که با توجه بقواعد تهیه یك فیلم وجود چنین نکات دائمی نامتناسبی صرفنظر از برهم‌زدن جنبه هنری از لحاظ اصول نیـز غلط وزننده است و بدون‌شك هدف مادی و تجارتی صاحبان استودیوها موجب وجود چنین نکات متضاد ونامتناسبی درفیلمها می‌شود بطوریکه آواز ورقص تاکنون باشکال مختلف درکلیه فیلمهای فارسی بدون استثناء وجود داشته است.

بازی هنرپیشه‌ها در وجود دختران و پسران ایرانی کم و بیش استعدادهای فطری نهفته است واین استعدادها دربعضی ازهنرجویان بمنصه ظهوررسیده وبدینجهت باید اطمینان داشت که چنین استعدادهائی درصورتی که بطور صحیح بایك متد و

روش هنری پرورش یابد بطور قطع امکان بوجود آمدن هنرپیشه های بزرگی را قطعی خواهد ساخت . هنگامی که تهیه فیلم‌های فارسی آغاز شد باستثنای عده‌ای از هنر پیشگان تاتر کسی بنام هنر پیشه سینما در ایران وجود نداشت از تهیه کنندگان فیلم هم عده‌ای دست بدامن هنرپیشگان تاتر شدند و عده‌ای دیگر نیز از دوستان و اطرافیان خود برای بازی در فیلم استفاده کردند بدین ترتیب بازیکنان سینمای ایران یا ستارگان درخشان کنونی آکتورهای بدون حالتی هستند که درغالب آنها کوچکترین چیزی بنام استعداد دیده نمیشود این بازیکنان بی‌حالت که در فیلمهای متعدد خود حالات یکنواخت چهره و بازی خودرا حفظ کرده و از یگانه قالب اصلی خود بیرون نمیآیند در نتیجه فقدان کلاس تربیت هنرپیشه به مفهوم حقیقی بازی آشنا نشده‌اند اکثرا از زن و مرد متوسل به ژست های تصنعی و غیرطبیعی مثلا ابرو انداختن خمار کردن چشمها یا کج و کوله ساختن خطوط چهره میشوند که نتایج مشاهده بـازی هنرپیشگان خارجی در آنهاست بعضی دیگر که تازه پا بعالم سینما گذاشته اند آنقدر دچار تزلزل اراده میشوند که دست و پای خودرا درمقابل دستگاه فیلمبرداری گم کرده و حرکات غیرطبیعی از خود نشان میدهند این بازی هنرپیشگانی است که در تاتر اصلا بازی نکرده‌اند و اما بهترین هنرپیشگان سینما را همان هنرپیشگان تاتر تشکیل میدهند که متاسفانه بازی آنها نیز کاملا بسبك تاتر است و برخی اوقات بقدر دست و سر خودرا حرکت میدهند و بسبك دکلاماسیون صحبت میکنند که بیننده‌ای که با قواعد سینمائی آشنا باشد دچار وحشت میشود تنها اینها دیگر دست خوشبختانه دست و پای خودرا در مقابل دستگاه فیلمبرداری گم نمیکنند

سرهم بندی یا کم خرجی

یك مسئله اساسی که موجبات ابتذال و عدم پیشرفت سینماتوگرافی را فراهم میآورد همانا مسئله سرهم بندی در تهیه و تنظیم صحنه های فیلم است چند بار دیده شده که از یك دکور کوچك و ناچیز برای چند فیلم استفاده میشود استودیوها برای اینکه خرج کمتر بکنند سعی میکنند که اولا زمان و مکان داستان را طوری قرار بدهند که کمتر احتیاج به مسافرت یا تهیه دکورهای عظیم داشته باشند درغالب فیلمها دکورها بقدری فقیر و ناچیز بوده‌اند که خانه و اطاق یك اشراف را بیشتر شبیه باطاق یك فقیر ساخته‌اند که چند تابلو ذیقیمت بر دیوارهای آن نصب شده است همین کم خرجیها و سرهم بندی‌ها اساس موضوع فیلم را پایمال ساخته و امکان هنرنمائی برای شرکت کنندگان در فیلم را نمی‌دهد شما خود فکر کنید که با این سر هم بندی ها با توجه به مقاصد غیر هنری تهیه کنندگان فیلم محصولات سینما چه باید از آب دربیاید ؟

باهم بیک استودیو برویم

برای اینکه بهتر بوضعیت استودیو آشنا شویم بهتر است چندلحظه‌ای به استودیو ها بیائید واقعیات تلخی در پس پرده سینمادرایران نهفته است که مانند سایر حقایق زندگی ماتلخ و ناگوار است (البته برای کسانیکه آنرا حس کنند)!

مقصودم از این شرح و توضیح بیان نکات وحقایقی است که مانع ازرشدو تکامل و ترقی سینماتوگرافی و ابتذال محصولات سینمای ایـران میشود ، این حقایقی است است که نویسندگان و ارباب جراید مترقی ! نیز بدان توجهی نمی-کنند و صفحات خود را اختصاصی به تعریف و تمجـید های بیمورد و زننده از محصولات فارسی داده و نام این طرز عمل را تشویق می نهند!

در حالیکه این طـرز عمل گذشته از اینکه مانع از ترقی و توسعه فیلم ـ برداری میشود جنبهٔ مسخره‌ای بخودگرفته و موجبات انحراف وعدم پیشرفت و حتی دلسردی هنر مندان‌واقعی راکـه‌در میان این منجلاب تلاش می کنند فراهم می‌آورد .

من این صفحات را اختصاصی بتعریف وتمجیدهای بیمورد نسبت‌بکارکنان سینمای ایران نمیدهم ، زیرا عقیده مندم‌که باید بیشتر اشتباهات وانحرافات را متذکر شد و بدون جهت اشخاصی را بزرگ نکرد بلکه با وجود اینکه صاحبان استودیوها بنظریات افراد مطلع و یا نوشته‌های انتقادی‌که برای راهنمائی آن ها بوده است کمتر توجه داشته‌اند بازهم مبارزه را باید تاسرحدی ادامه‌داد که هنر سینما بتواند در راه‌صحیحی جریان پیداکندوهدف هنری جایگزین‌مقاصدصرف مادی‌گردد .. برای اینکه بیشتر بطرز تفکر افراد وطرزکار استودیوپی‌ببریم با هم بچند استودیو برویم :

دریك استودیو جدیدالتاسیس

تقریبا یکسال‌و نیم پیش بودکه یکی از دوستان بااصرارزیادی مرا برای آشنائی بیکی از استودیوهای جدیدالتاسیس برد ساعت تقریباه‌ر ٤ بعدازظهربود که باتفاق از پله‌ها بالارفتیم .. دوستم در مقابل دری ایستاد چند ضربه‌آهسته زد باشنیدن کلمه بفرمائید ما داخل شدیم و من‌خود را با جوانکی روبرو دیدم که فوق‌العاده شیك پوشیده و با لهجه نیمه‌فرنگی‌صحبت می کرد ... دوستم‌بنا‌بتقاضای قبلی خودم مرا بعنوان‌یك‌علاقمند ساده بدون‌ذکر نام به مدیروکارگردان‌استودیو که همان‌آقای جوان بود‌اد معرفی‌کرد دستور چائی داده شدوآقای تهیه‌کننده و

کارگردان و رئیس استودیو ... که قطعا تمام هوش وحواسشان متوجه کارخود شان بود و می‌خواستند زرنگی وهنر خود را برخ ما بکشند دائما ازکار خود صحبت میکردند من نیز بمقتضای کنجکاوی ذاتی که نسبت بدین مسائل دارم درضمن صحبت برای کسب اطلاعات بیشتر پرسیدم که تشکیلات استودیو شما چگونه است؟ درجوابم گفت:

دو اطاق بیله و یك محوطه انبار مانند محل کار ما است، یك پروژکتور کوچك هم از یك استودیو قرض گرفته‌ایم!!

خوب تصور کردم این هنرمندان فقیر وفداکاری هستند که بعلت علاقه مفرط به فیلم برداری از هیچ نوع طرز کاری رو گردان نمیشوند! در دنباله صحبت ازکادر هنرپیشه‌هائی که عجالتا در نظر گرفته شده‌اند پرسیدم. خیلی خونسرد و عادی جواب داد

ای آقا، من فامیل صمیمی زیادی دارم که بمن افتخارا کمك میکنند همانها در فیلم من بازی خواهند کرد بجان شما هیچکس

بهتر از رفیق آدم نمیشود! بالاخره طاقت نیاورده پرسیدم: رژیسور شما کیست؟ در جوابم گفت: **خود بنده هستم!** و هنگامیکه از او میزان اطلاعات و تحصیلاتش را جویا شدم اظهار داشت: من چند ماه در فرانسه بودم

بعلاوه بیست سال است که مرتب فیلم می‌بینم و اطلاعات مبسوطی ازاین راه برای رژیسوری بدست آورده‌ام چون همه جور فیلم دیده‌ام.. بعدهم اضافه کرد

که در کودکی علاقه زیادی بعکس آرتیست داشته است!

دیدم که چقدر ازقافله دور هستم و متوجه شدم که آشنائی با این استودیو جدیدالتاسیس کفایت میکند! واما آقای محترم مشغول شرح پروژه‌های آینده خود بوده و می گفتند فیلمهای تجارتی تهیه خواهند کرد که دست فیلمهای خارجی را ازپشت بسته و رکورد کلیه فیلمهارا ازلحاظ فروش بشکنند. واما درزمینه قسمتهای هنری معتقد بودندکه **مردم چیزی سرشان نمیشود!** پس باید فیلمهائی تهیه کرد که بااستفاده از نفهمی مردم درآمد بیشتری داشته باشند هنگامی که از خدمت آقا مرخص میشدیم دوستم اقدام بمعرفی من نمود ولی آقا بدون اینکه بروی مبارك بیاورد گفت چقدر خوشوقتم! خیلی میل داشتم باشما آشنا شوم اگر ممکن است شما باما همکاری کرده قسمت فنی کارهای مارا بگیرید تا... صحبتش را قطع کرده توضیح دادم که من یك نویسنده و منتقد سینمائی میباشم و فیلمبردار نیستم وازدرخارج شدم درحالی که قطع دانستم ازاین توضیح من سر درنیاورده است.

یك صحنه فیلم چگونه تهیه میشود

ساعت ۱۲ را اعلام میکرد درسالن استودیو محشری بپا بود زیرا میخواستند یکی ازصحنه های بی نظیر یك فیلم بزرك را تهیه کنند . فیلمبردار در پشت دستگاه فیلمبرداری وشاگرداش درپشت دستگاههای پروژکتور قرار گرفته آماده کار بودند فیلمبردار بالهجه نیم عربی هنرپیشگانی را که مشغول گریم بودند صدا میکرد در یك گوشه محوطه دکور بین رژیسور و صاحب فیلم برسر گریم یکی از بازیکنان مشاجره در گرفته بود زیرا صاحب فیلم عقیده داشت که آن بازیکن ریشش باید انبوه تر باشد ولی رژیسور بالعکس معتقد بود که آن بازیکن اصلا ریش نباید داشته باشد در گوشه دیگر برخی از تماشاچیان و بازیکنانی که در آن صحنه رلی نداشتند بانهایت بیصبری منتظر بودند چه موقع صحنه تمام شده موقع نهار فرا میرسد!! ازآنطرف دراطاق پهلوئی عده دیگر مشغول صدابرداری ازفیلمی دیگر بودند ودائما دراطاق را باز کرده فریاد میزدند :

آقا یك خورده یواش تر کار کنید ! دراین موقع بحث رژیسور وصاحب فیلم بجای باریکی کشیده ولی فیلمبردار که حوصله اش بکلی سر رفته بود ومیترسید دامنه این بحث به اختلاف کشیده شده و او از حقوق خود محروم شود میانجیگری کرده وگفت : چه فرق میکند ببینید خودش چه میگوید چرا وقت را بیهوده تلف میکنند ؟ قضیه بدین ترتیب فیصله وسرهم بندی شده واما تازه اصل کار هنوز آماده نشده بود زیرا هنگامیکه همه حاضر بکار شدند متوجه گشتند که سناریو فیلم نیست همه جا دنبالش گشتند بعد معلوم شد تنها نسخه سناریو درمنزل یکنفر مانده است بعلاوه ساعت یك و نیم بعدازظهر و موقع نهار بود بر پدر بدشانسی لعنت !

نهار چلوکباب داشتند هنگامه عظیمی برپا شد یك دیك بزرك وسط محوطه گذاشتند چند نان سنگك هم پهلویش قرار دادند صاحب فیلم که می خواست همه از اوراضی شوند دستور چلو کباب فراوانی داده بود ضمنا با اصرار زیادی میخواست همه را باندازه کافی سیر وراضی بکند دریك چشم بهم زدن محتوی دیك را در بشقابها خالی کردند پس از نیم ساعت درحالیکه روی میز و صندلی های دکور پر ازسبزی و نان کبابی شده بود رژیسور فریاد زد خوب شروع کنیم زود باشید سبزی ها را جمع کنید پشت میز بریزید تا در دوربین دیده شود . میدونید که ساعت چهار بعدازظهر باید فیلمبرداری ازاین صحنه تمام شود ! بدین ترتیب فیلمبرداری آغاز شد راستی اینرا هم باید گفت که این استودیو ازمجهزترین استودیوهای تهران و فیلمی هم که درآن موقع تهیه میشد ازبهترین و بزرگترین فیلم های فارسی سال بود .

مراسم باشکوه سینمائی

شما خوانندگان عزیز که قطعا از دوستداران سینما هستید باید از مراسم پرجلال وجبروت هنری!! معرفی هنرپیشگان و کارکنان فیلم های فارسی مطلع شده باشید من در اینجا یکی از این مراسم را آنطورکه بوده است برای شما تعریف میکنم شاید شما درآنموقع در آن مراسم نیزحضورداشته اید و خودشاهدجریانات آن شده باشید :

شب اول نمایش فیلم بود رژیسور وهنرپیشگان فیلم تصمیم به تهیه یك مراسم سینمائی جهت تبلیغ برای فیلم خود گرفته بودند قرار بود مراسم بطور ساده ومختصر درسانس سوم برگزارشود موقع شروع سانس سوم رژیسور وهنرپیشگان همگی جمعا در بهترین جای سینما قرارگرفتند البته جناب رژیسور که فیلم بردارآن فیلم نیز بود دروسط شاگردان خود قرار داشت یکساعت که از شروع فیلم گذشت بنابتصمیم قبلی خواستند دسته گلهای متعدد وبزرگی را ازسالن انتظار به‌اتاق‌آورده ودرپشت هنرپیشگان قراردهند ولی چون‌دسته های بزرك وگلدانهای بزرك گل درکاغذ زرورق پیچیده شده بودند ودرب ورودی‌اش نیزبی‌اندازه‌کوچك بود اشکال زیادی بوجودآمد وصدای خشن وناراحت‌کننده زرورق ها داد وفریاد تماشاچیان را بلندکرد فشار چندگلدان بزرك گل برپشت هنرپیشگان آنها را از دیدار روی‌مبارکشان درروی پرده‌سینما بکلی بازداشت بطوریکه یکی از خانم‌ها گفت ترا بخدا ماگل نمی‌خواستیم شماکه پدر مارا درآوردید ! ولی بامزه‌تراین بودکه صدای خش‌خش کاغذها وباز و بسته‌شدن درب از تماشاچیان را متوجه ساخته بودکه جریاناتی‌درشرف وقوع است بدین جهت حواسشان بکلی پرت‌شده و درتاریکی‌سرهایشانرا بطرف ما مخصوص ! برگردانده بودند و بانهایت بیصبری منتظر روشن‌شدن چراغ بودند فیلم تمام شد .. با مشاهده هنرپیشگان صدای کف زدن و سوت شدید مدعوین !! بلند شد ولی‌مانندهمیشه تماشاچیان که ازوجود یك فیلم واصولا سینما چیزی‌جز عملیات آرتیست ها ندانسته وتصور میکنند فیلم از بازی هنرپیشگان تشکیل شده است به جناب‌آقای رژیسور توجهی نفرمودند .

رژیسور که بعزت‌نفسش برخورده بود ومیل داشت توجه وعلاقه مردم را نسبت به خود برانگیزد ناگهان دست بمیان‌گلها زده و یکدسته از آنرا بطرف تماشاچیان پرتاب‌کرد بدین ترتیب عده‌ای که اورا می‌شناختندچون دیدنداو گلهائیراکه‌ظاهرا به هنرپیشگان اهدا شده بود بطرف مردم پرتاپ میکند فریـاد زنده باد را بلند کردند . رژیسور که تشویق شده بود باحرارت زیادی دسته های‌گل را از هم

گسیخته و به مغز تماشاچیان میکوبید بتدریج دیگ طمع تماشاچیان بجوش آمد آنها هم خواستند باحرارت خود باین حرارت جواب متقابل دهند ناگهان همه از صندلی های خود بلندشده و باسرعت عجیبی بطرف جایگاه مخصوص هنرپیشگان هجوم بردند تا مقدار گل بیشتری بچنگ آورند ولحظه ای نگذشت که طمع گل فیلم و هنرپیشگان آنرا بکلی به فراموشی سپرد دیگری کسی کسی را نمی شناخت لگدمشت بود که بهر طرف زده میشد ستاره اول فیلم غش کرد ستاره دوم فیلم زیردست و پا افتاده بود ولی رژیسور هنوز مشغول پرتاب کردن گل بود صدای شکسته شدن صندلی بگوش میرسید فشار جمعیت بقدری شدید بود که درب اژ باز نمی شد و پاسبانها قادر نبودند از ازدحام بکاهند البته این ازدحام دیگر برای هنرپیشگان نبود بلکه برای گل بود هرکس فریاد می زد نبود : «پام خورد ، بمن بده» ولی تمام گلها زیردست و پا له و محو شد گلدانها شکست وچند دقیقه بعد دیگر از گل اثری باقی نمانده بود آنوقت همه نفسی براحتی کشیدند سالن خلوت ترشد و متصدیان سینما توانستند خود را به ستاره اول فیلم رسانده چندقطره آب روی صورتش بپاشند ولی مردم همه گل میخواستند ولی عوض گل روی زمین فقط مقداری گل بود رژیسور هم عقب گل میدوید تا شاید از رفتن تماشاچیان ممانعت کند دراینمیان فقط چند پسربچه خورد سال ژنده پوش باعجز التماس تقاضا می کردند که لا قل سبدهای خالی گل به آنها داده شود بدین ترتیب یك مراسم باشکوه سینمائی خاتمه پذیرفت در حالیکه رژیسور نام آنرا «یکشب فراموش نشدنی» گذاشته بود .

جنگ رژیسور و تهیه کننده

یکی از حوادث بامزه وتلخ دیگر اختلاف رژیسور و پرودوکتور است در میان رژیسور ها افراد مطلع وهنرمندی یافت می شوند که هدف صحیح هنری انتخاب کرده اند بین آنها وصاحبان استودیو ها دائما مشاجره میشود یکشب آقای رژیسور خواست برای دیدن یکی از صحنه هائی که خود تهیه کرده بود به لابراتوار شست وشوی فیلم برود اما متصدی لابراتوار جلوی او را گرفت و گفت: ببخشید شما نمیتوانید داخل اینجا بشوید.

چرا؟ من رژیسور هستم ومیخواهم فیلم خودم را ببینم مگر چی شده؟

والله ارباب دستور داده اند که بدون اجازه ایشان کسی داخل اینجا نشود.

رژیسور که خود را درمقابل چنین جریان نامناسب و غیر منتظره ای دید بدون تامل باطاق پرودوکتور رفت.

– آقا چرا مرا به اطاق لابراتوار راه نمی دهند؟ این وضعیت چه معنی دارد؟

شما چکار دارید به آنجا بروید؟ شما کار خودرا بکنید

عجب من رژیسور فیلم هستم من حق دارم که فیلم خودرا ببینم چه کسی دستور داده که مرا به لابراتوار راه ندهند؟

من دستور داده ام .... رژیسور که عصبانی شده بود جواب داد :

تو گه خوردی ! پرودوکتر که تصور نمیکرد کسی بتواند باو برخاش کنید دچار وحشت شد و گفت تو مزدور من هستی تو از من پول میگیری و باید برای من کار کنی ولی رژیسور باتبسم پراز تنفر واستهزاء باین کلمات پاسخ داد وباین همکاری فیمابین خاتمه داده شد .

کارکنان سینما توگرافی ایران چه‌میگویند؟

حسادت ، بدگوئی ، کینه توزی ، سخن چینی و تحریک افراد علیه یکدیگر مجموعه جریاناتی است که در استودیو های فیلم برداری ایـران حکومت میکند آنهائیکه صرفا هدف مادی دارند و از پیشرفت همکاراشان وحشت مینمایند دائما یکدیگر را به‌نداشتن معلومات محکوم میکنند وهریك دیگری راعوام بی‌سواد بی استعداد میخوانند و هیچ یك از امکانات موجود خود برای پیشرفت کار خود از لحاظ جنبه هنری استفاده نمیکنند.

بزرگترین اساس برای تهیه یك فیلم همانا مشخص شدن وظائف مسئولین امر میباشد درحالیکه در اینجا نمی‌خواهند حتی این وظیفه‌را مشخص کرده‌و کلیه متصدیان را در جریان عمل قرار بدهند بد نیست توجهی به سخنان این مسئولین یعنی تهیه کنندگان و کارگردانان وهنرپیشگان بکنیم وبدانیم آنهاچه میگویند:

کارگردان چه میگوید ؟ هنگامیکه با کارگردانی مـواجه میشوید مثل اینکه بخواهد خودرا تبرئه کند میگوید:(آقا من چه میتوانم بکنم ، یك‌سناریو بدستم میدهند یك فیلم‌بردار لجوج همراهم میسازند با چند هنر پیشه که بوئی از هنرپیشگی نبرده‌اند و من باید حتی طرز راه رفتن و صحیح تکلم نمودن را بآنها یادبدهم ماموركارم میسازند ... اگر من آزاد بودم می‌دیدید ؟ چه ابتکاراتی بکار برده‌و چه فیلمی تهیه میکردم)

هنرپیشه‌چه‌میگوید؟ هنر پیشه ها بر دو دسته اند آنهائی‌که دیگر خودرامشهوروبی‌نیاز حس‌کرده تصور میکنندکه معلوماتشان ازرژیسور بیشتربوده ونابغه دهر هستند و آنهائیکه هنوز برای خود صاحب تشخیص نشده وبخوبی می دانند که نباید اظهار فضل کنند که البته اکثریت‌بادسته دوم است افراد دسته‌اول میگویند :(بااین کارگردانها که چیزی سرشان نمیشود چگونه‌میشودکارکرد بارها درحین‌بازی بآنها متذکر شده‌ایم که طرز فکرشان غلط است اگر ما بـه اختیار اختیار خود بودیم استعدادمان بمنصه‌ظهور میرسید) افراد دسته‌دوم میگویند؛ (این هم‌کار شد نه پول میدهند و نه تشویق میکنند ماکه چیزی بلد نیستیم کسی هـم نیست‌که ما را راهنمائی کند) اینها نمیدانندکه بنام هنرپیشه بازیچه یك تجارت شوم سینمائی هستند هرزمانی‌که بآنها احتیاج شد مورد استفاده قرار میگیرندودر غیر اینصورت فراموش میشوند .

تهیه‌کننده چه میگوید؟ قطعا این موضوعات را باید تهیه کننده یا پرودوکتور حل کند ولی درمحافل سینمائی میگویند پرودوکتور و رژیسور دشمن سرسخت یکدیگرند تهیه کننده باصورت حق بجانبی میگوید : (من پول میریزم هزارها تومان خرج میکنم ولی پول مرا به باد میدهند هنر پیشه‌های ما هیچگونه قید اخلاقی ندارند نه سر موقع در استودیو برای کار و تمرین حاضر میشوند و نه بحرف آدم گوش میکنند .. هر وقت میلشان کشید میآیند آنقدر لاقیدی برای کسانیکه خودرا هنرپیشه میدانند ننگ آور است آقایان کارگردانان هم باید بدانند که من تجارت میکنم و فیلمی میخواهم که بیشتر استفاده پولی داشته باشد و بنا براین حتما باید رقص و آواز و ارزندان و کاباره‌ها داشته باشد) برخی اوقات هم یکنفر هم خود سرمایه میگذارد هم خود داستان فیلم را مینویسد هم رژیسوری و فیلم برداری میکند و هم هنرپیشه اول فیلم میشود و آنوقت باید دید این نابغه هرچه میگوید؟ هرج و مرج فکری است که معلوم نیست به کجا ختم میشود

راه صحیحی انتخاب کنیم!

ما ازنکات بالا حقایقی تلخی را نتیجه می گیریم هر کسی بابدست آوردن مختصر پول و ابتیاع یکدستگاه فیلمبرداری بعنوان رژیسور، تهیه کننده ویا هر عنوان دیگر (چون گرفتن عنوان دراین کشور مجاز است) شروع بتهیه فیلم می کند چون کسی مانع یامزاحم عملیات او نیست برای اینکه بیشتر از استفاده های مادی بهره مند شود بامشتی سرهم بندی چیزی بنام فیلم تهیه کرده وروی پرده سینمای آورد وتوده مردم بجرم دانستن زبان ویاعلاقه بهنرپیشگان وموسیقی ملی خود به تماشای این فیلم ها میروند وبدین ترتیب مشتی پول بجیب این آقایان میرود و همین اشخاص باوجود آنکه میدانند عده بیشماری از مردم بطرز کار و هدف صرف مادی آنها واقف می باشند با تطمیع بعضی افراد روزنامه نویس مطالبی بنفع خود وکارهایشان درجرائد انتشار میدهند وعنوان آنراهم تشویق از کارکنان و هنر پیشگان می گذارند ومعتقدند که چون این هنر درایران جوان است بنابراین هرفیلمی بهرشکل که تهیه شد باید مورد تمجید وتشویق قرار گیرد .

ما باید یك اساسی را قبول کنیم این اساس حمایت از یك طرز کار صحیح میباشد که نتایج عملی بنفع اجتماع داشته باشد هنگامیکه هدف درهر کاری صحیح نبوده وحتی زیان بخش باشد از آن کار واز آن روش نباید پشتیبانی کرد و باتشویق های بیمورد این انحراف را تقویت ننمود بلکه بالعکس باید حتی المقدور سعی کرد که روش غلط تغییر یافته وروش صحیح برگزیده شود ما نباید اجازه دهیم که هنرظریف سینمارا درکشور بازیچه تجارت ومقصد مادی قرار دهند درمقدمه یك کار آنرا باشکست روبرو سازند درکشوریکه اصلا سینما وجود نداشت ناگهان دهها متخصص رژیسور وفیلم بردار پیدا شدند و تعداد استودیوها از سی تا هم متجاوز نگردید درطی سال ۱۳۳۱ بیش از ده فیلم فارسی بروی پرده آمد ودراین میان فیلم هائی مانند حاکم یکروزه ، جدال باشیطان ، گلشا ، یاغی وملا نصرالدین افتضاحات سینمائی محسوب می شدند که درآن گذشته از تمسخر هنروزندگی مقاصد شوم صاحبان استودیوها نمودار گردید وکار بجائی رسید که بعضی ازاین فیلمها دیگر مورد استقبال مردم قرار نگرفت بطوریکه درسال ۱۳۳۲ میزان محصولات فارسی که روی پرده آمدند بمراتب کمتر از سال ۳۱ بودند . برای ترقی وتکامل یك هنری که تازه در کشوری ایجاد میگردد مقدمات واصولی لازم است که برمبنای هدف صحیحی جهت هموار ساختن ترقی وآینده آن هنر قرار داشته باشد واما برای ترقی وتکامل صنعت سینما

توگرافی درایران نیزلازم است روش ومقدمات ذیل برگزیده شود :

۱ ـ کلاسهای فنی ـ تشکیل کلاسهای فنی برای تربیت متخصص جهت فیلم برداری ، شست وشو ، مونتاژ ، دکوپاژ وغیره که البته این کلاسها باید زیر نظر استادان خارجی از طرف وزارت فرهنگ و اداره هنرهای ملی تشکیل یافته و درطی یک تعلیمات تئوریک وعملی عده ای علاقمند را جهت قسمت های فنی سینماتوگرافی تربیت نماید این بزرگترین کادر سینمائی محسوب میشود که درپیشرفت سریع فیلم برداری موثر خواهد بود .

۲ کلاسهای هنرپیشگی ـ باتوجه به ذوق و استعدادی که در وجود ایرانی نهفته است وباتوجه باینکه دختران وپسران مادر زمینه سینما هم دارای استعداد و آمادگی قابل توجهی میباشند لطفاً لازم است کلاسهای مخصوصی جهت تعلیم و تربیت هنرجویان جوان و تکمیل کادر هنرپیشگان سینمائی تشکیل داد تا دیگر استعدادهای محو نشده و بقول کارگردانان آنها مجبور نباشند به هنرپیشه طرز تکلم یا راه رفتن را یاد بدهند یامثلاً بعضی هنرپیشگان مشهوری که در نتیجه یک استعداد ذاتی دراولین فیلم نقش خودرا به نحو احسنی ایفا نموده اندو اما در نتیجه نبودن شرایط مساعد و تعلیم و تربیت صحیح دیگر پیشرفتی نکرده ودر فیلم های بعدی خود نیز همان حالت و بازی یکنواخت را که در همان فیلم اول داشتند حفظ کرده اند وارزش بازی خودرا از دست داده اند بنابراین وجود و تشکیل کلاسهای هنرپیشگی از کارهای ضروری برای پیشرفت سینمااست .

۳ ـ تهیه فیلم های خبری ـ همیشه بایدقدم به قدم راه رفت اول قدم اول را برداشت بعدقدم دوم رقدم اول رانباید آنقدر بلند برداشت تادیگر قدم دوم بلندنشود ! بنابراین لازم بود اول متخصصین سینما برای تقویت تکنیک فیلم برداری دست به تهیه فیلم های دکومانته و خبری میزدند و بعد از مدت لااقل دو سال هنگامیکه فیلم برداری تااندازه ای کامل شده لابراتوار ومونتاژ وضعیت بهتری پیدا میکرد آنوقت شروع به تهیه فیلم های بزرک میکردند نه اینکه درهمان سال اول بایک تکنیک افتضاح ومونتاژ خراب وپلان بندی غلط فیلم های بزرک رنگی تهیه کرد

قسمت دوم

انتقاد فیلم

مبحث اصلی این کتاب بمسئله انتقاد اختصاص دارد اکنون دیگر بر اهل هنر اهمیت انتقاد در کلیه زمینه های هنری بطور محسوسی مسلم و واضح است زیرا انتقاد یگانه و بهترین وسیله مبارزه جهت اصلاح هنر و راهنمائی هنرمندان بشمار میرود باوجود اینکه هنوز توده مردم و حتی خوانندگان جراید و کتاب هنوز آنطورکه لازم است باهمیت انتقاد پی نبرده اند و کلیه نویسندگانی که قلم انتقادی داشته و در زمینه های هنری مطالب انتقادی نوشته اند پس ازچند مدتی بعلت عدم درك اجتماعی مردم دست از اینکار کشیده اند ولی باید انتقاد را برای توسعه روشن بینی عمومی ادامه داد ، اگر حقیقت را بخواهید هنوز اکثریت قاطعی بمفهوم اصلی انتقاد آشنا نشده واصلا از این کلمه سردر نیاورده ومعنی آنرا هم بدگوئی از چیزی میدانند ، چون هیچیك ازهنرها درایران بمفهوم واقعی خودشناخته نشده انتقاد هم یکی از مسائل دشواری استکه هنوز سطح فرهنگ کشور اجازه شناختن آنرا نمیدهد ، بارها شنیده امکه افرادروشنفکر وتحصیل کرده عمل انتقاد رامسخره کرده ومباحث انتقادی سینمارا مطالب غیرمفهوم وبی ارزش دانسته اند،همین اشخاص هنگامیکه بامن روبروشده اند بقول خوددوستانه تذکر میدادندکه دست از اینکاربیهوده ومسخره بردارم و اصلا هنر سینما راکوچکتر ازآن میدانستندکه درباره آن بحث شود اینطرز تفکر متاسفانه میان طبقه منورالفکر این کشورکه کاری جزگردش درخیابانهای مرکزی شهر وعیاشی ندارند شدیدا نفوذ دارد ، سینما برای این اشخاص یك وسیله وقت گذرانی است و در جراید نیز چیزی جز ناولهای هوس انگیز عشقی وداستانهای جنائی نمیخواهند بخوانند . بارها با برخی آقایان مدیران جراید برسر نوشتن مطالبات سینمائی بحث کرده ام، آنها عقیده داشتندکه باید سلیقه اکثریت رعایت شود ، ولی ما خوب میدانیم که چه نوع فیلمهائی مانند دخترچوپان از میان محصولات فارسی و «طرابلس» و «یاسمین» « چراغ جادو» و « جانباز» ازمیان محصولات خارجی با استقبال شدیدی روبرو میشوند در حالیکه شاهکارهای پرارزش هنری واجتماعی که تجلی واقعی هنرسینما هستند مانند فیلمهای «ترامواثی بنام هوس» و « پایان یك عمر» اصلا موردتوجه

واستقبال عمومی روبرو نمیشوند در طی چند سال اخیر بطور محسوسی سطح فکر مردم بالارفته وبتدریج فیلمهای پرارزش نیز بااستقبال عمومی روبرو میشدند از جمله فیلمهای «لغزش» و «جانی بلیندا» که مدتهای متمادی درتهران نمایش دادند ولی یك بررسی دقیق نشان داد که فیلمهای فارسی برفیلمهای خارجی صدمه زدند، بدین معنی که نمایش محصولات فارسی سبب شد که عده زیادی برتعداد تماشاچیان سینما اضافه شود این تماشاچیان جدیدالورود که بخاطر فیلم فارسی شروع بسینما رفتن کرده بودند چون تعداد فیلمهای فارسی کم بود و آنها نیز می خواستند که هفته یکبار بسینما روند بدیدار فیلمهای خارجی شتافتند والبته چون به تیپ فیلمهای فارسی عادت کرده بودند هیچیك ازفیلمهای خارجی مورد پسندشان واقع نشد بخصوص از فیلمهای سنگین درام اتیك وحشت نمودند، بدین جهت حالا دیگر فیلمی دیده نمیشود که از عیبجوئی واعتراض افراد مختلف در امان باشد، برای هر فیلم عیبی می گیرند ونظریات بقدری زیاد و درعین حال متضاد شده که اگر شما درباره یك فیلم از ده شخص مختلف سئوال کنید آن فیلم چطور است هر یك بنحوی اظهار عقیده میکنند وهیچیك ازاین اظهارنظرها باهم توافق وباتشابه ندارند، بدین ترتیب جنجال عجیبی بوجود آمده است که معلوم نیست چه نتیجه هائی دربر خواهد داشت بخصوص که تعداد تماشاچیان سینما در سال ۱۳۳۲ دو برابر سال ۱۳۳۱ گردیده است.

سلیقه شخصی وقضاوت هنری: مسئله مهم دیگری که کمتر مورد توجه قرار میگیرد همانا وجه تمایز سلیقه شخصی افراد با یك قضاوت صحیح هنری است. بیشتر اشخاص روی خوش آمد های شخصی برای فیلم تعیین ارزش میکنند درحالیکه باید بین سلیقه شخصی وارزش اجتماعی فیلم فرق گذاشت بخصوص درمسئله انتقاد باید بکلی روی سلیقه های شخصی قلم کشیده شود زیرا چه بسا اشخاصی که به نکات وچیزهائی علاقمند هستند که ازلحاظ اجتماعی برای دیگران کوچکترین ارزشی ندارد.

سلیقه وخوش آمد شخصی چیزی است که فرد از لحاظ شخصی بمقتضای روحیات مخصوص خوداز آن لذت میبرد واین لذت فردی دلیل برارزش آن چیزمورد نظر نیست زیرا ممکن است شما شخصا از موسیقی جاز یاموسیقی محلی لذت ببرید ولی نباید از لحاظ هنری و اجتماعی آنرا مافوق ویا بهتراز موسیقی کلاسیك بدانید بنابر این بین سلیقه و خوش آمد شخصی و قضاوت صحیح هنری باید تفاوت گذارد.

وظیفه منقد

شخص منقد وظیفه دارد به مقتضای تخصص وهدف خود سینما یا هر هنر دیگر را که مورد بحث قرار میدهد آنطوریکه لازم است بامفهوم واقعی خودبه مردم بشناساند، عمل انتقاد به منظور تجزیه وتحلیل محصولات وآثارهنری ازلحاظ اجتماعی برای توسعه فرهنك وسطح روشن بینی توده های مردم است بدین جهت انتقاد باید بریك پایه و اصول صحیح اجرا گردد گذشته از اینکه شخص منقد باید

هرگونه اغراض شخصی یا ملاحظات دوستانه را بکلی کنار گذارد باید از سلیقه شخصی وخوش‌آمد آنی خود نیز درموقع بحث و انتقاد چشم‌پوشی کند زیرا انتقاد برای بیان سلیقه فردنیست بلکه یک عمل اجتماعی برای بیان حقایق وواقعیات هنری است درطی تاریخ منقدین درزمینه ادبیات وسایر هنرها مانند بلینسکی وجودداشتند که عده آنها نیز بسیار محدودبود ولی در زمینه سینما که کاملترین هنرها شناخته شده است نه تنها منقد ثابتی وجود نداشته بلکه ازلحاظ انتقادی درباره سینما کمتر بحث شده است و مطالب سینمائی در جرائد ومجلات دنیا اختصاص بتنظیم رپورتاژ از کمپانی ها و کارخانجات فیلمبرداری ، شرح و تفسیر فیلمهائی که تهیه می شوند و بیوگرافی هنرپیشگان البته بشکل شرح زندگی خصوصی آنها اختصاص داشته است تااینکه درچند سال اخیر درآمریکا واروپا وهمچنین شوروی بعلت تشکیل وفعالیت نهضتها وسینه کلوب های هنری نویسندگانی هم بوجودآمدند که درباره هنر سینمادست به بحث وانتقاد زدند ولی ماباید بخوبی بدانیم که همانطور که انتقاد صحیح درباره محصولات سینمائی ازلحاظ شناساندن این هنر بمردم و تعیین ارزش فیلم ها رل موثری را ایفا میکند همانطور هم روش غلط در انتقاد موجب گمراهی خوانندگان را فراهم می‌نماید. بنابراین برای معرفی و بیان نکات هنری بوسیله انتقاد باید دقت ونکته بینی کاملی بکار رود تا اثر ونتیجه آن از لحاظ اجتماعی مطلوب و مفید باشد .



برای معرفی بهترین فیلم های سال

روشی که برای معرفی بهترین فیلمهای سال برگزیده بودم تنظیم یك آمار درهرفصل ودرپایان هرسال برای معرفی وانتخاب بهترین فیلمهائیکه درسینماهای تهران بمعرض نمایش گذارده شده‌اند تعیین ارزش بهترین بازی‌هنرپیشگان آن فیلمها بودکه اولین بار در زمستان ۱۳۲۹ اقدام به‌تعیین بهترین فیلمهای فصل زمستان واهدای جایزه به‌نمایش دهنده بهترین فیلم‌سال نمودم مراسم اهدای این‌جایزه در دفتر روزنامه ایران باحضور چندتن ازمدیران سینماها بعمل آمد وگلدان‌نقره‌ای برای فیلم «جانی بلیندا» بسینما هما اهداء گردید بعداز این مراسم تصمیم گرفتم مراسم باشکوه وآبرومندتری برگذارکنم‌که نتایج عملی هنری آن برای عموم مردم بخصوص ارباب ذوق وهنربیشتر وبهترباشد بدین منظور یك صفحه از روزنامه ایران آنزمان بمسئله انتقاد فیلم اختصاص داده‌شد ودر اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۱ درطی یك‌فستیوال یکروزه بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۰ معرفی شده وقطعاتی ازآن درسالن سینما کریستال بمعرض نمایش گذارده شد البته انجام این مراسم نیز خیلی ناقص بود بخصوص‌که برای خیلی ها تازگی داشت ولازم بود بتدریج مردم را باچنین مراسمی آشنا ساخت زیرا عده‌ای از چنین مراسمی ابراز ناراحتی‌کردند ولی درهرحال عده‌ای علاقمند بوجودآمد وکلمه انتقاد تااندازه‌ای تازگی خودرا ازدست داد ولی‌لازم بودهمانطورکه سینما و نمایش فیلم‌که بمنزله تنها تفریح مردم شده‌بود بسرعت جلومیرفت مسئله‌انتقاد فیلم نیز برای عموم‌مردم بخصوص طبقه منورالفکر روشن‌میشد دومین‌فستیوال سینمائی باوجود اشکالات‌زیاد صبح روز پانزده‌بهمن‌ماه‌سال ۱۳۳۱ درسینمامترو پل‌جامه‌عمل‌بخود پوشید البته‌درتمام‌این فستیوالها‌کلیه تماشاچیان دعوت شده بودند چهارمین فستیوال درطی دو روز در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۲ درسالن سینما رکس بعمل‌آمدکه برنامه آن ازهر حیث کاملتر ازبرنامه های قبلی بود بنابراین معرفی فیلمها یابهترین هنرپیشگان و یا تشکیل فستیوال سینمائی در خلال انتقادات سینمائی یك وسیله عملی‌تر و موثرتر برای بیان مفهومات عالی وواقعیات هنری‌سینما ووجه تمایز دادن‌بین محصولات آموزنده وپرارزش بامحصولات مبتذل ومنحط تجارتی بشمار میرود.

مقصود از ذکر این مطالب ومعرفی بهترین فیلمهای سال به منظور معرفی بهترین آثار هنری سینمائی جهان و یادآوری از محصولات عالی‌گذشته و جلب توجه علاقمندان به‌مسئله‌سینماونکات شیرین ولذت‌بخشی میباشدکه‌درآن نهفته‌است در فهرست ذیل اسامی بهترین فیلم ها و بهترین هنرپیشگان از زمستان

سال ۱۳۲۹ تا آخر سال سال ۱۳۳۲ و همچنین امتیازات سینماهای نمایش دهنده بهترین فیلم ها نوشته شده و البته بمنظور تجزیه و تحلیل و معرفی کامل این فیلمها تعداد ده تا بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۲ در دنبال فهرست بطور کامل مورد بحث و انتقاد قرار گرفته و کلیه نکات و جنبه‌های آن تجزیه تحلیل شده است و همچنین در دنباله این بحث شمه‌ای نیز درباره محصولات مبتذل منحط تجارتی گفته شده

طرز تعیین بهترین فیلمها و هنرپیشگان

هر فیلم از قسمت های ذیل تشکیل یافته است که ترتیب اهمیت آنها بترتیب شماره است:

۱-موضوع ۲- ایده و نتیجه ۳- بازی ٤-موزیك ٥- دیالوك ٦ فیلم برداری ۷- دکوراسیون که البته در فیلمهای رنگی قسمت رنك و در فیلمهای موزیکال قسمت رقص و آواز نیز بسایر قسمت های فیلم اضافه میشود البته هر فیلمی از جهتی مورد توجه است، فیلمهائی وجود دارند که از بعضی لحاظ مثلا از لحاظ بازی و موزیك قوی و از بعضی لحاظ مثلا موضوع ضعیف میباشند چون محصولات سینمائی دارای اقسام مختلف موزیکال، کمدی، درام، جنائی و . . . میباشند بدینجهت برای اینکه بین آنها بتوان تعیین ارزش نسبی کرد اشکال فراوانی بوجود می آید دو گونه تقسیم بندی در محصولات سینمائی وجود دارد که تقسیم بندی اول قرار زیر است:

۱ - فیلمهای بزرك آرتیستیك که ساخته و پرداخته بازی و دکور و سایر ابتکارات فنی سینما است

۲ - فیلمهای دکو مانته (مستند) که بطور حقیقی از زندگی روزمره مردم و جنبش طبیعت و سایر وقایع زندگی فیلمبرداری میشود

۳ - فیلمهای علمی و صنعتی که جهت محصلین برداشته شده و نمایشی از آزمایشات طبی و عملیات صنعتی و کشاورزی است که تنها از لحاظ تعلیمات بصری میتوانند مورد استفاده قرار گیرد.

٤ - فیلم‌های مولتی پلکاسیون (میکی ماوس) که عبارت از نقاشی های متحرك یعنی فیلم برداری از روی صفحه های متعدد نقاشی است که دارای موضوع نیز میباشد و بعلت لطفی که از لحاظ جنبه نقاشی دارد بیشتر برای کودکان و نوجوانان ساخته شده ولی در عین حال جنبه هنری و آموزنده آن خیلی زیاد است .

٥ — فیلم‌های خبری که بطور حقیقی از مراسم مختلف و جریانات سیاسی و اجتماعی که در کشور های مختلف جهان اجرا میگردد فیلم برداری شده و از لحاظ اینکه مردم جهان وجریاناتی را که در سایر جهان اتفاق می افتد ببینند نیز مورد استفاده قرار می گیرد برای نمونه باید اخبار موبتن را نام برد .

٦ — فیلم‌های عروسکی که چندان رواج ندارد عبارت از نمایش خیمه شب بازی است که این فن البته در کشور های شوروی، چکواسلواکی و مجارستان بیشتر توسعه یافته وحتی فیلم‌های بزرك و موضوع داری نیز ساخته شده است

تقسیم بندی دوم درواقع تقسیم هنری فیلم‌های دسته اول میباشد بدین معنی که فیلم های دسته اول دارای انواع مختلفی قرار ذیل هستند :



بینوایان یکی از آثار فراموش نشدنی تاریخ سینما

۱ - فیلم‌های موزیکال ۲ - فیلم‌های دراماتیک عشقی ۳ - درامهای جنائی و پلیسی ۴ - درام و تراژدی های کلاسیک ۵ - فیلمهای تاریخی ۶ - فیلمهای موزیکال ۷ - فیلمهای کمدی هنری ۸ - فیلمهای موزیکال کلاسیک ۹ - فیلمهای بیوگرافیک ۱۰ - فیلم های جنگی ۱۱ - فیلمهای وسترن پاک و بوی ۱۲ - فیلمهای قهرمانی ۱۳ - درامهای اخلاقی.

بنابر این باید راه‌حلی پیدا کرد که برای این فیلمها تعیین ارزش نمود ولی از لحاظ اساسی در فیلم‌های دسته اول یعنی فیلم‌های آرتیستیک موضوع و سپس ایده بیش از هر قسمت فیلم مورد توجه و حائز اهمیت است در فیلمهای مولنی پلیکاسیون سبک نقاشی و همچنین موضوع و در فیلمهای سایر دسته‌ها تکنیک و فیلم برداری بیش از هر چیز مورد توجه میباشد واما برای تعیین امتیاز فیلم هاروشی که در طی چهار سال انجام گرفته است بدین شکل بوده که بهریک از قسمت های فیلم به نسبت بیست نمره داده شده و سپس معدل این نمرات امتیاز آن فیلم قرار گرفته است در آمار زیر بترتیب بهترین فیلم و هنرپیشگان زمستان ۱۳۲۹ سپس بهترین فیلمها و هنرپیشگان سال ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ باذکر امتیاز سینماهای نمایش‌دهنده آن فیلم و همچنین بهترین فیلم های فارسی سال ۱۳۳۲ معرفی شده‌اند که البته این فیلمهای از میان فیلمهای اولین مرتبه پارشو انتخاب می‌شوند و فیلمهای تکراری در این طبقه بندی سه ماهه و سالیانه منظور نشده است بدین معنی که مثلا برای تعیین بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۳۱ فیلمهائی که در آن فصل برای دومین یا سومین مرتبه روی پرده بدمانده منظور نخواهد شد تنها در اولین آمار سینمائی یعنی آمار بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۲۹ فیلمهای تکراری نیز منظور شده.

بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۲۹

۱ـ «جانی بلیندا» ـ محصول ۱۹٤۸ کمپانی برادران وارنر امریکا
(نمایش دهنده سینما هما)



«جانی بلیندا» بهترین فیلم سال ۲۹

۲ـ «مروارید بدقدم» ـ محصول ۱۹٤۸ کمپانی آر.ك. او امریکا
(نمایش دهنده سینما متروپل)

۳ـ « رومئو و ژولیت » ـ محصول ۱۹۳۸ کمپانی مترو امریکا
(نمایش دهنده سینما البرز)

۴ـ «لغزش» ـ محصول ۱۹۴۸ امریکا (نمایش دهند سینما هما)

۵ ـ « آهنك سیبری» ـ محصول ۱۹۴۸ کارخانه مسفیلم شوروی (نمایش دهنده سینما تهران)

۶ـ « خاطرات گذشته » محصول ۱۹۴۷ کمپانی وارنر امریکا (نمایش دهنده سینما کریستال)

۷ـ «کارنگی هال» ـ محصول ۱۹۴۷ کمپانی یونایتد آرتیست آمریکا (نمایش دهنده سینما دیانا)

بهترین ستارگان زن

۱ـ «جین وایمن» برای بازی درفیلم جانی بلیندا

۲ـ «نرماشرر» » » » رومئووژولیت

۳ـ «سالی فورست» » » » لغزش

۴ـ «کاودت کابر» » » » خاطرات گذشته

۵ـ «ماریا النامارکس» » » مروارید بدقدم

۶ـ «جون آلیسون» » » سه تفنگدار

۷ـ «ریتاهیورث» » » » مهرویان

بهترین هنرپیشگان مرد

۱- «اورسن ولز» برای بازی درفیلم خاطرات گذشته

۲- «پدرو آرمنداریز» » » » مروارید بدقدم

۳- «دروژ نیکوف» » » » آهنك سیبری

۴- «کیف براسل» » » » لغزش

۵- «روزانو برازی» » » » قاصد امپراطور

۶- «جن کلی» » » » مهرویان

۷- «وان هفلین» » » » سه تفنگدار

جمع امتیازات

سینما هما با ۱۱ امتیاز حائز رتبه اول، سینما متروپل با ۸ امتیاز حائز رتبه دوم، سینما البرز با ۷ امتیاز حائز رتبه سوم امتیازات فیلمها بدین ترتیب معین شده که فیلم اول ده امتیاز فیلم دهم یك امتیازوسایرفیلمها ترتیب ازامتیاز ده تایك که البته در زمستان ۱۳۲۹ بعلت کمبود فیلم بهترین فیلمها وهنرپیشگان تنها تارتبه هفتم معین شدند.

شمه‌ای درباره بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۲۹



جین وایمن ستاره فیلم جانی بلیندا
بهترین ستاره سال ۲۹

درزمستان ۲۹ چند فیلم باارزش بروی پرده آمد که نسبتا استقبال خوبی از آنها شد بطوریکه نمایش فیلم «لغزش» مدت ٤٦ شب و فیلم «جانی بلیندا» تایکماه طول کشید و از فیلم مروارید نیز استقبال بعمل آمد، جنبه های اجتماعی این فیلم بخصوص جنبه اجتماعی فیلم «لغزش» در موفقیت آنها بی‌تاثیر نبود و علاوه درآنموقع هنوز فیلمهای فارسی بروی پرده نیامده وطبقه سینمارو آنزمان درنتیجه توسعه روشن بینی عمومی ازاین فیلمها استقبال مینمودند واما علل ارزش هریك ازبهترین فیلمها ذیلا خلاصه شده است :

۱ - (جانی بلیندا) - یك داستان موثر وساده‌ای است که از وحشت فساد وپوسیدگی زندگی حکایت میکند، دختر کرو لالی که مورد تجاوز انسان حیوان صفتی واقع گردید که اورا قربانی تمایلات شهوانی خود نمود، ودکتر بشردوستی که از ازاین دختر ناکام که طبیعت اورا ناقص بوجود آورده بود حمایت کرد تا مانندیك انسان وسایل خوشبختیش را فراهم آورد.

زمانی که آنمرد حیوان صفت بعداز بقتل رساندن پدر دخترك برای گرفتن پسر نوزادش آمد، مادر ازفرزند خود دفاع کرده و اورا بقتل رسانید بازی هنر پیشه‌های فیلم بخصوص «جین وایمن» در رل بلیندا فوق العاده عالی وقوی و موزیك فیلم نیزموثرترین عامل پرورش داستان وفکرفیلم گردیده بود. بطورکلی یك اثر اخلاقی واجتماعی بشمارمیرفت که ازلحاظ هنربازی و تکنیك وموزیك هم غنی بود «جانی بلیندا» محصول ۱۹٤۸ کمپانی وارنر هنرپیشگان آن جین وایمن، لیو آیرس واستفان ماکنالی وموزیك ازماکس شتینز است.

۲ - (مروارید بدقدم) محصول ۱۹٤۸ کمپانی آر.ك.او رادیو امریکا هنرپیشگان پدرو آرمندارز و ماریا الماركس-یك اثر جاویدان «جان اشتاین بك» نویسنده شهیرامریکائی است که حرص وطمع بشررا برای بدست آوردن پول نشان میدهد، حرص وطمع مادی که عامل اصلی جنایات بشر و اختلاف وستیزه بین انسانها است !!

داستان فیلم زندگی یك خانواده روستائی در مکزیك می‌باشد که بطور اتفاق مرواریدی بچنك میآورند و وجود این مروارید جریانات و وقایع تلخی را

ایجاد میکند که نموداری از پستی و فجایع بشر است تا اینکه در آخر فیلم زن و شوهر که پسر کوچک خودرا نیز در این حادثه از دست داده‌اند مرواریدرا به‌دور می‌افکنند و بزندگی ساده و آرام خود بازمیگردند داستان فیلم بخوبی پرورش داده شده بازی هنرپیشگان وصحنه‌های فیلم نیز عالی است



صحنه‌ای از فیلم بزرگ «ژاندارک»

۳ـ (رومئو و ژولیت) ـ محصول سال ۱۹۳۸ باشتراک نرماشرر ولسلی هوارد (هنرپیشه فقید) ـ این داستان از آثار تراژدی ویلیام شکسپیر داستانسرای مشهور انگلیسی است که بسبک کلاسیک ساخته شده و تجلی یك عشق ایده‌آلی وزیبا وبدون آلایشی است که موانع وقیودات زندگی ازجمله دشمنی دو خانواده مانع وصل و سعادت آن میشود زیرا دختراز خانواده کاپولت وپسر از خانواده مونتاگو است واین دوخانواده باهم دشمنی دارند .

سرانجام هم رومئوو‌ژولیت انتحار کرده و در آغوش هم جان میسپارند . فیلم بطرز شیرینی تهیه شده ونرماشرر ولسلی‌هوارد بهترین پرسوناژهائی بودند که برای ایفای رل قهرمانان کتاب انتخاب شدند ، بدین‌جهت این فیلم را می‌توان بعنوان یکی‌ازآثار پرارزش سینمائی معرفی نمود.

۴ـ (لغزش) ـ محصول ۱۹۴۹ که توسط ایداالوپینو ستاره شهیر تهیه گردیده‌وداستان آن نیز توسط خودایداالوپینو نوشته شده‌وآئینه‌ای از فجایع‌واصول غلط‌زندگی اجتماعی‌و‌بدبختی افرادی‌است که درمحیط های پوسیده و فاسد شده‌بسر

میبرند!!موضوع فیلم‌داستان ساده‌ای ازز ندگی است که انحراف یکدختررا توسط یك جوان بوالهوس نشان میدهد آنوقت همین دختر که در اولین عشق خود شکست خورده دچار بدبینی ویاس عجیبی میشود وهنگامیکه دیگری باو اظهار علاقه می کند اصلا باور نمیکند واز همه گریزان است ! یکداستان کاملا اجتماعی و درضمن اخلاقی است که نکاتی ازجریانات بظاهر عادی زندگی را بهمراه دارد ' فیلم از لحاظ کلیه قسمتهای خود متناسب وقوی بوده ولی بیشتر اهمیت وارزش آن بواسطه سوژه و فکر آن است.

۵-(آهنگ سیبری): محصول ۱۹۴۸ مسفیلم شوروی-داستان زندگی وروحیات ومبارزات معنوی یك کیوزتیورجوان است که اززندگی وطبیعت زادگاه خود سیبری برای ساختن آهنگ الهام میگیرد اوزندگی را در میان سرما و کولاك وطن خود ترجیح بمسافرت باروپا وامریکا داده وباشوق وحرارت زیادی بمیان روستائیان هموطن خود می شتابد تا برای آنها و بخاطر آنها آهنگ بسراید و در قطعات و آهنگهای خودزندگی مردم وجنبش طبیعت سردسیر سیبری رامجسم کند،فیلم، مفهومی است که بطور حقیقی از زندگی حکایت کرده و از لحاظ پلان بندی بخوبی تنظیم شده و بعلاوه دارای موزیك موثر وآواز های کلاسیك زیادی می باشد درواقع ازآن نوع فیلمهائی است که در ضمن داشتن جنبه تفریحی از جنبه هنری نیز بر خوردار بوده ودارای فکر مترقی اجتماعی است

۶(خاطرات گذشته) محصول ۱۹۴۷ وارنر امریکا باشتراك اورسن ولز کلودت کلبر - ژرژ برنت - داستانی است که بندرت اتفاق میافتد. شروع جنك بین زن و شوهر جوانی فراق میافتد ، شوهر بجبهه میرود و زن بتصور اینکه اودر جنك کشته شده پس‌از سالها بامرد دیگری ازدواج میکند ولی بزودی آن مرد درلباس دیگری باز میگردد . آن‌وقت ماجرای تازه‌ای پیش میآید ... این فیلم ازلحاظ سبك موضوع بازی هنرپیشگان قوی بوده ومیتوان آن‌را درجز فیلمهای هنری سطح بالا قلمدادکرد .

۷ (کارنگی هال) مربوط بنمایشات وکنسرتهای کارنگی هال بزرك نیویورك میباشد فیلم دارای موضوعی است که البته این موضوع حائز توجه نمیباشد بلکه کنسرتهای آن دیدنی وشنیدنی است. پیا و(آرتوررو بنشتین)ویالون(یاشاهایفتس) آواز (لیلی پونس ورایز ستیون) کنسرتهای (استاکوفسکی- رودزنیسکی -پیاتیگورسك و همچنین آهنگهائیکه از شوپن - شوبرت لیست وچایکوفسکی که در فیلم نواخته می‌شود عواملی است که فیلم را در یك پایه عالی هنری قرار میدهد . فیلم محصول ۱۹۴۷ یونایتد آرتیست و هنرپیشگان آن ویلیام پرنیك ومارشاهونت-می باشند .

سال ۱۳۳۰

بهترین فیلم های سال ۱۳۳۰



«سینگرالا» بهترین فیلم سال ۳۰

۱ـ «سینگوالا» محصول سال ۱۹۵۰ سه کمپانی سوئدی ـ انگلیسی فرانسوی (نمایش دهنده سینما کریستال)

۲ـ «کفشهای قرمز» محصول ۱۹۴۹ کمپانی ج آرتوررانك انگلستان (نمایش دهنده سینماهای ایران و کریستال)

۳ـ «پاندورا» محصول ۱۹۵۱ انگلستان (سینماهای کریستال و ایران)

۴ـ « موسورسکی » محصول ۱۹۵۰ کارخانه فیلم شوروی (سینما تهران)

۵ـ « مسافرت بقطب » محصول ۱۹۴۸ کمپانی آرتور رانك انگلستان (سینما رکس)

۶ـ «سامسون و دلیله» محصول ۱۹۴۸ پارامونت امریکا (سینما های ایران والبرز)

۷ـ «گریه دلقك» محصول ۱۹۵۱ آلمان غربی (سینما کریستال)

۸ـ «بیگناه» محصول ۱۹۴۷ کمپانی پاته فرانسه (سینما کریستال)

ـ ۹ « گنج بر باد رفته » محصول ۱۹۴۸ کمپانی وارنر امریکا (سینما هما)

۱۰ـ «اسیر عشق» محصول ۱۹۴۴ چکوسلواکی (سینما کریستال)

بهترین هنرپیشگان زن سال ۱۳۳۰

۱ـ (انگرید برگمن) برای بازی درفیلم ژاندارك محصول آر.ك.او امریکا

۲ـ (ویو کالیند فورس) برای بازی در فیلم سینگوالا محصول سه کمپانی اروپائی (الیپرت)

۳ـ (ترزا رایت) برای بازی درفیلم بهترین سالهای زندگی ما محصول آر.ك.او آمریکا

۴ـ (ماریاالنامارکس) « « « مروارید بد قدم محصول آر.ك.او امریکا

۵ ـ (ایدالوپینو) برای بازی درفیلم پرستش محصول وارنر امریکا

۶ـ (الیزابت تایلور) « « « مخمل ملی محصول مترو امریکا

۷ـ (الیویادوهاویلاند) » » » پرستش محصول وارنرامریکا

۸ـ (کلوریا وارن) » » » همیشه‌درقلب‌منی‌محصول‌امریکا

۸ـ(مویراشرر) » » » کفشهـای قرمـز محصول ارتوررانگ انگلستان

بهترین هنرپیشگان مرد سال ۱۳۳۰

۱ ــ « هاری بور » برای بازی در فیلم بینوایان محصول کمپانـی پاته فرانسه

۲ ـ (پل‌مونی) برای‌بازی‌درفیلم آهنگ‌فراموش‌نشدنی‌محصول‌کلمبیا

۳ـ(میشل‌سیمون) » » » بیگناه محصول‌پاته‌فرانسه

٤ـ(کریستفرکنت) » » » سینگوالا محصول‌لیبرت

٥ـ(پل‌هوربیژر) » » » گریه‌دلقك محصول آلمان

٦ـ (جمس میسون) » » » پاندورا محصول‌انگلستان

۷ـ(والترهوستون) » » » همیشه‌درقلب‌منی محصول‌وارنرامریکا

۸ـ (ارسن‌ولز) » » » جادوی سیاه‌محصول‌یونایتدآرتیست امریکا

امتیاز سینماها در سال ۱۳۳۰

۱ ــ سینما کریستال بـا ۱۳٦ امتیاز اول و نمایش بهتریـن فیلمهای سال

۲ ــ سینما ایران با ۷٦ امتیاز دوم

۳ ــ سینما رکس با ۲۲ » سوم

شمه‌ای درباره ارزش فیلم های ۱۳۳۰

سینگوالا : محصول ۱۹۵۰ سه کمپانی کشورهای‌سوئد انگلستان‌ـفرانسه‌ـ رژیسور : کریستیان ژاك باشتراك ویوکاایندفورس و کریستفرکنت ـ یك‌اثرعالی

سینما محسوب میشود که سبك سوژه و صحنه های آن بکلی درمیان محصولات سینمائی وجه تمایز داشته است، درواقع میتوان گفت که باکمتر فیلمی تشابه داشته است و داستان کاملا شیرین و جذابی است که روح بیننده را تسخیر می کند، زمان فیلم قرون وسطی و مکان فیلم درسوئد و داستان فیلم عشق و زندگی و ماجراهای یکدختر کولی نیمه وحشی بایك پرنس اشراف جوان میباشد که از زندگی اشرافی خود متنفر و گریزان است یك اثر دراماتیك عشقی پرآنتریك بشمار میرود که بشکل عالی و پرهیجانی تنظیم شده و درعین اینکه از لحاظ تمسخر اصول پوسیده فئودالیزم (ملوك الطوایفی) دارای ارزش اجتماعی است از لحاظ هنری نیز بشکل موثری ترتیب داده شده ودارای نکات فراوان وحائز اهمیتی میباشد داستان فیلم با اسرار وابهام ودر عین حال زیبائی وهم انگیزی توام است صحنه های هیجان انگیز و پرده های موثر و دردناکی از زندگی را ورق میزنند ، بازی هنرپیشگان کلیتا پرسوناژهای داستانرا بشکل زنده ای مجسم نموده و برارزش فیلم افزوده است ، نباید فراموش کرد که آهنگهای کولی وموزیك وهم انگیز متن که تناسب فراوانی با کلیه صحنه ها دارد نیز برلطف وارزش داستان می افزاید . شخصیت سینگوالا دختر وحشی ، عشق وزندگی او نیز یکی از نکات باارزش فیلم است، سینگوالا فیلمی است که کمتر نظرش پیدا می شود یك شعر زیبائی است که کمتر بفراموشی سپرده میشود ، سینگوالا از لحاظ کلیه قسمتهای فیلمی خود یعنی به موضوع ، بازی، دیالوك، موزیك و دکور غنی و پرارزش بشمار میرود ومیتوان با امتیاز درخشانی آنرا یکی از عالیترین آثار سینمائی معرفی نمود .

کفشهای قرمز : محصول رنگی ۱۹۴۹ کمپانی ج . آرتور رانك انگلستان باشتراك مویراشرر — لودمیلاچرینا آنتونی ولبروك - کمتر کارخانه ای درجهان پیدا میشود که بتواند مانند کمپانی آرتور رانك هر محصول سینمائی خود حتی یك محصول موزیکال را بدین شکل عالی و کامل و پر ارزش بسازد وچنین موضوعات موثر وهم انگیز و درعین حال دردناکی را مجسم کند . کفشهای قرمز یك اثر موزیکال کلاسیك میباشد که داستان موثر عشقی شیرینی دارد .

اهمیت و ارزش فیلم بیشتر بواسطه تنظیم داستان آن میباشد، بدینمعنی که داستان عشقی جالبی را باموضوع رقص و باله توام ساخته و بسبك همیشگی فیلمهای انگلیسی آنرا بشکل مبهم ودرعین حال جذابی در آورده اند که جنبه وایده آن بکلی از مرحله عادی زندگی دوراست ولی ضمنا بازبانی کلاسیك شیرینی و تلخی های زندگی واجتماع را مجسم میکند درطی فیلم رقصهای باله فوق العاده جالبی اجرا میگردد، ازجمله یکی خود رقص « کفشهای قرمز » اثر ایبسن است که مویراشرر بالرین جوان و با استعداد انگلیسی آنرا اجرا میکنند و این داستان که بشکل رقص اجرا میگردد سرگذشت دخترك رقاصی است که دلباخته یکجفت کفش قرمز میشود و اما شیطان برای گمراه ساختن این دختر روح خبیث خود را داخل کفش میسازد هنگامیکه دخترك آنرا میپوشد در آغاز امر شروع برقص عجیبی میکند ، ببازارمکاره ها میرود درهمه جا بارقص خود غوغا میکند واما روح شیطان بتدریج دراو نفوذ میکند وآنوقت است که شیاطین دوراورا میگیرند ، دخترك که دارای روح پاکی است ازشیاطین میگریزد به کلیسا پناه میبرد و از کشیش تقاضای نجات و بخشش میکند ولی دیگر دیر شده است و هنگامیکه کفش

را ازپای اودرمیآورند اودیگر مرده‌است . داستان خودفیلم نیزبشکل زیبائی با داستان این‌رقص بهم ارتباط داده‌شده ودرآخر فیلم‌نیز دخترك بخاطر عشق خود را بزیرترن افکنده ودرحالیکه کفشهای قرمز را پوشیده جان‌می‌سپارد.

این فیلم در واقع مظهر سبك سینمای انگلستان بشمار رفته و از آثار عالی فیلمهای کلاسیك محسوب میشودکه ازلحاظ رنك‌آمیزی وتکنیك ورقص نیز پرارزش وعالی است.

۳-(پاندورا) محصول رنگی ۱۹۵۰ کمپانی لیپرت انگلستان باشتراك جمس میسون - آواگاردنر -ماریوکابره-ازافسانه‌معروف‌هلندی‌سرگردان اقتباس شده ودارای جنبه فلسفی فراوانی‌است ، فیلم با این دوبیت شعر حکیم عمر خیام آغاز میشود .

از رفته قلم هیچ دگرگون نشود	وزخوردن غم‌بجزجگرخون نشود
گردرهمه عمرخویش خونابه‌خوری	یکذره زآنچه هست‌افزون نشود

افسانه هلندی سرگردان بافلسفه‌های عمرخیام‌وکانت‌توام‌شده وساخته‌های‌خیالی‌کار گردانان هولیود هم در آن نفوذ کرده معجونی درآمده است‌که‌ازبعضی‌لحاظ پر ارزش و حائز توجه وازبعضی‌جهات‌ضعیف‌وقابل انتقاداست . فکر اینکه دنیا بازیچه موهومات یاتصادفات‌است یاسرنوشت‌زندگی‌افرادراتعیین‌میکندفکری‌غلط‌وموهومی است که مورد قبول بشر مترقی‌که پایبند تئوریهای علمی میباشد نیست ولی‌باید قبول‌کنیم که افرادی یافت میشوند که روحیات خودرا تا ابد حفظ کرده و این روحیات مخصوص‌که با روحیات اشخاص‌عادی تفاوت دارد برای آنها سرنوشت معین و برخی اوقات بی‌پایانی ایجادمیکنند که غیر قابل تغییر است افسانه‌هلندی سرگردان مربوط به‌مردی است که زن بیگناهش را بقتل میرساند وچون باشتباه خود پی میبرد محکوم میشودکه‌تا آخر عمرسرگردان بماند ، هفت‌سال دردریاها بسربرد ودرهرهفت سال چند لحظه یکبار خشکی بیاید آنـوقت این اجبار به زنده‌ماندن‌او رارنج میدهدبطوریکه همواره آرزوی مرك‌رامیکند ولی این‌آرزوی اوزمانی جامه‌عمل بخود می‌پوشاندکه دختری شبیه بهمسر مقتولش را می‌یابد و این‌دختر باوعلاقمند میشود آنوقت ایندو هردوباهم در دریا غرق شده و زندگی ومحنت آنرا ترك میکنند . این افسانه فلسفه‌ای‌اززندگی‌است‌که طرزتفکرمردم قدیم وضمنا نکات جالبی از تفکرات و تعمقات‌انسانی‌رانشان‌میدهد. «پاندورا»را بعلت نکات فلسفی‌آن وبازی جمس میسون وهمچنین تنوع صحنه‌ها وتکنیك‌ورنك رنك‌آمیزی‌بایددرردیف فیلمهای سطح بالا قرارداد.

۴-(موسورسکی): محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم‌شوروی باشتراك باریسف‌وچرکاسف - این فیلم بیوگرافی و زندگی هنری موسورسکی کمپوزیتور عالیمقام روسی است‌که‌درقرن نوزدهم میزیسته ، موسورسکی‌موسیقیدان مبارزی‌بودکه مانند سایر هنرمندان بزرك درشرایط سخت اجتماع‌خودوفشارطبقه حاکمه بخاطر هنرو اجتماع خودتلاش‌می‌نمود موسورسکی خود مالکی‌بودکه ملك وثروت خود را به روستائیان بخشید وبخاطرآزادی ونجات آنها ازقید اسارت‌و بندگی سخت مبارزه‌کرد دراین فیلم زندگی اجتماعی اوبخوبی نشان‌داده‌می‌شود.

عواملی که باعث ایجاد روح مبارزه دراو گردید و بالاخره جریاناتی که باو برای ساختن آهنك الهام بخشیدند !!

فیلم موسورسکی مانندسایر فیلمهای بیوگرافیك شوروی و برخلاف فیلمهای بیوگرافیك هالیوود در اطراف زندگی خصوصی و یا عشق بازیهای این شخصیت تاریخی دور نمیزند بلکه بکار هنری او ، مبارزه اجتماعی و بالاخره ایجاد عوامل پرورش ذوق و نبوغ هنری موسورسکی توجه شده است بدین ترتیب درمیان فیلم های بیوگرافیك برای چنین فیلمی باید امتیاز درخشانی قائل بود بخصوصی که کنسرتها و اپراهای او نیز کم و بیش درطی فیلم نشان داده میشود. بدین مسئله باید توجه زیادی کرد زیرا از لحاظ اصول هنری در فیلمهای بیوگرافیك بایدبه جنبه اجتماعی کار و زندگی شخصیت موردنظر توجه شود بدین ترتیب فیلم موسورسکی با وجود آنکه ازلحاظ تکنیك چندان قوی نیست هم دارای جنبه هنری است و هم جنبه اجتماعی!

۵ - (مسافرت به قطب) محصول رنگی سال ۱۹۴۸ کمپانی ج ۰ ارتورزانك انگلستان باشتراك جان میلس . جمز رابرتسن داستانی است از سیاحت و مسافرت کاشفین قطب جنوب که در آن تلاش و عملیات ماجراجویان باارادهای که مشکلات را پشت سر نهاده و موفقیت عظیمی را درراه کشف نقاط مختلف دنیا بدست آوردند مجسم میشود در این فیلم که ازلحاظ تکنیك بشکل خوب و پرارزشی تهیه شده مسافرت یکعده کاشفین را نشان میدهد با توجه بقسمت های مختلف آن باید قبول کرد که درفیلمبرداری زحمات واشکالات زیادی بوجود آمده است ولی فیلم برداران برکلیه این اشکالات فائق آمده و صحنههای جالبی از مسافرت کاشفین در میان سرما و یخ بندان وهمچنین مناظرهجوم بهمن وحمله خرسهای سفید و گرگها و سایر ماجراهای قطب را نشان دادهاند بطور قطع برای فیلم برداری ورنك آمیزی زیبا وطبیعی فیلم امتیاز درخشانی را میتوان قائل بود وضمنا متوجه شد که سینما در تجسم تلاش بشر در راه ترقی انسانست تاچه حد موثر و پر ارزش است

۶-(سامسون ودلیله) محصول رنگی سال ۱۹۴۸ کمپانی پارامونت امریکا تهیه کننده سیل.ب.دومیل موزیك ژویکتور یانك هنرپیشگان ویکتورمیچر-هدی لامار جرج ساندرس - آنجلالانسبوری- هانری و بلکوکسون این فیلم اقتباس از یکی از افسانه های مشهور تورات است که سرگذشت فانتزی قهرمان افسانهای ملت یهود که سمبول آزادی واستقلال طلبی آن ملت بشمار میرفت در آن شرح داده میشود سامسون یا شمشون قهرمان نیرومندی بود که قدرت فیزیکی عجیبی داشت ، دلیله نیز دختر زیبای فلسطینی بود که فریفته نیروی عجیب وقدرت عظیم سامسون گردید فکر و ایده این افسانه بیان مبارزه ملی و استقلال طلبی ملتی است که درسالهای ماقبل مسیح برای حفظ استقلال و ملیت خود برعلیه جهالت و زورگوئی مبارزه میکردند. البته در فیلم بیشتر تکنیك ودکوراسیون نشان دادهشده است و این ایده مقدس و عالی آنطور که لازم است پرورش نیافته بعلاوه پرسوناژ هانیزشبیه شخصیتهای تاریخی مانند سامسون نیستند قطعا جوان ریش و سبیل تراشیده ای که بیشتر به

قهرمانان زیبائی اندام امریکا شبیه است بهیچ وجه سامسون افسانه تورات میتواند باشد ولی ازلحاظ تکنیک ، فیلمبرداری پلان بندی وتروك (حقه) فیلم بینهایت عالی تنظیم شده ودر واقع میتوان گفت یکی از پر خرج ترین و بزرگترین آثار صنعت سینماتوگرافی است که حقهها وماکت های آن کمتر نظیرداشته است و از آن فیلمهائی است که در میان اکثریت طبقات مردم جهان بااستقبال و علاقمندی روبرو میشود موزیك فیلم هم برلطف وارزش صحنهها وجریانات فیلم افزوده است

۷- (گریه دلقك): محصول سال ۱۹۵۱ آلمان باشتراك هل هوربیژر این فیلم داستان مشهور لاخه بایاتزو یا گریه دلقك میباشد لاخه بایاتزو سرگذشت دلقك ناکام وتیره روزی بود که بمقتضای شغل خود لازم بود همه رابخنداند ولی خیانت و بی وفائی همسرش ویرا بی اندازه رنج میداد وچون او همسرش را بی اندازه دوست داشت قادر نبود ویرا از نزد خود براند و آنوقت هنگامیکه او روی صحنه میآمد درلحظاتی که لازم بود مردم رابخنداند متاثر میشد وگریه و خنده او توام میگردید و آنوقت بود که تماشاچیان از خنده روده بر میشدند !!

این سرگذشت را در طی این فیلم به شکل موثروجالبی درآوردهاند بخصوص که بازی هنرپیشگان نیز تا اندازهای دربالابردن ارزش فیلم موثر بوده است

۸ (بیگناه) : محصول ۱۹۴۷ کمپانی پاته فرانسه باشتراك میشل سیمون یك داستان موثرجنائی است که درآن مرد سبع و دیوانهای جنایتی مرتکب میشود وقوع اینجنایت ویرا ناگزیر میسازد که برای جلوگیری ازکشف حقایق جنایت دیگری بکند بدین ترتیب پنج نفر کشته میشوند گرچه فیلم جنبه اجتماعی ویاآموزندهای ندارد لیکن یك سوژه پیچیده جنائی است که دارای جنبه روانی نیز بوده و بشکل خوبی تنظیم شدهاست بخصوص که میشل سیمون هنرپیشه فرانسوی نقش یك جانی قسیالقلب را بخوبی ایفا میکند .

۹ (گنج بر باد رفته) :محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی برادران وارنرامریکا موزیك ازماکس ستیز باشتراك همفری بوگارت ووالترهوستن . حرص طمع بشر است که باعث جنایت و فجایع بیشماری میگردد همین حرص طلاو پول باشکال مختلف برروح انسان مستولی شده وشخص را بطرف پستی وجنایت سوق میدهد خود آنها جنایاتی مرتکب میشوند وسپس خود نیز قربانی وفدای اعمالشان میگردند اگر بتاریخ زندگی خودمان از بدو تشکیل اجتماعات تاکنون نظر بیافکنیم بخوبی بمیزان جنایات خودمان واقف خواهیم شد... جنایاتی که باشکال مختلف بزرك وکوچك وجود داشته و دارد وتنها عامل آن حرص وطمع عادی عده معدودی از افراد بشر است که در نتیجه شرایط غلط اصول زندگی بدرجاتی پستتر ازانسان سقوط کردهاند.

داستان اینفیلم نیز سرگذشت سه نفر کارگری است که کار وزندگی خود را رهاکرده و برای بدست آوردن طلا بکوههای سیرامادرمیروند ودر راه بدست آوردن طلا ازهیچگونه عملی خودداری نمیکنند و هنگامیکه مقداری طلا بچنك میاورند نسبت بیکدیگر سوظن و بدبینی پیدا میکنند آنوقت درصدد قتل یکدیگر برمیآیند در جریان وقایعی که اتفاق میافتد چون کیسههائیراکه مملو از طلاکرده بودند پاره میشود باد کلیه طلاها را میبرد آنوقت است که یکی از سه نفر بدیگری میگوید : (باد آورده را باد میبرد) . هنرپیشههای فیلم بخصوص بوگارت وهوستن رل

های خودرا بشکلی عالی و متناسب ایفا میکنند وشخصیت کارگران حریص را نشان میدهند موزیك فیلم نیز فوق‌العاده مناسب و موثر تنظیم‌شده.

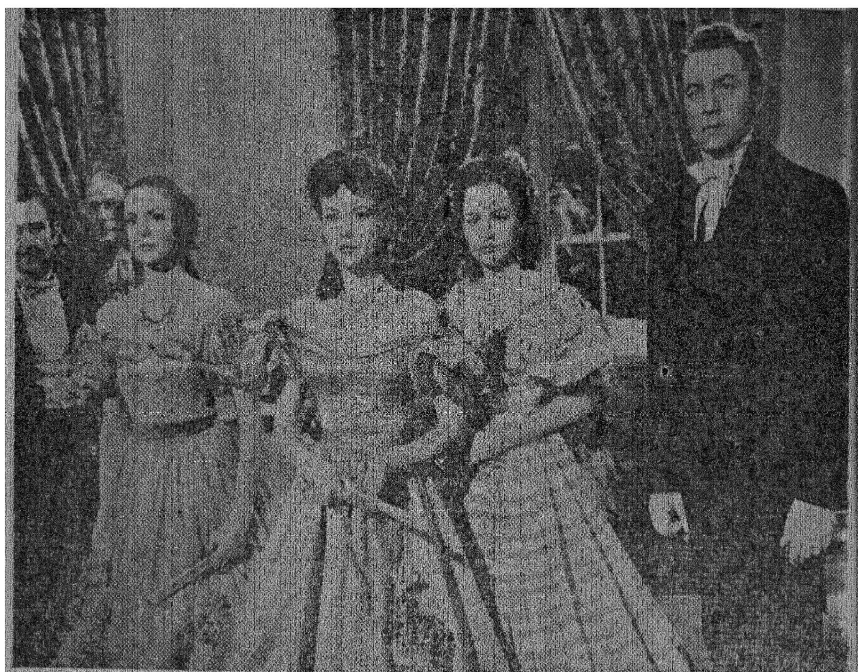
۵۱ـ(اسیرعشق) : محصول ۱۹۴۴ چکواسلواکی ناطق بزبان آلمانی باشتراك: ویل آدینا ، هانس‌ویتور یك داستان موثر عشقی واخلاقی است که‌ضمنا دارای فکر اجتماعی نیزمیباشد داستان‌مربوط بسرگذشت‌دختری‌است که تنها‌زندگی میکند او نسبت بافسرجوانی بنام‌وارگا علاقمند میشود ولی‌وارگا احساسات او را درك نمیکند و مارتا دخترك زیبا درنتیجه‌فقر واستیصال‌مادی درمنجلاب فسادسقوط میکند سالها میگذرد ولی او اولین‌عشق خود ووارگای محبوبش‌را فراموش نمیکند وباوجود اینکه یك‌زن‌هرجائی‌شده احساسات ومعنویات خودراحفظ میکند تااینکه سرانجام‌روزی وارگای خودراباز میابد وهنگامیکه‌عشقش‌را باوبازمیگوید وطلب نجات‌میکند جوان دانشجوئی‌که نسبت باوعلاقمندشده بود درنتیجه شدت حسادت وی‌راهدف گلوله قرارمیدهدومارپادرآغوش‌وارگا جان‌میسپارد و تازه‌وارگا میفهمد که مار تاچه‌حداورادوست‌میداشت باکمی‌ریزه‌کاری این‌داستان‌اخلاقی و پرمفهوم‌را چنان‌شیرین و جذاب‌ساخته‌اند که‌روح‌واحساسات بیننده‌را تسخیرمیکندوقطعا فیلمی که بتواند‌در بیننده اثرات‌مطلوب‌و فراموش نشدنی بجاگذاردودرضمن ازجنبه‌اخلاقی و اجتماعی نیزبی‌بهره‌نباشد پرارزش‌بشمارمی‌رود.

نگاهی به بهترین فیلمهای سال ۳۰

نگاهی به لیست بهترین فیلمهای سال ۳۰ بیفکنیم ... دراین لیست چیزی که بیشتر



صحنه‌ای ازفیلم همیشه درقلب منی (گلوریاوارن و والترهوستن)



صحنه‌ای ازفیلم «پرستش» یاخواهران برونته (ایداالوپینو واولیویادوهاویلانه)

نظر را جلب خواهد گرفت. برتری و ترتیب محصولات انگلیسی است بدین ترتیب که از پنج فیلم اول سال دو فیلم محصول کمپانی آرتوررانك انگلستان میباشند و این برتری و وجه تمایز فیلم های انگلیسی ترقی هنر سینما را در انگلستان نشان میدهد کمتر فیلمی از محصولات کمپانی آرتوررانك وجود داشته که جنبه هنری فوق‌العاده نداشته باشد فیلمهای کاروان - حسادت - کفشهای قرمز - ارث شوم نمونه‌ای از آثار سینمائی آرتوررانك محسوب میشوند که هریك شاهکارهای فراموش نشدنی و پر ارزشی شناخته شده‌اند ، از طرف دیگر فیلمهای لیدی هامیلتون - آنا کارنینا و عوسیلاس نیز ازآثار دراماتیك آرتوررانك بودند که بدون شك مانند یك اثر درام کامل وعالی بشمار میرفتند . فیلم بزرك و بی نظیر دزد بغداد محصول لندنفیلم در سال ۱۹۴۰ ودرام فراموش نشدنی « ربکا » که بدریافت جایزه اسکار نائل آمد دلایل دیگری برمیزان ارزش فیلمهای انگلیسی است، کارگردانان سینمای انگلستان درتهیه و تنظیم محصولات خود ازلحاظ موضوع وفکروایده‌های اخلاقی نکته بینی وریزه کاریهای جالبی بکار میبرند، موضوعات فیلمهای انگلیسی کمتر بهم تشابه داشته بشکل جالب موثر وجذابی تنظیم میشوند، سبك فیلمبرداری نیزدر پرورش و تجسم این موضوعات بشکلی شیرین‌تر کمك میکند بدینجهت آثار سینمائی کمپانی آرتوررانك درردیف محصولات عالی و پر ارزش قرار میگیرند ولی متاسفانه مقداری از بهترین فیلمهای این کمپانی بایران نیامده‌اند ازجمله باید فیلم « رویای هونمان » را نام برد که در

دنباله فیلم کفشهای قرمز باشرکت مویراشررواودمیلاچرینا تهیه‌شد و بعنوان یك شاهکار موزیکال کلاسیك معرفی گردید. درآمارسال ۰ ۳ ازمیان فیلمهای شوروی به فیلم «موسورسکی» برخورده میکنم شورویها گرچه از لحاظ تکنیك وسبك فیلمبرداری نسبت بامریکا و انگلیس فوق‌العاده ضعیف هستند ولی محصولات کارخانجاتشان بر خلاف کمپانیهای هالیود بر اساس و جنبه هنری و اجتماعی قـرار دارد ، کلیه موضوعات فیلمهایشان دارای ایده و نتیجه و جنبه های موثر و مترقی آموزنده است وگرچه آکترهای شوروی چندان قوی بازی نمیکنند و بازی آنها بیشتر شبیه ببازی آکتورهای تآتر است لیکن هدف سینمای آنها بیشتر متوجه تجسم و نمایش جنبشهای مردم و تلاش روز افزون بشر برای نیل بسعادت و آرامش و بالاخره وجود هم بستگی و یگانگی میان کلیه افرادبشر است.



جورج وهدی لامار درصحنه‌ای ازفیلم سامسون ودلیله

در میان فیلمهای شوروی که ازسال ۱۹۴۹ وارد مرحله جدیدی گردیدبیشتر بآثار بیوگرافیك و همچنین موضوعات اجتماعی برخورد میکنیم نمونه آنها فیلم «موسورسکی» بود که مانند یك فیلم بیوگرافیك بتمام‌معنی عالی وکامل بشمارمیرفت. و اما ترتیب فیلمهای سال ۳۰ بما نشان میدهد که آثار دراماتیك و اجتماعی به مراتب بآثار صنعتی سینمامانند سامسون ودلیله که تنها دارای تکنیك ودکوراسیون میباشند ترجیح داشته و ارزش فیلمهائی که دارای موضوع قوی و ایده‌عالی میباشند بمراتب ازفیلمهائی که دارای تکنیك قوی‌هستند بیشتر است.

بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۱

۱- «یتیم» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی آرتوررانك انگلستان (نمایش دهنده سینما رکس)

۲- «وارثه» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی پارامونت امریکا (سینما کریستال)

۳- «ساقه سبز» محصول سال ۱۹۴۳ کمپانی برادران وارنر امریکا (سینما کریستال)

۴- «تاراس شفچنکو» محصول سال ۱۹۵۱ کارخانه مسفیلم شوروی (سینما کریستال) رنگی

۵- «صخره مرگ» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (سینما رکس)

۶- «پیروزی درخشان» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا (سینما دیانا و پارك)

۷- «نامه یك زن ناشناس» محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا (سینما مایاك)

۸- «تعیین سرنوشت بامانیست» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی کلمبیا امریکا (سینما کریستال)

۹- «ماجراجویان مرزی» محصول سال ۱۹۴۹ آلمان (سینما کریستال)

۱۰- «کنسرت بزرگ» محصول سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم شوروی (سینما کریستال و مایاك) رنگی

بهترین هنرپیشگان زن سال ۱۳۳۱

۱- (اولیویادوهاویلاند) برای بازی درفیلم وارثه محصول کمپانی پارامونت امریکا

۲- (بت داویس) برای بازی در فیلم ساقه سبز محصول کمپانی وارنر امریکا

۳- (جون فونتن) » » » نامه یکزن ناشناس محصول کمپانی یونیورسال امریکا

۴- (ویرجینامایو) » » » صخره مرگ محصول کمپانی وارنر امریکا

۵- (مارگارت سولیوان) » » تعیین سرنوشت بامانیست محصول کلمبیا امریکا

۶- (کی والش) » » » یتیم محصول کمپانی آرتوررانك انگلستان

۷- (انگرید برگمن) » » زندگانی دوزخی محصول کمپانی وارنر امریکا

۸- (والی) » » »پارادین محصول سلزنیك امریکا
۹ (جن لوینك) » »ساقه سبز محصول وارنر امریکا
۱۰-(جون لیسون) » »زنان کوچك محصول کمپانی مترو امریکا

بهترین هنرپیشگان مرد

۱-(جان هوواردداویس) برای بازی در فیلم یتیم محصول آرتوروانك انگلستان
۲-(رابرت نیوتون) » » » » » » » »
۳-(امیل یانینگس) » » »تا آخرین نفس محصول کمپانی توبیس آلمان
۶-(الك گوئینس) » » »یتیم محصول آرتوروانك انگلستان
۷-(اریك فن شترهیم) » » »غروب یك ستاره محصول کلمبیا امریکا
۸-(جون دال) » » »ساقه سبز محصول وارنر امریکا
۹-(جوزف کاتن) » » »زندگانی دوزخی محصول وارنر آمریکا
۱۰-(ارسن ولز) » » »گل سیاه محصول کمپانی فوکس امریکا

امتیاز سینماها

سینما کریستال با ۹۵ امتیاز اول و نمایش دهنده بهترین فیلمها
سینما رکس با ٥٤ امتیاز دوم
سینما ایران با ۱۹ امتیاز سوم



صحنه‌ای از فیلم هدریکال (بخت و اشتباه)



کارمن سویلا و اولی ماریانو درد- فیلم (آندالوزی)

سال ۱۳۳۱ را باید در ده سال اخیر نمایش دهنده درخشانترین فیلمهای سال دانست زیرا در این سال چند تا از بهترین محصولات سینمائی جهان بمعرض نمایش گذارده شده و بعلاوه از لحاظ تعداد نمایش فیلمهای دیدنی و با ارزش نیز برسایر سالها مزیت و برتری دارد. بغیر از ده فیلم اول سال فیلمهای کوی کرانیچنا و آخرین مرحله از محصولات لهستان «آندالوزی» ازمحصولات فرانسه «بخت واشتباه» ازمحصولات انگلستان وبالاخره فیلمهای «گل سیاه» محصول رنگی کمپانی فوکس «روح وجسم» محصول کمپانی مترو «زنان کوچك» محصول رنگی مترو زندگانی دوزخی محصول وارنر «پارادین» محصول کمپانی سلزنیك ازمحصولات امریکا فیلمهائی بودند که کم و بیش دارای ارزش بوده واز لحاظ هنری درسطح بالا قرار داشتند وآنها را میتوان از جمله بهترین فیلمهای دیدنی دانست . علاوه ازلحاظ نمایش فیلمهای با ارزش تکراری نیز سال ۳۱ دارای امتیاز قابل توجهی است. فیلمهای «کفشهای قرمز»-«ژاندارك» «آرشه سحرآمیز» «گمراه» «هاملت» «تصویردوریان گری» ومخمل ملی از فیلمهای عالی و پرارزش تکراری بودند که درطی سال نمایش داده شدند واتفاقا از بعضی فیلمهای تکراری استقبال خوبی بعمل آمد



صحنه‌ای از رقص اسپانیولی کارمن سویلا در فیلم آندالوزی

ازمیان فیلمهای موزیکال با ارزش سال باید «آندالوزی» و «بخت اشتباه» را نام برد آندالوزی یک کمدی موزیکال فرانسوی بود که لوئی ماریانو خواننده مشهور و «کارمن سویلا» رقاصه محبوب اسپانیائی رلهای اول آنرا بعهده داشتند.

بخت واشتباه یا خوشحال و بیخیال یک کمدی شیرین و جالب رنگی بشمار میرفت که چندصحنه رقص فوق‌العاده عالی داشت که «وراالن» آنرا اجرا میکرد و در میان فیلمهای پوچ موزیکال از لحاظ شیرینی موضوع وجریانش زیت زیادی داشت.. اکنون شرح مختصری دوباره میزان ارزش و علت برتری یکایک ده فیلم بزرگ سال:

۱ـ(یتیم) : یا اولیورتویست محصول ۱۹۵۰ کمپانی ج آرتوررانک انگلستان باشتراک جان هوارد دیویس - آلک گینس - رابرت نیوتون - کی والش. طوفان وحشتناک همراه با رگبار شدیدی درنیمه های شب جان دخترک زیبای حامله‌ای راکه ازراه بیابان بطرف پرورشگاه تیمان پیش میرود تهدید میکند، ولی درآخرین لحظه بمقصد رسیده وآنشب او پسری را بدنیا میآورد که حاصل عشقبازی یکشبه او است بدین طریق الیور که نوه یک لرد بانفوذ و متمول است با بعرصه وجود بنهد وداستان «چارلز دیکنس» داستانهای مشهور انگلیسی بدین طرق آغاز میشود.

دیکنز در این اثر حوادث وجنجال یکمحیط فاسد رامجسم میکند، پرسوناژ های این داستان پرابهام و مهیج و اسرارانگیز هریک برای خود تیپهای جالبی هستند که جلب نظر میکنند. در این داستان حوادث عجیبی که برای یک کودک



اولیور تویست در پیشگاه رئیس جیب برها (صحنه از فیلم یتیم) یا بهترین فیلم سال ۴۱

نجیب‌زاده در زاویه‌های جنوب شهر لندن در یکقرن پیش اتفاق می افتد نشان‌داده میشود ، فیلم نه تنها از لحاظ داستان و بازی هنرپیشگان قوی و فوق العاده است بلکه تکنیک و سبک عالی فیلمبرداری و دکوراسیون عجیب فیلم که بطرز ماهرانه و هنرمندانه‌ای تهیه شده بسهم خود پرارزش و دیدنی میباشد . صحنه های فیلم بی شباهت بصوری که تنها در عالم تخیل انسانی وجود دارد نیست ولی در عین حال برداشتن از زندگی و وقایع اجتماعی است که دارای فکر و نتایج عالی اجتماعی و اخلاقی میباشد . از لحاظ بازی آکترها نیز فیلم غنی است زیرا جان هوارد دویس کودک خردسال انگلیسی در رل اولیور – کی والش در رل یکزن تیره روز و خوش قلب ، آلک گینس در رل رئیس بچه های جیب بر و بالاخره رابرت نیوتون در نقش یک دیوانه حریص هریک عالی و درخشان بازی میکنند میباشند !

۴– (وارثه) : محصول ۱۹۵۰ کمپانی پارامونت باشتراک اولیویادو هاویلاند – مونتگمری کلیفت – یک داستان اخلاقی میباشد که از لحاظ جنبه داستانی و قلمی فوق العاده عالی و قوی تنظیم شده . و این داستان زندگی دختری حساس و زشت میباشد که آمال و آرزوهای زیادی دارد لیکن زشتی او سبب گردیده که مردها از او دوری نمایند و کسانی هم که باو نزدیک میشوند فقط چشم طمع بثروت پدرش دوخته اند ! زندگی در تنهائی باو فرصت میدهد که غرق در اندیشه های خود شود . زشتی چهره سعادت دروغین و سطحی را از او باز گرفته در عوض وی را بدرک حقایق تلخ زندگی وامیدارد .

هنگامیکه عشق دروغی بخاطر ثروت پدری بطرفش میآمد او بمقتضای

سادگی درونی خود فریفته آن میشود ولی خیلی زودتر از آنچه بتوان تصور کرد به حقیقت پی میبرد و هنگامیکه عشق دروغی در برامی کوبد و فریاد میزند: دربرا باز کن!

او که با حقارت ودوروئی اطرافیان ومردم آشنائی پیدا کرده پاسخی نمیدهد وحاضر نیست بازیچه دست چنین افرادی شود، فیلم چندان جنبه اجتمائی ندارد دو قسمت باارزش سوژه و بازی قوی آن میباشد. واین دو قسمت با ارزش عاملی است که این فیلم را عالی ساخته ودرطراز اول محصولات بزرگ سینما قرار میدهد.

۴ - ساقه سبز: محصول سال ۱۹۴۳ کمپانی برادران وارنر امریکا به اشتراك بت داویس - جون دال - جین لورینك لورنك یکداستان اخلاقی واجتماعی است یعنی یك مفهوم واقعی وپرمغز از زندگی در بردارد داستان فیلم مربوط بسال ۱۸۹۵ میلادی ومکان آن یکی از قراء انگلستان است قهرمان فیلم زنی است که زندگی خود راوقف سعادت وپیروزی جوانان زادگاه خود میکند او پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه هنگامی که بزادگاه خود مراجعت میکند متوجه میشود که در آن قریه مدرسه ای وجود ندارد وساکنین آن غالبا از نعمت سواد محرومند بالنتیجه تصمیم میگیرد که مدرسه ای دایر کرده وجوانان دهکده رابکسب معلومات دعوت نماید احساسات عمیق او واراده راسخش ویرا در این تصمیم یاری میکند درمیان شاگردان او جوانی بنام مورگان



جون دال وبت داویس درفیلم ساقه سبز

وجود دارد که درسایه استعداد فطری خود بسرعت پیشرفت کرده و باهمراهی و کمك معلم فداکار خود درتبه درخشانی درامتحانات دانشگاه آکسفورد بچنگ می آورد و اما قهرمان فداکار ما که موهای خودرا دراین راه سپیده کرده میگوید : بی نهایت خوشوقتم که فرد روشنفکر و تحصیل کرده‌ای تحویل اجتماع میدهم اکنون وظیفه من نسبت به تو پایان یافته نوبت تو است که پس از تحصیلات عالی بخدمت خلق بپردازی تو باعث افتخار کارگران قریه خود هستی .

بطوری که می بینیم داستان موثری بشمار میرود که دارای فکری عالی است چنین فیلم هائی دارای جنبه آموزنده بوده و مفهوم هنری آنها هنر برای مردم و هنر برای هدایت و راهنمائی افکار بشر است ضمنا باید گفت که هنربازی و موزیك نیز دراین فیلم فوق العاده قوی است .

(۴- تاراس شفچنکو) محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کارخانه فیلم شوروی باشتراك بوندارچوك . زندگی و مبارزات اجتماعی تاراس شفچنکو شاعر مبارز خلق روس است که در راه تجسم دردها و مرارتهای ملت خود در زمان تزار رنجها و مصائب فراوانی تحمل کرد وزندگی وسلامتی خودرا در این راه از دست داد تنها آثار جاویدانی بجا گذارد که نمونه افکار عالی اجتماعی او بشمار میرود . این سراینده اشعار روستائی هنرخودرا نفروخت و برای خاندان اشراف شعر ازدلدادگی و عیاشی نسرود بلکه بمیان روستائیان وطبقه محروم اجتماع رفت واز نزدیك بازندگی آنها آشنا شد و آنوقت بزخم درون خود مرحم نهاد و با اشعار خود مردم را بمبارزه دعوت کرد حکومت وقت اورا تبعید کرد بیست پنج سال از بهترین سالهای زندگی خودرا به خدمت اجباری سربازی گذراند ولی شخصیت واراده خودرا حفظ کرد بطوریکه چرنیشفسکی نویسنده بزرگ روس بعد از بیست و پنجسال تبعید هنگامیکه ازاو پرسیدند شفچنکو در چه حال است؟ جواب داد: **«قیافه اش پیر شده ولی روحش هنوز جوانست»**

این فیلم، بیوگرافی کاملی اززندگی اجتماعی و مبارزات شفچنکو شاعر روستائی است که بهترین وجهی محرومیتهای یك هنرمند مبارزات اجتماعی او و افکار آزاده انقلابی را مجسم میکند موضوع وایده که ارکان اساسی هرفیلم میباشد در این فیلم بحد اعلای خود قوی وعالی تنظیم شده .

۵- (صخره مرك) : محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا رژیسور راءول والش موزیك از دیوید بوتولف و هنرپیشگان آن جوئل ماك کری - و یرجینیامایو و دوروتی مالون میباشند.

این فیلم سرگذشت وس ماك کوئین یکی از راهزنان مشهور امریکائی است که به طرزی شجاعانه جان سپرد ... در زمان قدیم درمغرب زمین (امریکا) راهزنانی یافت میشدند که باوجود اشتغال به شغل راهزنی بیش ازدیگران ازصفات عالی انسانی و شهامت خطری بهره مند بودند ولی فساد محیط آنها را به راه سوئی سوق داده بود . داستانهائی ازاین راهزنان باقی مانده که یکی از این داستانها همین داستان است که نام حقیقی آن « سرزمین کلرادو » میباشد قهرمان اول فیلم راهزنی است که برعلیه پستی مبارزه میکند و سرانجام نیز شجاعانه جان می سپارد

در این فیلم دختری هم وجود دارد که او نیز دلباخته این راهزن بی باك شده و تا آخرین لحظه با او همراهی میکند دختری که در سایه یك عشق واقعی و عالی محبوب ماجراجوی خود را به پول نفروخت و تا دم مرگ شجاعانه از او دفاع کرد ، وضمنا دختر دیگری را می بینم که برای عشق وعلاقه وس راهزن ارزشی قائل نشد وخواست که بخاطر پول او را تسلیم پلیس نموده و از جایزه دستگیرش بهره مندشود این فیلم درمیان فیلمهای وسترن یك اثر بتمام معنی عالی ودیدنی بشمار میرود و ثابت میکرددکه درمیان فیلم های وسترن آثار باارزشی نیز پیدا میشوند که جالب و دیدنی هستند پس از موضوع مو زیك فیلم ازلحاظ تناسب باصحنه هاتکنیك وفیلمبرداری از لحاظ سبك و ریزه کاری فوق العاده عالی تنظیم و تهیه شده اند فیلمی است که چه از لحاظ کیفیت و چرا از لحاظ کمیت با ارزش به شمار میرود:

۶ - (پیروزی درخشان) : محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا رژیسور : مارك روبسون موزیك از فرانك سکینر و هنرپیشگان: آرتور کندی - پگی دوو .



پگی دوو و آرتور کندی درفیلم پیروزی درخشان

سرگذشت شورانگیز سربازجوانی است که درطی جنگ نابینا شد ولی اراده قوی و دوستی معنوی دختری اورا نسبت بآینده وزندگی امیدوار ساخت. قسمت اساسی فیلم ازبازی هنرپیشگان تشکیل یافته است .

شکی نیست که ایفای رل یک نابینا و بیان افکار و احساسات او تاچه حد دشوار است ! لیکن آرتور کندی بخوبی رل نابینارا بازی میکند درچهره یک نابینا حالت بخصوصی وجود دارد که حاکی ازعدم بینائی وادراک بصری او است ، چشمان نابینا حالت ندارد زیرا چیزی نمی بیند که عکس العمل بنماید و البته تجسم این حالات بی اندازه دشوار است ترکیب صحنه های فیلم ازلحاظ داستان وموزیک متن فیلم نیز باارزش وکامل بشمارمیرود بدین جهت باتوجه باین نکات می توان پیروزی درخشان را درزمره یکی ازبهترین فیلمهای سال قرارداد.

۷ـ (نامه یک زن ناشناس) : محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی یونیورسال انترناشنال امریکا نویسنده داستان استفان زوایک ـ باشتراک جون فونتن و لوئی جوردن. داستان فیلم که اثرزوایک نویسنده مشهوراطریشی میباشد تجلی عشق وناکامی دخترحساس وتیره روزی است که در اولین عشق خودباشکست روبرو میشود او در عنفوان جوانی خودرا تسلیم کسی میکند که بحد پرستش دوستش میداردرحالیکه آنکس اورا بازیچه عیاشی آنی و پوچش میگرداند داستان فیلم گذشته چنین واقعه ای را حکایت میکند هنگامیکه استفان نویسنده به منزل شهری خودمراجعت می کند نوکرش نامه ای باومیدهد که وقتی آنرامیگشاید خودرابا نوشته های دختری روبرو میبیند که زمانی بازیچه شهوت اوشده بود وفیلم سالها بعقب برگشته و داستان رابازبان نوشته های آندختر شروع میکند زمانیکه دخترک ساده وحساس سیزده ساله ای بودو استفان نویسنده جوان همسایه آنها شده هرروز ملاقاتش میکرد وجودیکه قلب دخترک بیچاره را فشرد واحساسات درونی اورا بیدار کردتابالاخره دریک شب برفی دخترک که مسحوراولین عشق خودشده بود خودرا تسلیم شهوت مردی ساخت که از شرافت و حقیقت زندگی بوئی نبرده بود،صبح روز بعد استفان قربانی هوس بازی خود راترک کرد و بدنبال زندگی همیشگی خودرفت و آنوقت دخترک جوان با اولین و آخرین عشق خود تنهاماند حاصل آن عشق بازی یکشبه پسری بود که تنها یادگار اولین عشق اوبشمار میرفت ، بامردی که دوست نداشت ازدواج کرد سالها گذشت بازهم آنها همدیگر راملاقات کردند ولی استفان دیگراورانمی شناخت زیرا اوهیچگاه قربانی های شهوت خودرابه خاطر نمی سپرد !! مرگ پسر کوچک تنها یادگار استفان را نیز نابود ساخت آنوقت او در نامه اش می نویسد « بچه من دیروز مرده است. سه روزو سه شب بخاطراین موجود ظریف وکوچک بامرگ دست به گریبان بودم ، ساعتهای متوالی درحالیکه بدن گرم و بیچاره اش درتب میسوخت بربالینش نشستم ، من میدانم که بچه ام مرده ، دیگرتنها توبرایم مانده ای و بس تنهاتوکه بی خبر ازهمه چیز بازندگی من بازی کرده ای توکه هیچگاه مرا نشناخته ای توکه همه چیز من بودی وهمه چیزمن هستی حالا که منهم دارم میمیرم لازم نیست به من جوابی بدهی ، اوه اگر این کاغذ بدست توبرسد بدان که زنی ناکام که زندگی اش تمام شده سرگذشت خودرا برای تو حکایت میکند .» یک اثر عالی قلمی است که به طرز موثری روی پرده سینما آمده موزیک مناسب و بازی متناسب هنرپیشگان پرلطف وارزش آن افزوده است.

۸ـ (تعیین سرنوشت با مانیست): محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی کلمبیا امریکا باشتراک مارگارت سولیوان . وندل کوری ـ ویوکا ایندفورس

داستان ساده‌ایست که از زندگی خانواده‌ای برداشته شده‌است. واقعه‌ای که جنبه هیجان انگیز فیلم را بوجود میآورد بیماری سرطان زن جوانی است که دکتر باو اطلاع میدهد که بیش از شش ماه قادر نخواهد بود زندگی کند و او برای اینکه شوهر و دختر کوچکش را ناراحت نکند بآنها چیزی نمی گوید و با تحمل این گذشت و فداکاری بزرگ سعی میکند که زندگی خود را در مدت شش ماه بخوبی و راحتی بگذراند و هنگامی که میمیرد درسی از فداکاری از خود بجا میگذارد این داستان از لحاظ اجتماع ما کاملا آموزنده و پرمفهوم بشمار میرود چنین داستان و فکری برای دختران و زنان ما لازم است تا کمی از بی فکری‌ها زندگی سطحی گریخته و حتی آنقدر قادر باشند زندگی خود را وقف سعادت دیگران کنند و هنگامی که محکوم به مرگ میشوند وسائلی ایجاد نکنند تا کسانی که بآنها علاقه دارند دچار ناراحتی و شکست گردند صحنه‌ها و جریانات فیلم طوری است که داستان را بخوبی پرورش داده و بازی موثر مارگارت سولیوان نیز مزید بر ارزش فیلم است .

۹ ـ ماجراجویان مرزی : محصول سال ۱۹۵۱ آلمان شرقی باشتراک ویتربورشه ـ اینکه اگر ـ پترموسباخر این فیلم نمودار و نماینده وقایع و جریانات بعد از جنگ در کانون واقعی جنگ یعنی آلمان می باشد .

ماجراجویان مرزی زندگی ۷۰۰۰۰ کودک بیگناه را که شرایط زندگی و وقوع جنگ آنها را به بخت و منحرف ساخته است نشان میدهد . داستان فیلم مکتب گرانبهائی برای ماست که با حقایق آشنا شویم و نتایج جنگ را به بینیم . شاید کمی برای ما غیر قابل تصور باشد؟ شاید تصور کنیم چقدر ساختگی است؟ ولی آخر ما چنان جنگی را متحمل نشده‌ایم زندگی کودکان ما بشکل دیگر رقت انگیز و فلاکت بار است از اینها بگذریم فیلم صحنه های پرشور و جنب و جوش بعد از جنگ را برای تامین حوائج مادی نشان می دهد .

کودکانی که باوجود ممانعت پلیس دست از جان شسته از مرز عبور و مرور می نمایند تا مواد مخدره حمل کنند ، دختر جوانی که فشار محیط برخلاف میل قلبیش وی را وادار بشرکت در عملیات قاچاق می نماید ولی حوادث بعدی ضمیر نا بجای او را بیدار نموده و حس تنفرش را نسبت باین جریانات برمی انگیزد ، جوان محصلی که از فساد و تباهی کودکان متاثر است ولی معتقد است که مولد این جریانات کشیدن تیرهائی بنام مرز و سرحد بین کشورها است اگر مرزها که عامل فسادهستند از بین بروند دیگر چنین جریاناتی بوجود نخواهد آمد!! جوان دیگری که بکلی گمراه گشته و کودکان بیگناه دیگری را نیز اغفال میکند و بالاخره پیرمردی که تجربه ۶۰ ساله و تلخ او را بحقایق بیشتری واقف ساخته و می خواهد با تحمل هرگونه رنج و گرسنگی اطفال خود را از شرکت در این جریان شوم فساد و تباهی برحذر دارد!

تمام این قیافه ها دیدنی است مجموعه این قیافه‌ها و عملیات آنها جریانی را



صحنه‌ای از فیلم (ماجراجویان مرزی)

بوجود میآورد که حاصل آن درس آموزنده‌ای برای بیننده می باشد بشرطی که بیننده بخواهد درك کند و بداند. نکات جالبی درطی فیلم وجود دارد و جملاتی بگوش میرسد که پرمفهوم وعالی است ازجمله دریك صحنه هنگامیکه کودکان مشغول کندن برنز یکی ازقبرها هستند یکی بدیگری میگوید: اینجانام خدارانوشته‌اند آنرا نکن! واما دیگری جواب میدهد: **ای بابا بحال مرده چه فرق میکندکه روی قبرش اسم خدا باشد ، آنرا بکن تا شاید در این دنیا بکار ما بخورد.**

فیلم غرق درجنبش وآنتریك است واین آنتریکها دراطراف هدف اجتماعی فیلم دورمیزند درواقع ازآن نوع فیلمهائی است که دارای هدف اجتماعی بوده و داستان آن نیز برداشتن ازبند جریانات وحوادث بعداز جنك وتجسم نتایج شوم آن می باشد .

۱۰ (کنسرت بزرك) : محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم شوروی .

این فیلم کنسرتها و نمایشات هنری بالشوی تآتر مسکورا نشان میدهد ، البته موضوع آن چندان مورد توجه نیست خلاصه موضوع کوتاه آن دعوت هنرپیشگان تآتر ازهنرپیشگان ساوخوزها و کلخوزها میباشد ودر آخر فیلم گفته میشود که هنرمندان بااستعدادی رادرزمینه های هنری از میان کارگران و زارعین میتوان پیدا نمود .

در طی فیلم قطعات باله « دریاچوقو » موزیك از چایکوفسکی — اپرای «ایوان‌سوسانین» موزیك ازگلینکا — اپرای‌پرنس ایگور وچندقطعه دیگر اجرا میگرددکه هریك ازلحاظ هنری باارزش‌ودیدنی‌میباشند . فیلم‌کنسرت بزرك را باید یك‌اثر باارزش هنری دانست‌که مجموعه‌ای‌ازنمایشات‌اپرا ، باله‌وکنسرت‌و رقصهای‌گوناگون محلی وملی است .

برای انتخاب بهترین فیلمهای سال ۳۲

عمده بحث ما در این‌کتاب به فیلمهای طراز اول سال ۳۲ اختصاص‌دارد متاسفانه ترقی دلار در سالهای‌گذشته و رواج‌فیلمهای فارسی درسال ۳۱ وبهار ۳۲ سبب شدکه از تعداد فیلمهای خارجی کاسته شود وبخصوص ازموفقیت‌فیلم‌های با ارزش دراماتیك وآثار هنری کاملاکاسته شود بطوریکه‌در تنظیم آمارسال۳۲ تعداد فیلمهای با ارزش اولین مرتبه فوق‌العاده ناچیز بود و حتی درفصلهای‌بهار و پائیز اصلافیلم چندان برجسته و پرارزشی بروی پرده نیامد و اگر در زمستان گذشته چند فیلم نسبتا با ارزش (آنهم البته با اشکال زیاد) بمعرض نمایش نمیگذاردند اصلا امکان‌معرفی ده فیلم اول سال پیدانمیشد . و اما درمیان‌فیلمهای اول سال‌گذشته محصولاتی مانند (ترامواثی بنام هوس) و (نسل بیچاره) پیدا می‌شوند که ازهرلحاظ قابل بحث و تجزیه و تحلیل هستند ،هدف نهائی‌ازاین بحث طویل و عمیق بیان نکات پر اهمیت وجنبه های متمایز اخلاقی . اجتماعی و هنری هرفیلم و ضمنا بیان و تشریح اهمیت وارزش هنری‌سینما میباشد



بت‌دادیس ستاره فیلم (ساقه‌سبز)

پس‌از معرفی بهترین فیلمها و هنرپیشگان دهگانه اول سال راجع‌بهر یك‌ازفیلمهای اول سال بحث‌کامل‌خواهد شد این بحث از قسمتهای زیر تشکیل یافته: ۱- نکات وجنبه‌های فیلم ازلحاظ بیان موضوع‌وایده ونتایج‌فیلم ۲-نکات جنبه‌های‌فیلم ازلحاظ بازی‌وموزیك‌و... ۳- میزان تاثیر فیلم‌در مردم واستقبال مردم‌ازفیلم‌باذکر عکس‌العملهای هرفیلم درافراد مختلف؛ البته درترتیب بهترین فیلمها بیشتر بقسمت‌موضوع‌وایده‌آن توجه شده و درواقع جنبه اجتماعی آن بیش ازجنبه‌هنری آن مورد بحث قرارگرفته است. چون‌مبحث‌اصلی کتاب‌ما به‌فیلمهای

این سال اختصاص دارد بدوا بهترین فیلمهای هرفصل وسپس بهترین فیلمهای سال معرفی میشوند .

بهترین فیلمهای فصل بهار

۱- **مادام بوواری** محصول سال ۱۹۴۹ کمپانی متروگلدوین مایر امریکا (جنیفر جونس - لوئی جوردان - وان هفلین - کریستفر کنت - جمس میسون)

۲- **شراره های حسد** محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (ویوکالیند فورس - دان کلارك - ویر جینیا مایو - گوردون مالکری - ادموند اوبراین

۳- **سرزمین عقابها** محصول ۱۹۵۲ کمپانی ایبرت انگلستان (جاك وارنر - جان ملك کلوم - نادیا گری)

۴- **عمو سیلاس** محصول ۱۹۴۹ کمپانی سلزنیك انگلستان (جن سیمونس - کاتینا پاکسینو)

۵- **تصویر ژنی** محصول ۱۹۴۹ کمپانی سلزنیك امریکا (جنیفر جونس جوزف کاتن - اتل باریمور)

۶- **زندگانی مضاعف** محصول ۱۹۴۷ کمپانی یونیورسال امریکا (رونالد کلمن - ساین حسو - ادموند اوبراین)

۷- **مشعل و کمان** محصول ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (برت لنکستر - ویرجینیا مایو - رابرت دوگلاس) رنگی

۸- **مدرك رسوائی** محصول ۱۹۵۱ کلمبیا امریکا (برودریك کرافورد جان درك - دونارد)

۹- **قهرمانان هارلم** محصول ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا (بیلی والکر - توماس گومز)

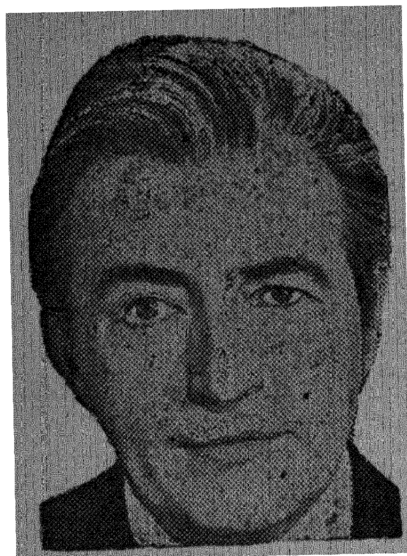
۱۰- **کمپوزیتور گلینکا** محصول سال ۱۹۵۲ کارخانه مسفیلم شوروی رنگی

بهترین فیلمهای فصل پائیز

۱- **«سرچشمه»** محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (گاری کوپر - پاتریشیا نیل - ریموندماسی - رابرت دوگلاس - هنری هول)

۲- **«فاجعه عشق»** محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر امریکا (گریر گارسون - ارل فلین - والتر پیچون - جانت لی - رابرت یانك) رنگی

۳- **«دامن خونین»** محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (جن وایمن - ریچاردتود - مایکل ولدینك - کی والش)



کلودرنس هنرپیشه فیلم (جانی‌مرموز)

۴ـ «جانی مرموز» محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی برادران وارنر امریکا (کلودرنس ـ جون کالفیلد ـ اودری توتر ـ نورمان هایس)

۵ـ «ستگر» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (دان کلارك روت رومن ـ ریموند ماسی ـ رابرت دوکلاس) رنگی

۶ـ «شیطان فراری» محصول ۱۹۵۰ کمپانی لند فیلم انگلستان (دوکلاس فربنکس)

۷ـ «قسمت» محصول سال ۱۹۳۹ کمپانی مترو امریکا (رونالد کلمان ـ مارلن دیتریش) رنگی

۸ـ «ده مرد رشید» محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا (برت لنکستر ـ جودی لاورانس ـ ژیلبرت رولاند) رنگی

۹ـ «خاك میهن» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی مترو امریکا (لسی ـ جانت لی) رنگی

۱۰ـ «زندگی پایدار نیست» محصول سال ۱۹۴۷ کمپانی برادران وارنر امریکا (جان کالفید ـ جرالدین فیتزجرالد)



دان کلارك وروت رومن در فیلم رنگی (ستگر)

بهترین فیلم‌های فصل زمستان

۱ـ «ترامواثی بنام هوس»
محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر امریکا (ویویان لی ـ مارلون براندو ـ کیم هونتر ـ کارل مالدن)

۲ـ «روشنائی های شهر»
محصول ۱۹۳۰ امریکا (چارلی چاپلین)

۳ـ «رودخانه» محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (آدورین کوری ـ رادها ـ پاتریسیا والتر توماس برین) رنگی

۴ـ «پایان یك عمر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی کلمبیا امریکا (فردریك مارچ)

۵ـ «نسل بیچاره» محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (پل هنرید ـ کاترین مك لود ـ آن فرانسیس ـ انی پولور)



ارل فلین و گریر گارسون در فیلم (فاجعه عشق)

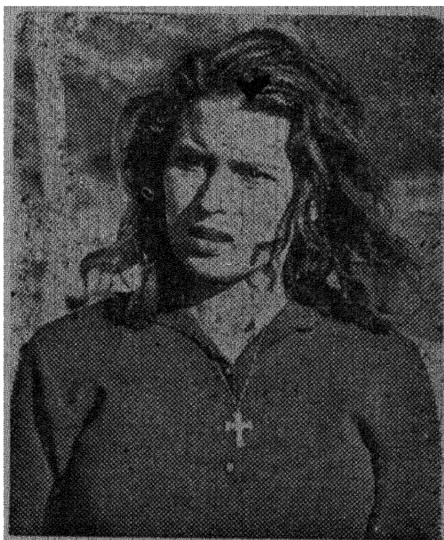
۶ ـ «کارزوی کبیر»
محصول ۱۹۵۱ کمپانی مترو امریکا (ماریولانزا آن بلایت) رنگی

۷ ـ «پرنس و گدا»
محصول ۱۹۳۸ کمپانی برادران وارنر امریکا (ارل فلین ـ برادران موچ تونیس ـ کلود رنس ـ هنری ستیفسون)

۸ـ «پائولو وفرانچسکا»
محصول ۱۹۵۰ لوکس فیلم ایتالیا (اودیل ورسوآ ـ آرماندو فرانسیولی ـ آندریا شی

۹ـ «گرگ مزرعه» محصو ۱۹۵۱ لوکس فیلم ایتالیا (سیلوانا منگانو ـ آمدئو نازاری ـ ویتوریو گاسمان ـ ژاك سرنا ـ لوئیزا روسی)

۱۰ـ «محبوس جزیره نهنگ»
محصول ۱۹۳۷ کمپانی فوکس امریکا (وارنر باکستر)



سیلوانا منگانو ستاره ایتالیائی فیلم (گرگ مزرعه)

۱۶۲۵۰

بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۲

۱.»ترامووائی بنام‌هوس« محصول سال ۱۹۵۱ وارنرامریکا (نمایش دهنده سینما رکس)

۲.«روشنیهای‌شهر» محصول سال ۱۹۳۰ امریکا (نمایش دهنده سینما کریستال)

۳ـ «رودخانه» محصول سال ۱۹۵۱ یونایتد آرتیست امریکا (نمایش دهنده سینما ایران)

۴. «مادام‌بوواری» محصول سال ۱۹۴۹ کمپانی متروامریکا (نمایش دهنده سینما ایران)

۵ـ «پایان یک عمر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی کلمبیا امریکا (نمایش دهنده سینما کریستال)

٦ـ «نسل ایچاره» محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (نمایش‌دهنده سینما کریستال)

۷ـ «کازروی کبیر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی مترو امریکا (نمایش دهنده سینما ایران)

۸ـ «پرنس و گدا» محصول سال ۱۹۳۸ کمپانی وارنرامریکا (نمایش دهنده سینما رکس)

۹ـ «کنسرت‌استادان‌هنر» محصول ۱۹۵۲ کارخانه لن فیلم‌شوروی (نمایش دهنده سینما کریستال)

۱۰ـ «سرچشمه» محصول ۱۹۵۱ کمپانی وارنر امریکا (نمایش دهنده سینما رکس)

امتیازات سینماها درسال ۱۳۳۲

۱ـ سینما رکس با ۸۳ امتیاز اول و نمایش‌دهنده بهترین‌فیلمهای سال
۲ـ سینما ایران با ٦٦ « دوم . ۳ـ سینما کریستال با ٦۱ امتیازسوم

بهترین هنر پیشگان زن سال

۱ـ(ویویان‌لی)	برای‌بازی‌درفیلم	ترامووائی‌بنام‌هوس	محصول‌امریکا
۲ـ(جینفرجونس)	« « «	مادام‌بوواری	« «
۳ـ(جن‌سیمونس)	« « «	عموسیلاس	« «
٤ـ(کیم‌هونتر)	« « «	ترامووائی بنام‌هوس	« «
٥ـ(گریرگارسون)	« « «	فاجعه عشق	« «

٦ـ(پاتریشیانل) » » » سرچشمه » »

٧ـ(آن فرانسیس) » » » نسل بیچاره » »

٨ـ(ویو کالیندفورس) » » » شرارههای حسد » »

٩ـ(سیلوانامنگانو) » » » گرگ مزرعه محصول ایتالیا

١٠(جینفرجونس) » » » تصویرزنی محصول امریکا

بهترین هنرپیشگان مرد سال

١ـ(چارلی چاپلین) برای بازی در فیلم روشنائیهای شهر محصول امریکا

٢ـ(مارلون براندو) » » » ترامواثی بنام هوس » »

٣ـ(برادران موچ تونیس) » » » پرنس گدا » »

٤ـ(کارل مالدن) » » » ترامواثی بنام هوس » »

٥ـ(رونالد کلمان) » » » زندگانی مضاعف » »

٦ـ(برودریك گرافورد) » » » مدرك رسوائی » »

٧ـ(آمدئو نازاری) » » » گرگ مزرعه محصول ایتالیا

٨ـ(وارنر باکستر) » » » محبوس جزیره نهنك محصول امریکا

٩ـ(ماریو لانزا) » » » کاروزوی کبیر » »

١٠ـ(کلود رنس) » » » جانی مرموز » »

ترامواثی بنام هوس

A-STREETCAR NAMED DESIRE

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر رژیسور الیا کازان اثر تنسی ویلیامز باشتراک ویویان لی- مارلون براندو . کیم هونتر کارل مالدن

بافیلم پیش برویم

در داستانی کـه تنها چهار شخصیت و یك دکور که فقط از دو اطاق تشکیل یافته است وجوددارد تمام تلخی‌ها ، دردها و فشار های محیط و بالاخره فساد زندگی و شکستگی روح های بزرك دیـده میشود . دراین فیلم بخوبی می‌بینیم که چقدر زندگی تلخ و پوچ پایه‌گزاری شده .... زندگی که اجدادما بانی آن بوده‌اند رنج وناراحتی هائی که تضاد افکارو روحیات افراد مختلف درشرایط کنونی زندگی بوجود میآورد تمام این رنج و ناراحتی ها را در وجود پر سوناژ اول فیلم می بینیم



تنسی‌ویلیامز نویسنده و الیاکازان رژیسور فیلم (ترامواثی بنام هوس)

این فیلم سرگذشت زنی است که بدبخت شده زنی‌که افکار اجتماعی کنونی که‌زاده متد غلط زندگی است احساسات‌اورا محکوم ودرهم شکسته است بلانش دو بو آ قهرمان محرومی است‌که زندگی اورا محکوم ساخته ، بلانش زنی‌است‌که ازتمام خشونتها ، وحشیگریها ، خودخواهیها وهوسرانی های سطحی زندگی متنفر و منزجر است او به دنبال افرادی میرودکه احساسات وافکار اورا درك کننده‌وبا او مانند یك‌انسان رفتارکرده وبه‌احساساتش جواب متقابل دهند و اماکسی‌نیست که بفهمد اوچه میگوید تمام مردها به او تنها مانند یك بازیچه برای هوسرانی خود نگاه میکنند و اما بلانش چون تسلیم این زندگی نمیشود،دیوانه‌شده و محو

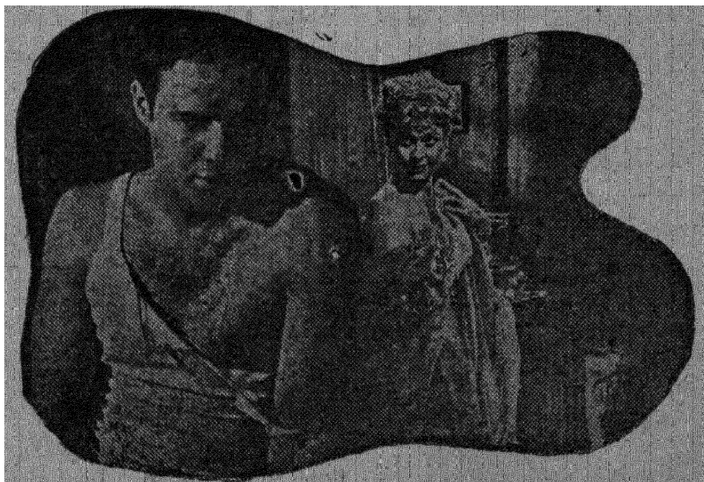
میگردد، سه پرسوناژ دیگر فیلم یکی ستلا خواهر بلانش است که زنی ساده و خوش قلب میباشد که درعین حال نسبت بشوهرش ستانلی عجز جنسی دارد او بخشونت زندگی شوهرش عادت کرده و احساسات ظریف یکزن را ازدست داده است. دیگری ستانلی کارگرخشنی است که زندگی را درکار برای رفع حوائج مادی ، داشتن همسری برای رفع حوائج جنسی وبالاخره قمار ومشروب خوری برای تفریح میداند او موجودی بی عاطفه است که سبك وطرز زندگی اورا درنده ساخته !



صحنه های فیلم (ترامواتی بنام هوس)

شخصیت چهارم فیلم دوست ستانلی یك موجود سبك مغز و متظاهر بی اراده است که خود را تسلیم جریان زندگی نموده و حتی در نتیجه سبك مغزی فوق العاده بدجنسی دوستش ستانلی را هم ندارد !

زندگی این چهار نفر با یکدیگر ماجرای غم انگیزی را ایجاد میکند که در پایان آن بلانش دیوانه میشود و آنهای دیگر بهمان زندگی یکنواخت و پرسرو صدای خود ادامه میدهند ... یکنفرهم فدای پستی وسبك مغزی های آنها میگردد



مارلون براندو و ویویان لی درفیلم (ترامواتی بنام هوس)

بدون آنکه برایشان محسوس باشد درصحنه‌های فیلم ما بخوبی حرکات پرسوناژها را می‌بینیم بلانش که هم خود از همه میگریزد وهم‌همه او را از خود میرانند بـا دنیای درونی خود راز ابراز میکند دریك‌صحنه که‌دچار التهاب‌درونی است‌باپسرك جوان نامه رسان عشق بازی‌میکنددرچندصحنه‌دیگر او بتصوراینکه میچ احساساتش را درك میکند از احساسات وعالم درون خود با او سخن میراند در اینجا قیافه ابلهانه میچ که در مقابل این سخنان مبهوت شده تماشائی است‌واماستانلی‌غرق در زندگی خشن وپوچ خود می‌باشد اوکه ظاهراخود را پایبند قیوداخلاقی‌نشان میدهد باین‌عنوان نسبت به بلانش توهین و حقارت میکند ولی دنیا و افکار مادی او با جهان معنوی بلانش خیلی از هم دور است ستلاکه‌در تمام حرکاتش علامات عجزشهوانی مشهوداست. بین‌خواهرو شوهرش رل سرگردان‌را بازی‌میکند

شاید تنها او هنگامیکه بلانش را به تیمارستان میـبرند چند لحظه متاثر شود ؛ ولی هنگامیکه صدای‌گوش‌خراش ستانلی بلندشده و او را به ادامه‌همان زندگی سابق فرا میخواند این تاثر موقتی هم محو میگردد

درزندگی ستلا وستانلی‌کوچکترین چیزی بنام سعادت‌واقعی یا شیرینی‌دیده نمیشود آنها نسبت هم فقط یك‌شهوت صرف دارندو از احساسات واقعی بهره‌مند نیستند زیرا شرایط زندگی احساسات آنها را غیر طبیعی ساخته‌واجازه‌درك‌مسائل دیگری را نمیدهد.

حساسیت و دیوانگی یکی، خشونت و وحشت دیگری، عجز شهوانی‌یکی و بالاخره سبك مغزی آینگی نموداری ازانسان‌های مختلفی است که‌دراصول کنونی زندگی‌میکنند.

نکات وجنبه های هنری فیلم

اثر تنسی ویلیامز نویسنده معاصر امریکائی را بدون کوچکترین تغییر یـا انحرافی بطرزی موثر روی پرده آورده اند.

اثری که نمایش پیس آن درشهر های اروپا وامریکا باموفقیت‌بی‌نظیری روبرو شددرروی پرده سینما نیز بشکل یك‌شاهکار درخشان‌هنری درآمد. بازی آرتیستیك آکترهای‌فیلم بزرگتری‌عاملی بودکه ارزش فیلم وداستان آنرا بحد اعلای خود رسانید ، ویویان‌لی ستاره مشهورفیلم‌های دراماتیك بهترین‌بازی‌را درنقش‌بلانش‌انجام‌میدهد کسی که‌اسکارلت فیلم بربادرفته راباآنهمه شوروحرارت آناکارنینا قهرمان کتاب تولستوی را با آنهمه حساسیت ، لیدی ها میلتون



«ویویان‌لی» ستاره‌فیلم (ترامواثی‌بنام‌هوس»

محبوبه دریاسالار نلسون را با آنهمه عظمت بازی کرد این بار چنان درقالب رل خود قرار گرفت که شخصیت حقیقی اش را از دست داد و دیوانه شد تا اینکه چندماه قبل در لندن معالجه و بهبودی یافت مارلن براندو هنرپیشه جوان در رل ستانلی کیم هونتر در رل ستلا و بالاخره کارل مالدن در رل میچ نیز فوق العاده طبیعی و قوی بازی میکنند نبوغ ویویان لی و نکته بینی الیا کازان اثر قلمی تنسی ویلیامز را زنده کرده و بروی پرده آورده است باید گفت که دکوراسیون دو تا اطاق وهمچنین موزیك موثر فیلم بطور متناسبی تنظیم شده است .



مارلون براندو در فیلم (تراموائی بنام هوس)

تراموای بنام هوس از طرف بزرگترین آکامی امریکا یعنی آکادمی آوارد بدریافت پنج جایزه اسکار نائل آمد که سه جایزه اسکار آن بسه هنرپیشه فیلم تعلق گرفت ویویان لی بدریافت جایزه اسکار درجه اول و کیم هونتر و کارل مالدن به دریافت جایزه اسکار درجه دوم نائل آمدند و غیر از جایزه اسکار جوائز دیگری از جمله جایزه «پولیتیزر» و (بینال ونیز) نیز نصیب فیلم شده است ، بطور قطع این فیلم صرف نظر از جنبه اجتماعی وروانی خود داستان از لحاظ هنری نیز یك شاهکار پر ارزش سینما محسوب میشود .

میزان تاثیر فیلم درمردم وقضاوتهای مختلف تماشاچیان

برخلاف کشورهای امریکائی واروپائی در تهران ازفیلم (تراموائی بنام هوس) استقبال بعمل نیامد، تنها پوبلیك معینی بدیدن این فیلم شتافتند که البته اکثریت این عده نیز از فیلم ابراز نارضایتی کرده وآنرا خسته کننده و بدون مفهوم نامیدند، در این میان عده‌ای هم نسبت بفیلم ابراز علاقمندی کرده وآنرا دیدنی وبا ارزش خواندند منتهی این اشخاص نیز هریك نتیجه ازفیلم گرفته و هرکدام بشکلی درباره داستان و پرسوناژهای فیلم ابرازعقیده نمودند . اصولا نظریات تماشاچیان این فیلم را میتوان به شرح زیر درجه بندی نمود:

۱ ـ کسانیکه اصلا بدیدن این فیلم نرفتند واگرهم احیانا درچند شب اول عزم نمایش فیلم راکردند درنیمه‌های سئانس سرهایشانرا میان دو دست گرفته

فرار اختیار کرده وازدادن ۱۰ ریال اظهار تاسف نمودند، اکثریت این دسته با طبقه بیسواد بودکه آنقدر معلومات و یا روشنی فکر نداشتندکه درباره مسائل چنین فیلمی تفکر کنند ولی درمیان ایندسته اشخاص منورالفکر نیز پیدا میشدندکه یاحاضر نبودند فکر کنند ویا اصلا قادر بادراك نبودند.

افرادایندسته تماشاچیان کسانی هستندکه بصحنه های مجلل فیلمهای تجارتی و آلتریکهای وزدوخوردهای محصولات تجارتی عادت کرده وبسینما مانند یکوسیله تفریحی صرف که احتیاج بتفکر نداشته باشد مینگرند.

۲- تماشاچیان دیگری که سالن را ترك گفتند ولی نسبت بفیلم بدگوئی نمیکردند وخوشبختانه مطالبه پول بلیط را هم نمی نمودند تنهااظهارعقیده میکردند که فیلم هنری بزرگی است منتهاآنها حوصله دیدن چنین فیلمی را ندارند!

اینهاکسانی بشمار میرفتندکه جریان روزمره زندگی وخستگی مفرطاعصاب و سایر مشکلات مادی زندگی به آنها مجال نمی داد که خود رابرای دیدن چنین فیلمهائی آماده کنند.

۳- افرادی ازروشنفکران نیز درمیان تماشاچیان پیداشدندکه اصلا فیلمرا یك اثر مسخره و منحط خواندند که افکار مردم را بطرف تباهی سوق داده و اذهانرا مشوش میگردانند وحتی درمیان نویسندگان سینمائی ایزیکی سینمارکس رامتهم کردکه خواسته است بانمایش چنین فیلمهائی مغزمردمرا فرسوده سازد! این عده بقول خود ازلحاظ هنری فیلمرامنحط وبی ارزش دانستند.

٤- عده ای از افرادطبقات بالاکه درباره فیلم زیاد شنیده ومیدانستند که فیلم درمحافل هنری با استقبال زیادی روبرو شده وبدریافت جوایز متعددی نائل آمده است در حالی که فیلم را پسند نکرده و چیزی ازآن درك نکرده بودند برای تظاهر تماشای فیلمراتابه آخر تحمل کرده وبعدهم آنرا عالی نامیدند. اینها افراد متظاهری بشمارمیرفتندکه برای حفظ شخصیت خودو برای این که مورد تمسخر ارباب هنر واقع نشوند بدین شکل بر خلاف سلیقه شخصی خود ابراز عقیده می کردند!!

٥ ـ عده معدودی هم از تماشاچیان بالذت تمام فیلم را تماشاکرده وآنرا بارزش خواندند وحتی بعضی ها ازجمله عده ای از دانشجویان و هنرپیشگان چندین مرتبه برای تماشای فیلم آمدندولی نکته جالب در اینجاست که هریك از این اشخاص برای خود از فیلم نتیجه ای گرفتند و هریك درباره داستان و پرسوناژهای آن به طرزی قضاوت نمودند عده ای داستان فیلم را فاقد ارزش و جنبه اجتماعی دانسته و تنها برای بازی هنرپیشگان ارزش قائل شدند این افراد معتقد بودندکه چنین داستانی مفهومی ندارد تنها بازی قوی هنرپیشگان است که از لحاظ جنبه صرف سینمائی برای فیلم ایجاد ارزشی میکنند.

عده دیگر تمام قسمت های فیلم را حائزارزشی دانسته و ازلحاظ جنبه روانی اینطور نتیجه گرفته بودندکه بلانش دوبوآزن خود خواه وخودپسندحسودی بودکه میخواست زندگی شیرین خانوادگی ستلا و ستانلی را برهم زند ولی ستانلی از نیت سوء اوجلوگیری کرد. واکثریت دسته پنجم هم بامعتقدین این فکر بود یعنی میشود

گفت اکثریت قاطعی از فیلم نتیجه فوق را گرفتند و اما افراد معدودی دیگری نیز بودند که در باره فیلم عمیق ترفکر کرده و بالعکس آن دسته عقیده داشتند که بلانش زنی محروم و بدبخت بوده که محیط فاسد و ناجور او را محکوم ساخته بود و ستانلی و ستلا هم جز یك خشونت و وحشیگری چیزی در زندگی خود نداشتند البته همانطورکه گفته شد فیلم بیش از ده شب روی پرده نبود ودر این دهشب هم تنهاعده‌ای علاقمندان آثار در اماتیك به دیدن آن شتافتندولی تفاوت عقاید تماشاچیان اززمین تاآسمان بود !! شب دوم فیلم خودنگارنده شاهدجریانات جالب و تماشائی بودم که در سینمارکس اتفاق افتاد ... از سآنس اول بین علاقمندان فیلم و ناراضی‌ها اختلاف و مشاجره شروع عده‌ای که از فیلم چیزی نمی‌فهمیدند شروع به داد بیداد مسخرگی کردند وعده دیگر که میل داشتنددرسکوت وآرامش فیلم را تماشاکنند با دسته اول به‌نزاع پرداختند .

بطوریکه حتی دونفر بـی سواد از درجه دوم خارج شده و باهم شدیدا بحث داشتند زیرا یکی فیلم را پسندکرده بود و دیگری اصلا وحشت‌زده بودوهر یك آنیکی را نفهم میخواند بطوریکه مدیر داخلی سینما بعداز مدتی دوندگـی اظهار داشت : (امروز دیگر تماشاچی‌ها بین خودشان دعواومشاجره دارند و دخالت ما بیمورد است) نتیجه‌ای بگیریم ... چندان جای تعجب نیست که چنین فیلمی موردپسنداکثریت سینما رو قرار بگیرد زیرا هنوز سطح فرهنك و روشنی بینی عمومی ودرك هنری چندان وسعت نیافته که چنین فیلمهائی مطلوب مردم سینما رو باشد وعلاوه بر این بحران‌های اقتصادی و سیاسی وهمچنین اشکالات مادی زندگی چنان اعصاب را فرسوده ساخته که اجازه‌نمیدهد مردم هنگام‌تماشای فیلم که به منزله تنها تفریح‌آنهاست نیز خود را حاضر بفکروتعمق‌درباره مسائل بغرنج روانی و اجتماعی بنمایند ولی خوشبختانه بایدگفت که اگر این فیلم در پنج یاشش سال قبل نمایش داده میشد مانند حالا حتی تا ده شب هم روی پرده باقی نمیماند !!

ترامموای بنام هوس از آن فیلمهائی بود که تاثیرات مختلفی درتماشاچیان ایرانی کرد و شاید هم عدم تشابه و طرز تفکر وروحیات پرسوناژهای داستان با زندگی ما یکی از عوامل‌عدم درك فیلم گردید.

در حالیکه برعکس در امریکا وبخصوص فرانسه وانگلستان فیلم‌ترامموائی بنام هوس چه‌درمیان طبقه روشن‌فکروچه درمیان توده‌مردم بااستقبال وموفقیت‌رو برو گشت .

روشنائیهای شهر

CITI LIGHT

محصول ۱۹۳۰ ـ کپی شده در سال ۱۹۵۳ ـ رژیسور ، تهیه کننده و آهنگساز : چارلی چاپلین باشتراك چارلی چاپلین

بافیلم پیش برویم

در شهر جشن گرفته‌اند ، ازروی مجسمه صلح و آرامش پرده برداری میکنند بازهم همان تظاهرات وتشریفات معموله اجرا میگردد، عده معدودی برای این که برسر توده مردم سوارشده و بمقاصد شوم خود برسند مراسم بپامیکنند، صاحبان پول وزور از مجسمه آرامش نام میکنند از آن پرده برداری میکنند، اما هنگامی که پرده را برمیدارند درزیر پرده ، روی مجسمه ولگرد فقیری خفته است، ولگردی که اجتماع اورا مقید و محکوم ساخته همان اجتماعی که میخواهد خود بقبولاند که درآرامش وسعادت زندگی میکنند همه این ولگرد بیسروپا را ازخود میرانند، این موجود بیکارتیره روز محکوم بفناشده است، حرکات دردناك او برای همه وحتی تماشاچیان فیلم خنده آوراست درحالی که موجودیت او سمبول بدبختی ومحرومیت است، او دراجتماع جائی ندارد زیرا صاحب پول نیست اما همین موجود ولگرد دارای همه گونه عواطف و احساسات عالی می باشد که در همنوعان او کمتر وجوددارد!! او بادختر نابینائی گل فروش روبرو میشود وحس انسان دوستی وی را وادار بکمك باین دختر میکند .

البته این تصادف وبرخورد جزئی از نمایش کلیاتی است که در زندگی کنونی بشر وجود دارد... این وجود طرد شده شبی با ملیونر مستی رو برو میشود که بعلل اختلاف بازنش میخواهد انتحار کند ، اورا ازمرك نجات داده وبزندگی باز میگرداند . واما آن میلیونر شخصی است که صبحها زندگی عادی خودرا طی میکند واما شبها مست شده وزندگی وکارخود رافراموش میکند او شبها رفیق نجات دهنده خودرا میشناسد واما صبحها اصلا اورا بخاطر نمیآورد ،صبح ها این نجات دهنده انسان دوست برای او موجود ناشناسی بیش نیست و تصور میکند که تفریح وآرزوهای این دوست را به وسیله پول و یا ترتیب مجالس عشرت انگیز عیاشی و تفریحات آنی وسطحی می تواند تامین کند.

در حالیکه این ولگرد محروم از دوست متمول خود تنها بخاطر کمك بدخترك نابینا استفاده میکند. از طرفی دخترك گلفروش از مساعدتهای این دوست متمول ناشناس متحیر است وعلاقه اورا بدل میگیرد. این دوست ناشناس برای کمك بدخترك از هیچگونه کاری روگردان نیست هنگامی هم که دوست میلیونرش بمسافرت میرود می خواهد با اشتغال بکار سپوری و بعد هم شرکت در مسابقه بکس پولی برای معالجه چشم های دختر بدست آورد، لیکن در آنجائیکه رشوه خواری وقیودات مسخره بر کار و زندگی اجتماعی حکومت میکند بآدمی مثل او راه نمیدهند !! سرانجام باهزار زحمت از دوست میلیونرش هزار دلار برای معالجه چشم دختر میگیرد و اما چقدر تلخ و دردناك است ... که پلیس اورا بعنوان دزدی از خانه دوست میلیونرش بزندان میبرد، در غیاب او دخترك با همین هزار دولار چشمهای خودرا معالجه کرده وسپس دکان گلفروشی باز میکند چند ماه میگذرد او از زندان آزاد میگردد.. .ایمه روز است بچه های روزنامه فروش این ولگرد فقیر و البسه پاره وژنده اورا مسخره میکنند او درست مقابل دکان گلفروشی رسیده است، اما دخترك دیگر اورا نمی شناسد زیرا درزمان نابینائی با او طرف بوده ولی هنگامی که میخواهد از روی ترحم و شفقت پولی دردستش قرار دهد در نتیجه تماس دست متوجه میشود که این همان دوست ناشناس مهربان و انسان دوستی است که وی درهنگام نابینائی تصور میکرد با مرد ثروتمندی طرف شده است آنوقت دخترك متوجه میشود که در مقابل چه انسان با گذشت وفداکاری قرار دارد انسانی که در پس آن لباس ژنده دارای قلبی رئوف و احساساتی عالی وعقلی سلیم است... تو هستی؟

بله جواب مثبت است : این او است که بدون تقاضای هیچگونه پاداش یا تمایلات شهوت انگیزی اینهمه نسبت باو خوبی نموده بود !! در این صحنه هائی که شاید برای شما تنها خنده آور باشد چقدر نکته و فکر عالی نهفته است. تمام قیدها و مراسم ساختگی و پوچی که بنام تمدن بر ما حکومت میکند مسخره میشود و اصول پوسیده زندگی و پستی انسانهائیکه بجهت داشتن ثروت وسرمایه بیشتر بر دیگران حکومت وفرمانروائی میکنند نمودار میگردد در اینجا آشکار میشود که تا زمانیکه پول و طلا در جریان بوده و بر زندگی بشر حکومت کند .. بشر در بدبختی و فساد وتضاد ووحشت غوطه ور خواهد بود این فیلم که شاید برای ما ظاهراً یك کمدی بنظر آید یك اثر واقعی از زندگی است که در پس جریانات بظاهر فانتزی خود دردها و مصائب زندگی مادی و تضادهای طبقاتی و تیره روزی افراد انسان دوست و از طرف دیگر زندگی پوچ و سطحی افرادی را که تنها بخاطر شخص خود زیست میکنند نشان میدهد

خنده های تلخ !! سراسر فیلم گذشته از موضوع دارای صحنه های متعدد کمیك خنده آوری است اما این خنده ها خنده های تلخی هستند که رنج و بدبختی بهمراه دارند. خنده های تاثر آوری که یکدنیا درد و تیره بختی در خود دارد خنده هائیکه شدت رنج درون آنرا بوجود می آورد، و آنهائیرا که تنها بشخص خود نمی اندیشند متاثر میسازد. این کمدی نیست که برای تفریح آفریده شده باشد بلکه درام حزن انگیزی است که واقعیات تلخ زندگی را مجسم میکند !!

نکات وجنبه های هنری فیلم

بوجود آورنده این فیلم چارلی چاپلین (چارلز چاپلین) میباشد که زمانی

مظهر کمدی برای‌ما بود. چارلی هنرمند بزرگ خالق چنین موضوعات پر مغز و پر مفهومی است که درآن درد هاو گله های اجتماع تجلی میکند چارلی نابغه بزرگ سینما زاده های فکری خودرا که برای آن آهنك هم می سازد بطرز ماهرانه‌ای بروی پرده سینما می آورد دوجنبه اساسی ومهمی که بکار او اهمیت وارزش می می بخشند یکی ایجادودنبال کردن یك هدف اجتماعی وهمچنین ایجاد همبستگی بین هنر وزندگی دیگری عوام‌فهم بودن آثار اواست زیرا چارلی در لفافه حرکات کمیك وخنده آور وصحنه‌های شیرین ومتنوع مسائل مختلف زندگی را روشن می‌سازد و واقعیات تلخ زننده‌ای رامجسم میکرداند عملیات کمیك وخنده آوراو سبب می‌شود که همه باعلاقه به‌تماشای آثارش بشتابند واین وسیله‌ای میگردد که جمعیت عظیم‌تری از طبقات مختلف ازپس لفافه کمیك فیلم با نکات و مسائل حساس اجتماعی آشنا شوند یك جنبه با ارزش هنری این فیلم همانا صامت بودن آن می باشد زیرادر عوض مکالمه همه‌چیز باحرکت وجنبش و میمیك صورت بیان میگردد نبوغ فکری چارلی چاپلین وابداعات عالی هنری او که درآن تضادهای طبقاتی ، علل جنبشهای اجتماعی و پوسیدگی قیودات کنونی زندگی و همچنین محرومیت انسانهای واقعی دیده میشود عالی ترین آثارهنری سینما رابوجود آورده است بیست وچهار سال پیش ازاین چنین اثر گرانبهائی بروی پرده آمده که ارزش آن چه ازلحاظ اجتماعی وچه ازلحاظ هنری تاابد محفوظ مانده وخواهد ماند تهیه کننده ورژیسوراین فیلم خود چارلی و موزیك آن نیز از خوداو می باشد وباید گفت که حقیقتاً موزیك عالی و دلپذیری مناسب باکلیه صحنه هاتنظیم شده است. خودچارلی در رل ترامپ «ویر جینیاشریل» دررل دختر نابینا و «فلورانس لی» دررل مادر بزرگ آن دختر ظاهر می‌شوند.

میزان تاثیر فیلم درمردم

بیست سال پیش از اینکه فیلم های چارلی را در اینجا نمایش میدادند چندان موفقیتی پیدا نمیکرد وبعلاوه از میان تماشاچیان کمتر کسی پیدا میشدکه به مفهومات و نکات عالی فیلم پی ببرد اکنون که پس ازسالهای متمادی فیلم چارلی به معرض نمایش گذارده شد گذشته از استقبال شایانی که از آن بعمل آمد غالب تماشاچیان بانظر دیگری باین فیلم نگریستند ودیگر تنها مانندیك فیلم کمدی ازآن استقبال نکردند هنگامیکه از تماشاچیان درباره فیلم جویا میشدید گذشته ازتعریف و تمجید ویاذکر مسائل کمیك فیلم راجع به نکات اجتماعی وایده فیلم نیز سخنانی میشنیدید . رشدفکری و توسعه فرهنك و روشن بینی عمومی درجه تمایز قضاوت مردم بیست سال قبل ومردم حالا تاثیر بسزائی داشته است و بدین ترتیب برخلاف نظر بعضی‌ها که می‌خواهند ملت خودرا محکوم کنندمیتوان امیدوار بود و حتی مسلم دانست که سالهای بعدمردم بانظر عمیق تر وفکر گشاده‌تری به هنر سینماوفیلم‌ها خواهند نگریست وبتدریج این رشد و تکامل فکری عاملی خواهدشد که فیلم هاو محصولات مبتذل ازعالم سینماطردشوند.

البته عده بیشماری‌هم بودندکه تنها از لحاظ خندیدن ووقت گذرانی چندبار به دیدن این فیلم شتافته وبه نکات وجنبه‌های اجتماعی آن کمتر توجه کردند ولی همین اشخاص هم خندیدن ازصحنه های فیلم چارلی را بدیدن صحنه های مسخره فیلم‌های بوب هوپ ولورل ماردی ترجیح دادندوقطعاً نمیتوان شك داشت که چاپلین بانبوغ ذاتی خودآثاری بوجود آورده است که ازنظر روانی نیزدرجلب ذوق مردم موثرمیباشد.

رودخانه

Te · RIveR

محصول رنگی سال ۱۹۵۱

کمپانی یونایتد آرتیست امریکا

تهیه کننده :
ملک الدونی -
رژیسور :
ژان رنوآر .
داستان از
رامر گادن
با شتراک :
توماس برن -
رادها -
آدرین کوری
پاتریسیا والتر

بافیلم پیش برویم

کنار رودخانه
گل آلود آنجائی که
جنگل‌های در هم و
بی پایان هند آغاز
می‌شود بومی های
سیاه چرده هندی
زندگی آرام و اسرار
انگیزی دارند آبهای
رودخانه حامی زندگی
وبقاء آنهاست آنچه
که طبیعت به آنها
داده است خصوصیات
زندگی آنها را ایجاد
کرده مانند آنست که
همه چیز خود و حتی
احساسات و آمال

فیلم «رودخانه»

خود را نیز از میان آبهای گل‌آلود و تیره رودخانه گنگ جستجو می‌کنند، جنب جوش آنها برای تامین زندگی خود با آرامش عجیبی توام است عشق و احساسات آنها نیز از آن نوع عواطفی هستند که خیلی طبیعی بوسیله خود طبیعت بوجود آمده و در این احساسات عمیق و ساده هیچگونه تظاهر و تصنعی وجود ندارد حتی اعتقادات مذهبی و معنوی آنها نیز از طبیعتی که در میان آن زندگی میکنند برخاسته است خدای زشتی و بدی خود را درجشن های سالیانه به آب میسپارند زیرا آب رود خانه منبع حیات و امید و شاید هم وسیله نابودی مظهر دشمنان آنهاست.

در این فیلم که دور از هرگونه صحنه‌سازی و نمایش جاروجنجال و هیاهوی متمدنین است زندگی واقعی یک ملتی دیده می‌شود یک ملت کهن‌سال که آداب و اخلاق خود را همانطور حفظ کرده‌است، شاید ظاهرا برای شما دیدن زندگی یک ملت بزرگی جالب توجه نباشد در حالیکه این وظیفه مقدسی است که باید آنرا دنبال کرد و شاید هم دیدن شهرهای متمدنین و جنجال و هیاهو و عیاشی مغرب‌زمینی‌ها که هر روزه‌ها فیلم از آنرا می‌بینند شمارا آنقدر بدعادت کرده باشد که مانند اشخاص هیپنوتیزم شده که با فانتزی های خیالی خود مشغولند که از دیدن یک زندگی حقیقی و ساده دوری می‌کنید در این فیلم عشق و احساسات آتشین سه دختر جوان که هریک دارای نوعی عواطف و امیال می‌باشند نشان‌داده میشود که البته وجود این پرسوناژها نیز سمبول افراد ملتی هستند که زندگی‌شان با موجودیت طبیعت هم‌آهنگ است:

کلیه قسمت های فیلم غرق رنگات بظاهر کوچک ودر باطن شیرین و پرمفهومی است که بیان‌کننده جریانات زندگی مردمی می‌باشد که آداب اخلاق خودرا بشکل زیبائی حفظ کرده‌اند.. یک کودک اجوج اروپائی که میخواهد مانند مارگیر ها مارهای عینکی را مجذوب خود سازد، یک دختر بومی هندی که روزی در نی‌زاد با پسری برخورد کرده و عاشقش میشود و هنگامی که پی میبرد شوهر آینده او همان پسر است بخاطر او میرقصد تا عشق و محبت بی آلایش خود را بوسیله رقص سحرانگیزش بیان کند. یک کاپیتان امریکائی که یک پایش را درجنگ از دست داده بمیان این مردم میآید و چون اولین مردی است که پا در محیط خانواده‌ای مینهد که سه دختر جوان در آن زندگی می کنند هرسه دختر دلباخته او میشوند یکی‌ملانی دختر هندی است که



رادها - پاتریسیا والتر و آدرین کوری درفیلم رودخانه

عشق او نسبت به کاپیتان جون تنها لذت درونی اش بشمار میرود دیگری هاریت خرد سال است که بخاطر عشق خود شعر میگوید و حتی میخواهد خود کشی کند و بالاخره والری زیبا وحساس که غرق احساسات اولین عشق خود بوده و برای جلب نظر کاپیتـان جـون از هیچگونه دلربائی خود داری نمیکند واما این عشقهـا احساسات



صحنه‌ای از فیلم رودخانه

کودکانه اولیه ای هستند که عزت نفس کاپیتان جون اجازه نمیدهد که از آنها استفاده کند. تنها سینما است که می تواند حقیقت زندگی یك ملتی را توام با داستان شیرینی که از زندگی آنها برداشت شده بدین شکل جالب برای ما نشان دهد از انتریکهای محرك اعصاب وصحنه‌های فریبنده تجارتی و یا صورتهای گریم کرده هنرپیشه‌ها درفیلم اثری دیده نمی‌شود همین عدم انتریك بزرگترین عامل موثر برای تجلی زندگی واقعی ملتی است ودرعوض صحنه‌های زننده تجارتی نکاتی که درفیلم دیده می‌شود همبستگی زندگی بومی‌ها بارودخانه جنبش وتلاش طبیعت وحشی که منبع حیات مردم است وسیرجریان رودخانه گل آلودی که با سکوت آرامش از میان مسکن زندگی باهزاران حوادث وخطرات طبیعی و ناگهانی درمناطق حاره زندگی میکنند میگذرد وعشق واحساسات وکارساکنین این کشور رانشان میدهد میباشد.

نکات وجنبه های هنری فیلم

بزرگترین جنبه هنری فیلم همانا تجسم زندگی ملت هند میباشد ، بدینوسیله آشکار میگردد که هنر سینما چگونه قادراست که زندگی وخصوصیات مردم را که شاید درباره آن تنها شنیده وخوانده ولی با چشم خود ندیده بودیم بما نشان دهد .

علاوه براین داستان وجریانات این فیلم برخلاف غالب محصولات کمپانی های تجارتی ازهرگونه صحنه سازی های ساختگی وجریانات فانتزی ومناظر تحریك کننده بدور است . رژیسور هنرمند و باذوق فرانسوی «ژان رنوآر» که شهرت جهانی دارد پس از سه سال زحمت باذوق مخصوص خود توانسته یك اثر پرارزش ازروی داستان نویسنده مشهور «رامر گادن» تهیه نموده و برای حفظ جنبه هنری آن قسمتهای زیادی ازفیلم را از زندگی عادی و حقیقی ساکنین بومی کنار رودخانه وکار و جشن و مراسم آنها فیلمبرداری نماید نکته بینی رژیسور هنرمند فیلم بر

ارزش داستان می افزوده است. وجود پرسوناژهای مختلف که هریک در نوع خود جالب هستند مزید بر ارزش فیلم گردیده. باید اضافه کرد که هنر بازی هنرپیشگان جوان فیلم در خور و تمجید است «رادها» ستاره و رقاصه هندی بخوبی احساسات یکدختر حساس و خوددار را مجسم میکند پس از او شخصیت والری که «آدرین کوری» فارق التحصیل آکادمی آرتیستیک لندن در نقش او ظاهر میشود جالب و باارزش میباشد از بازی پاتر بسیاوالتر در نقش هاریت باوجود زشتی صورت وهمچنین بازی توماس برن باید بخوبی بیاد کرد. رنگ آمیزی طبیعی فیلم نیز فوق العاده عالی است گذشته از این فیلم دارای موزیک مخصوص بخود میباشد و تناسب کلیه آهنگها بخصوص نوای نی مارگیرها باصحنه های فیلم فوق العاده زیاد است در مسئله موزیک متن فیلم بخصوص چنین فیلمی باید دقت بیشتری کرد تا ارزش آن آشکار شود. بنابراین باتوجه باینکه فیلم از کلیه قسمتهای هنری قوی بوده وقتی از لحاظ پلان بندی و تکنیک نیز کامل وقوی است آنرا باید در ردیف یک شاهکار دیدنی هنری قرارداد.

فیلم رودخانه درمقابل تماشاچیان ومیزان تاثیر آن

درست بخاطر میآوردم اولین شبی که این فیلم بمعرض نمایش گذارده شد چه جنجال نفرت انگیزی بپاکردید.

سینما ایران که باوجود زیادی فیلم قادر نیست برنامه های خود را آنطور که باید وشاید تنظیم کند برای چنین اثر دراماتیکی چند مجسمه باشکوه ساخت و بفیلم جنبه تجارتی داد و در نتیجه شبی که فیلم بمعرض نمایش گذارد چون مدتها بود سینماها برنامه های خود را عوض نکرده بودند در نتیجه اکثریت بزرگی که از فیلم و سینما سر در نمیآورند اجبارا و کورکورانه بتصور اینکه در فیلم جنگ حیوانات و عملیات محیر العقول قهرمانی خواهند دید به تماشای آن شتافته و چون مطلوبات خود را در فیلم ندیدند و آنقدر آمادگی ذهنی نداشتند که بنکات هنری وجنبه اجتماعی فیلم پی ببرند بنای تظاهر را گذاشتند تماشاچیانی که بخاطر دوساعت وقت گذرانی و بعبارت دیگر وقت کشی و دیدن صحنه ها و مناظر تحریک کننده و زدو خوردهای وحشیانه وصورتهای گریم کرده و بظاهر زیبای هنرپیشگان و اندام لخت آنها بسینما میروند قادر به تماشای یک درام حقیقی دور از هرصحنه خیالی و آنتریکهای محرک اعصاب نمیباشند. آنشب در نیمه سانس دوم این افراد که دیدن هندیهای پابرهنه و بازی هنرپیشگانیکه باتمام سادگی خود در فیلم ظاهر میشوند برای آنها ناگوار آمد دست بتظاهرات زننده ای زدند و هیاهوی عجیبی راه انداختند سینما ایران هم که آنقدر شهامت جلوگیری از تظاهرات این قبیل اشخاص را نداشت بفوریت فیلم را عوض کرد و فیلمی تکراری از بوداپست و ارکوستلر بمعرض نمایش گذارد و مردمیکه تقاضای فیلم جالب میکردند با رضایت اینکه دیدن مسخره پوچ تجارتی را که کوچکترین مفهوم سینمائی نداشت باللذت تا بآخر تماشا کردند آنهائیکه برای رقص لخت زننده عربی وصحنه های زننده رقصهای لخت فیلمهای تجارتی مجذوب و بی اختیار میشوند هنگامیکه رقص ملی هنری را دختر سیاه چهره بومی آغاز شد بافریادهای گوش خراش خود سالون را بر سر شان گذاشتند درحالیکه همین اشخاص که متاسفانه اکثریت راهم تشکیل میدهند هنگام

تماشای رقص‌زننده فیلم بی پناه با عربده های شعف انگیز خود منتهای لذتشان را نشان دادند.

آن کسانی که بقول خود این فیلم را منحط و بی ارزش دانسته و تقاضای فیلم اخلاقی می کردند بالذت تمام یکی از کوچکترین و پوچترین کمدی‌ها لوکاستلو را تماشا کردند وفردای آنروزهم باردیگر بسینما ایران آمدند تاشاهد زدوخوردهای وحشیانه ومناظر حرکت گاوها درفیلم تجارتی(دره انتقام) بشوند. آنروز نگارنده بازحمت زیادی میخواستم باین آقایان بفهمانم که آخرهرفیلمی صرفنظرازمیزان ارزش خود مورد پسند همه قرار نمیگیرد واگرکسی فیلمی را نپسندید میتواند با نهایت آرامش سالون سینمارا ترك کند نه اینکه باعملیات زننده باآبروی خویش بازی کند بطوریکه همانشب عده‌ای از تماشاچیان فهمیده که بارزش فیلم رودخانه پی برده بودند پس‌از تغییر فیلم ونمایش فیلم بدابت و لوکوستلو سالون سینمارا با تاسف ترك کرده وازاینکه سینما درمقابل چنین اشخاصی ازخودضعف نشانداده بود اظهار نارضایتی کردند.

بدبختی دراین‌جاست که سینما روندگانی که بصحنه‌های منحط تجارتی و آنتریك‌وآکسیونهای معموله فیلمها عادت کرده اند می‌خواهند سلیقه شخصی خود را بعنوان ایده اکثریت بصاحبان سینماها تحمیل کنند آنها بسینماها معترضندکه چرا فیلم‌اولین مرتبه نمایش نمی‌دهند ولی‌خود بانهایت‌میل یك فیلم‌کمدی‌تکراری را تماشا میکنند وشاید هم بقول خود آنرایك اثر اخلاقی‌میدانند.جای‌تاسف‌است که‌عده‌از تماشاچیان سینما ، بواسطه نداشتن‌فرهنك و فقدان تربیت دارند هنگامی که فیلمی رانمی‌پسندندایجادتشنج کرده‌وازهیچگونه‌عمل‌زننده‌ای خودداری نمی‌کنندو عده‌ای دیگرهم مترصد تظاهر این‌دسته بوده وازشدت بیکاری‌وشاید هم بیماری‌در دادوفریاد با دسته اول همراهی میکنند.

واما یك مسئله روانی نیزدر علل استقبال مردم از فیلم رود خانه وجود داشته‌است‌چون‌درطی‌سالهای متمادی غالب‌فیلم‌هاییکه‌نمایش داده‌شده‌اند‌حتی‌شاهکار های آنها غرق درآکسیون وآنتریك‌های مختلف وصحنه‌های محرك اعصاب‌بوده اند ومردم‌هم در نتیجه زندگی غیر طبیعی خود نسبت به این انتریك ها علاقمند شده وعادت کرده بودند بدینجهت اگر عالیترین شاهکار هنری‌را هراندازه هم پرارزش باشد بمعرض نمایش‌گذارند‌مردم‌که‌عادت به‌صحنه ها وانتریك های‌مطلوب خودکرده اند اگر از این مطلوبات که غالبا در فیلم های جنائی و پلیسی و درام های عشقی‌دیده میشوددرآن فیلم موجود نباشد باسردی آنرا طرد میکنند در واقع این انتریك ها که درباره خوبی یابدی آن وارد بحث نمی‌شویم چنان درروح‌و اعصاب مردم سینمارو تاثیر کرده که‌دیگر حاضر نیستند‌غیرازآنتریك چیزدیگری ببینند البته این مسئله درمیان طبقه روشن فکر صدق می کند والا در طبقات دیگری‌که بتماشای فیلم‌های قهرمانی تجارتی‌میروند اصلا مسئله و درك انتریك های سینمائی وجود و مفهومی ندارد

مادام بوواری

MADAM-BOOVARI

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو گلدوین مایر امریکا - اثر گوستاو فلوبر - باشتراک: جینفر جونس - لوئی جوردان - وان هفلین کریستفر کنت - جمس میسون

درداستانی که اثر قلمی نویسنده مشهور فرانسوی گوستاو فلوبر است سرگذشت دختری که وسوسه‌های شیطانی و ناراحتی های جنسی اورا از عالم حقیقت دور داشته و بطرف هوسبازی‌های موقت سوق داده است تجسم پیدا میکند قسمت عمده فیلم در اطراف حرکات وزندگی این دختر که احساساتش ازحال طبیعی خارج شده ولی بواسطه جذبه سحرآمیز خوددل جوانان را می باید دور میزند او که نمیتواند تنها یك محبوب داشته باشد چنان در عوالم هوس انگیزی خود غوطه‌ور است و چنان فریفته تجمل و ثروت گردیده که همه چیز رادرزندگی زیر پا مینهد. اما بوواری زنی است زیبا و همه دور اورا گرفته‌اند واو هم می خواهد نظر و توجه همه را جلب کند و چنان دلربائی یدطولائی دارد که همه را بازیچه دست خود قرار داده وعجزی که همواره دربسیاری ازمردان دیده میشود سبب شده که وی بتواند هوسهای خود را بر دوستارانش تحمیل کند. او دوست دارد لباسهای شیکی بپوشد ، زیبائیش همه را خیره کند قلب ها همه در مقابلش بلرزه درآید .

او قادر است زیرا زیبا وجذاب بوده وخیلی خوب می رقصد وهمین کافیست که جوانان همه مسحور اوشوند اودنبال معبود خیالی میرفت که در اجتماع وجود نداشت . فلوبر نویسنده میرز دراین داستان موثر خود احساسات وعوالم چنین زنی را بخوبی مجسم میکند واتفاقا چنین پرسوناژی که قهرمان کتاب اوست درزندگی ما نیز بتعداد بیشماری دیده میشود تنها اما بوواری ملکه آنها محسوب میگردد در این داستان وفیلم همه چیز بامرك اما بوواری خاتمه می یابد وتنها کسی که در مرك او اشك میریزد شوهرش دکتر بوواری است که باوجود اینکه بخیانت ها و هوسرانی های همسرش پی برده بود بازهم باشکیبائی طاقت فرسائی اورا حفظ می کرد (ولی آنهای دیگر که تنها با او نرد عشق باخته بودند هنگام مرك هم سراغش نیامدند زیرا او گل خوشبو وزیبائی بود که پژمرده شد، پلاسید وازبین رفت!! این داستان را می توان یکی از آثار بی‌نظیر اخلاقی دانست که دراین فیلم هم بشکل خوبی پرورانده شده و نشان داده میشود .

نکات و جنبه های هنری فیلم

دراین فیلم پنج هنرپیشه بزرك عالم‌سینما شرکت دارندکه چهارتن ازآن ها دررل شخصیت های بزرك داستان ظاهرمیشوند ووجود این هنرپیشگان بزرك هنرمند برمیزان ارزش فیلم می‌افزاید البته‌نه‌برای آنکه دراین فیلم شرکت‌دارند بلکه برای اینکه این‌هنرپیشگان دررل پرسوناژهای بزرك داستان فیلم ظاهر شده ورل‌خودرا هم بخوبی ایفا میکنند .ستاره‌اول‌فیلم «جنیفرجونس» ستاره درخشان عالم سینما میباشدکه موفقیت های زیادی بواسطه بازی درفیلم های بزرك هنری بدست آورده است وی اولین‌بار بواسطه بازی درفیلم (آواز برناردت)بدریافت جایزه اسکار نائل آمد وسپس درفیلم های بزرگی مانند دوئل‌درآفتاب ـ تصویر ژنی ونامه‌های عشق باتفاق‌جوزف‌کاتن شرکت کردکه کلیه آنهارادرطهران‌نمایش دادند دراین فیلم وی باحساسیت ومهارت زیادی رل‌امابوواری را ایفا میکندالبته بازیش در صحنه های مختلف تااندازه‌ای ضعیف وقوی‌میگردد درچند صحنه بازی وی بخصوص ازلحاظ حرکات عصبی چهره وحالات چشم فوق‌العاده‌قوی شده است. «وان‌هفلین» هنرپیشه‌فیلم سه‌تفنگدار وخیابان دالفین دررل دکتر بوواری، «اولی جوردان» هنرپیشه فیلم‌های نامه‌یك زن ناشناس وپاراداین دررل یك‌جوان‌ثروتمند و عیاش و «کریستفر کنت» هنرپیشه فیلم سینگوالا در رل یك جوان دانشجو ظاهر میشوند .

موزیك متن فیلم‌ازقسمت های پرارزشی است که لطف بخصوصی به‌صحنه ها بخشیده چندصحنه فیلم از لحاظ دکور وپلان ندی واصول‌فنی سینما فوق‌العاده قوی تنظیم شده‌است قطعا جا داشت که چنین فیلمی جزء بهترین فیلم های سال شناخته شود .

میزان تاثیر فیلم درمردم

این فیلم ازلحاظ کلی موردپسند عده بیشماری‌از افرادروشن فکرودستجات هنرمند و هنرپیشه واقع گردید طرفداران فیلم‌های قهرمانی اصلا به دیدن این‌فیلم نیامدند اکثریت تماشاچیان رادوشیزگان و بانوان تشکیل میدادندو قطعا‌جنبه‌های عشقی وصحنه‌های رقص‌والس فیلم در احساسات رقیق دختران وپسران نو جوان فوق العاده موثرواقع شد واین‌خودیکی ازعواملی بودکه جوانان را وادار بـه تماشای این‌فیلم کرد واین‌تاثیررا بایدیك‌اثرصرفا حسی‌از لحاظ جنبه عشقی‌دانست. اکثریت کسانیکه این‌فیلم را دیده و پسند کرده بودندتنها اظهار عقیده کردندکه فیلم خوب ولذت‌بخش بودو اگراز آنهابیشتر سئوال میکردید پاسخ‌میدادندکه داستان قشنگی داشت!! خیلی‌خوب بازی‌میکردند وصحنه‌والس اولی جوردن وجنیفرجونس خیلی تماشائی بود !!همین وبس…

پایان یك عمر

Deeth of a Salesman

محصول سال ۱۹۵۳ کمپانی کلمبیا امریکا کارگردان: لاسلو بندك
تهیه کننده: ستانلی کرامر موزیك از موریس ستولوف - رهبری
موزیك با آلکس نورث - باشتراك: فردریك مارچ - میلدرید
دونوك - کوین مك کارتی

بافیلم پیش برویم

ما که خود دچار مضیقه ومصائب و مشکلات مادی زندگی بوده‌ایم قطعا باید بتوانیم با این نوع گرفتاری ها و ناراحتی های مادی آشنا باشیم زیرا شکی نیست که اکثریت مردم جهان دارای ناراحتی ها و گرفتاری های مادی هستند که نتیجه متدغلط زندگی اجتماعی است. صاحبان کار و سرمایه افراد زحمت کش را بحال ناچیزی طرد ومحروم میکنند در این فیلم جنوریك فروشنده بعلت استیصال مادی و نرسیدن به آمال و آرزوهایش مجسم میشود اجتماع که بدون ترحم اورا از نزد خود رانده چنان ویرا تحت فشار قرار میدهند که او دیوانه میشود البته ده ها هزار نفر که دچار این مشکلات مادی هستند ، میآیند میروند و هیچگاه از حالت طبیعی خارج نمیشوند زیرا مانند انسانهای عادی زندگی را دوست دارند و بهر وسیله که هست نمی خواهند آنرا از دست بدهند ویلی لومان کسی است که سالها به فروشندگی اشتغال داشته ولی صاحبان کار بدون آنکه قدرش را بدانند ویرا اخراج میکنند واو که در نتیجه داشتن روحیات بخصوصی آمال و آرزوهائی داشته چون در نتیجه استیصال مادی آمال و آرزوهایش را نقش برآب می بیند دچار بحران روحی عجیبی میشود و فیلم در جائی آغاز میشود که شبی بحران روحی ویلی به منتها درجه رسیده ودچار رویاهای عجیبی میشود ...

او میخواست پسر بزرگش در امتحانات موفق شود و آینده خوبی برای خود بسازد ولی همه اینها در نظرش نقش بر آب شده بآید... برادر مرحومش را می بیند که در تجارت خود موفقیت زیادی بچنگ آورده و سرمایه خوبی کسب کرده ولی ازطرفی او نمیتواند حتی برای معشوقه اش که از او جوراب میخواهد جورابی بخرد رویا هایکی پس ازدیگری اورا رنج میدهند وبالاخره صبح روز بعد هنگامیکه با

ماشین بیرون میرود تصادم کرده وجان میسپارد فکراین داستان از لحاظ تجسم مشکلات ودردهای مادی وهمچنین‌اصول‌پوسیده زندگی کنونی سرمایه‌داری که افراد را دچار مضیقه‌مادی ساخته وبه نیستی سوق‌میدهد جالب است لیکن از چند لحاظ شدیدا مورد انتقادمیباشد ...

اولا زندگی این خانواده باتوجه به‌وضعیت‌خانه آنها هنوز درحدودمتوسط بوده وکاربجائی نکشیده بودکه سرپرست خانواده دچارچنین التهاب وجنونی بشود درست‌است که بیکاری برای توده مغرب‌زمین ناراحتی عجیبی است لیکن باید بمیزان آن توجه کرد بعلاوه در این‌فیلم از عالم معنی هیچگونه صحبتی نیست وتنها از بحرانهای روحی که ناشی‌ازفشارمادی‌است صحبت‌میشود درحالیکه‌فشار مادی‌دراین فیلم نسبت به بدبختی وفقراجتماعی که در جهان‌وجوددارد بی‌اندازه‌ناچیزومسخره است بدبختیهای وحشت‌آور بزرك اجتماعی است‌که بشررا وادار به‌جدال ومبارزه کنونی ساخته . بنابر این چنین موضوعات تخیلی نمیتوانند ازلحاظ جنبه اجتماعی درردیف آثاری قرارگیردکه کلیات حقیقی‌تری از فقرتوده های مردم ووحشتی که در نتیجه‌این‌فقر بوجود میآید مجسم گرداند ولی البته سوژه قوی، صحنه‌بندی و جنبه هنری فیلم از لحاظ بازی و موزیك فیلم را در ردیف محصولات با ارزش قرار میدهد .

نکات وجنبه‌های‌هنری فیلم

با توجه ببحث فوق درباره داستان وجنبه اجتماعی فیلم این‌طور نتیجه می گیریم که در فیلم پایان‌یك‌هنر جنبه هنری بالاتر و قویتر از جنبه اجتماعی است و بعبارت بهتر یك‌سوژه ناقص که فکرآن آنطور که لازم است پرورش نیافته در سایه بازی‌قوی هنرپیشگان ارزش فوق‌العاده پیدا کرده است دراینگونه فیلمها است که بازی آکتورها قسمت اساسی را تشکیل میدهد . دربسیاری ازفیلم ها هنرپیشگان بابازی خود توانسته اند یك سوژه کوچك را بزرك کرده و فیلم را حائزارزش نمایند دراین‌فیلم‌هم «فردریك‌مارچ» نمونه یك‌بازی قوی آرتیستیك‌را نشان میدهد حالات چهره او دربعضی از صحنه ها فوق‌العاده جالب است ،درچند صحنه دیگر در تجسم رویاهائی که دچار میشود فوق العاده طبیعی در رل خود ظاهر شده‌است پس ازمارچ میلدرد دونوك دررل پسر بزرك او فوق‌العاده قوی بازی میکند درواقع کلیه هنرپیشگان فیلم‌کاملا درقالبهای رل‌خود قرارگرفته و بانهایت مهارت نقشهای دشوار خودرا‌ایفا‌کرده‌اند پدروپسر درصحنه‌هائی که‌مقابل هم‌قرار میگیرند در تجسم حالات‌روحی و هیجانات درونی‌خودمهارت زیادی‌نشان میدهند موزیك متن‌فیلم درغالب صحنه‌ها باکوتاه و بلند شدن تم‌های مختلف در پرورش صحنه‌ها وبازی هنرپیشگان تاثیر بسزائی داشته‌است درواقع باید بازی، موزیك ودکوراسیون‌فیلم را فوق‌العاده عالی‌ودرخشان‌دانست.

میزان تاثیرفیلم درمردم

پایان یك هنریکی ازآن فیلمهائی بودکه اصلا مورد استقبال واقع نشد

وآنرا تنها یکهفته درسینما کریستال نمایش دادند قطعا چنین فیلم سنگینی باآن صحنه های درهم وجریانات پیچیده خود نمیتوانست مطلوب دوستداران فیلمهای تفریحی باشد ، و کمتر کسی از تماشاچیان حاضر شد خود را وادار بتفکر درباره فیلم و کشف مسائل و نکات پیچیده آن بنماید .

ولی چون سینما کریستال نمایش دهنده فیلم از همان شبهای اول در طی یك آگهی متذکرشده بودکه این فیلم تنها برای علاقمندان محصولات سنگین هنری بعرض نمایش گذارده شده است بدینجهت آن تماشاچیانی که همیشه خود را حاضر به کشیدن فریادهای گوش خراش و پس گرفتن پول بلیط مینمایند نتوانستند تظاهراتی بکنند.

عده‌ای هم بودندکه بانهایت رغبت وعلاقمندی این فیلم راتماشاکرده و از بازی و نکات هنری آن لذت بردند متاسفانه تعداد آنها آنقدرنبود که سبب شود فیلم مدت بیشتری روی پرده بماند.



نسل بیچاره

SoYoung so bad

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی یونایتدآرتیست آمریکا - رژیسور برناردورهوس - داستان اثر ژان پورول - موزیک از و.ستر ینجر باشتراك: پل هنرید - کاترین مك لود - آن فرانسیس - سیل کلاوولی الی پولور - آن جاکسون



آن فرانسیس - الی پولور و آن جاکسون در فیلم نسل بیچاره

بافیلم پیش برویم

دسته جدیدی از دختران‌را بطرف دارالتادیب میبرند تاآنها را در تحت شرایط صحیح تعلیم و تربیتی راهنمائی و اصلاح کنند، دهها دختر بجرم دزدی و عملیات خلاف‌قانون در این دارالتادیب بسرمیبرند‌این نوجوانان منحرف را برای این به‌اینجاآورده‌اندکه تحت‌اصول‌صحیحی تربیت‌نمایند !!! داستان مااز همین جا شروع میشوددر میان این دختران چهارشخصیت برجسته‌تر جلب نظر میکنند که قهرمان اول‌داستان بشمار میروند دلورس دخترك حساس و شاعر منش ایتالیائی که تنها در گوشه‌ای با مجسمه کوچك حضرت مریم‌رازو نیازمیکند، چین‌دخترساده و مظلومی که در گوشه زندان تنها با خرگوش کوچکی که دارد دلخوش است، ژاکی دخترك خشن و خونسردی که در روح او عصیان عجیبی وجود دارد او همواره میگوید‌که هیچ‌چیز اورا مغلوب‌نخواهد‌کردوحتی قطره‌ای هم‌اشك‌نخواهد ریخت، وامالرتادخترك‌عشوه گر که‌صاحب احساسات پاکی بوده و به‌مقتضای‌احساسات جوانی‌خود دنبال‌عشق‌رفته‌ودرنتیجه‌پستی‌ها و بدیهائی که‌دیده‌است‌منحرف شده‌اصول غلط زندگی‌اجتماعی احساسات حقیقی اورا تبدیل‌به یك احساسات‌کودکانه‌شهوانی ساخته و اما در این دارالتادیب مقرراتی خشن و اصول غلطی وجود دارد که دختران راوحشی‌تر وبدبین ترساخته وروح عصیان‌رادر آنهاشدیدتر میکند شکنجه هائیکه از طرف متصدیان‌پرورشگاه نسبت‌به آنهامیشود نه‌تنها آنهارا اصلاح نمی کند بلکه‌اززندگی‌ومردم‌هم‌متنفر میسازد.

تمام وسائل تفریح آنهارا میگیرند حتی اجازه‌نمیدهندمجسمه معبوددلورس وخرگوش‌بی‌آزارچین نزدشان بماند!! درشبی که وسائل تفریح واشیاء دختران را میگیرند خانم روهلر متصدی پرورشگاه خرگوش چین رازیرلگدکشته و بعدبکوره آتش می‌اندازد در نتیجه این عمل که مقابل چشم دختران انجام میگیرد احساسات دختران تهییج‌شده‌ودراطاق خود ایجاد حریق میکنند و پس ازخاموش شدن حریق خانم روهلر تصمیم میگیرد مسببین حریق‌راتنبیه کندبدینجهت‌آنهارابه‌زیرزمین برده وزیرفشارلوله‌های‌آب‌قرار میدهد درنتیجه‌این‌شکنجه وحشت‌آور دخترها به‌حالت اغماء می‌افتند ، درآخرین لحظه دکتر جاسون که از مخالفین سرسخت این گونه تعلیم وتربیت است سررسیده وآنهارا نجات میدهد پس ازاین واقعه خود دکتر جاسون برنامه جدیدی برای دارالتادیب تنظیم میکند در این برنامه تمام اشیاء دختران مسترد شده و بآنها مطابق ذوقشان کار های مختلفی مانند روزنامه نویسی و ماشین نویسی و... واگذار میشود وحتی وسائل تفریح و ورزش آن ها فراهم میگردد بدین طریق هر یك از دخترها فنی را یاد میگیرندکه پس از آزادی میتوانند ازآن استفاده‌کرده وشرافتمندانه زندگی کنند وعلاوه براین در عوض بدبینی درآنها حس‌امید به‌زندگی بوجود میآیدولی‌بازهم رئیس‌دارالتادیب وخانم روهلردخالت‌کرده وباعملیات خود سبب میشوندکه دلورس حساس انتحار کند محاکمه آغاز میشود ... و بالاخره دکتر جاسون باکمك ژاکی ولرتا بااعضاء دادگاه ثابت میکندکه‌این‌اصول تعلیم‌وتربیت چقدرغلط بوده ومتصدیان‌پرورشگاه چه عملیات فجیعی میکرده‌اندودرپایان‌دکترجاسون دوباره اصول جدیدو برنامه‌های



ارتا و روت نسبت بهم حسودی‌می‌کنند، صحنه‌ای ازفیلم نسل بیچاره

خود را آغازمیکند ارتاکه باوعلاقه‌مند بوده چون متوجه میشودکه چنین علاقه‌ای چقدرکودکانه است بنابه‌توصیه و نصیحت دکترجاسون به‌نزدکودك خردسالش که‌در پرورشگاه نهاده‌بود میرد تامادر خوبی برای‌اوباشد . ازلحاظ روانی ، اجتماعی‌و اخلاقی فیلم نسل‌بیچاره یك شاهکار دیدنی و آموزنده بشمار میرود وقوع جنك تضاد هـای شدید طبقاتی توسعه فساد اخلاق سبب میشود کـه جوانها در عوض اینکه در تحت شرایط صحیح و مربیان دلسوزی تحت تربیت قرار گیرند آواره وسرگردان‌وفاسد شوند .

مصائب وحشتناك جنك‌روحیات واحساسات‌جوانان‌را درهم‌می‌شکند وآنهارا بافساد وخشونت وبدبینی درمیآمیزد پدرو مادرانی‌که خود دنبال عیاشی می روند فرزندان خودرا تنها وبی‌سرپرست درمحیط کثیف باقی میگذارند پدر و مادران دیگری‌که شاید بتوانندکودکان خودرا پرورش دهنددرنتیجه وقوع‌جنك کشته‌شده وفرزندانشانرا تنها میگذارند. بی‌رحمیها وحشیگری‌ها وپوسیدگی فکری‌درشرایط کنونی نسل‌های جوان رایکی‌پس‌از دیگری محکوم بفسادونابودی میسازد دخترانی که‌ما دراین فیلم میبینیم افراد بیگناهی هستندکه شرایط زندگی‌وفشار محیط‌آنها رابطرف فساد سوق‌داده استآنها بامید وآرزوی زیادی پادرپرورشگاه می‌نهند تاشاید درآنجا سعادت وآرامش مطلوب خودرا بازیابندولی درآنجا باآنهامانند برده های فراری قرون وسطی رفتار میکنند چیزی بنام تعلیم وتربیت در آنجا

وجود ندارد دراینجا فیلم بخوبی نشان میدهد که درکشور های متمدن نیز اصول تعلیم وتربیت چقدر غلط وحتی وحشت انگیزاست واین میرساند که صاحبان قدرت وپول بجز منافع خود بهیچ چیز دیگر نمی اندیشند تضاد منافع بین آنها وحرص وطمع نتیجه هان ده ها بلکه صد ها هزار نفر را قربانی میسازد قطعا لازم بود چنین فیلمی بهتر و قوی تر تهیه می شد و پایان آن بطرزی قوی تر و پر مفهوم تر خاتمه مییافت .

در فیلم نشان داده میشود که با برقراری یك اصول صحیح امید بخش روحیات دخترها تغییر پیدا میکند لرتا که کودك خودرا رها کرده بود پس از آزادی مجددا نزد او میرود ، ژاکی با آنهمه خشونت وخونسردی هنگامیکه محبت لرتا را نسبت به کودکش میبیند برای اولین بار درزندگی خود اشك میریزد و حتی چنین که بدون وجود دوستش ژاکی نمیتوانست زندگی کند متوجه میشود که همواره نمیتواند با او باشد وباتوجه به نکات فوق میتوان پی برد که فیلم دارای چه نکات باارزش پرمفهوم و آموزنده‌ای است .

نکات و جنبه ها ی هنری فیلم

از لحاظ کلی بازی هنرپیشه‌ها طبیعی و قوی است بازیها طوری است که بیننده تصور میکند که چنین جریاناتی واقعیت داشته و خود ناظر آنست و کمتر بنظر بیننده میآید که این فیلم وبازی هنرپیشه است بدینجهت کلیه بازیهارا باید طبیعی دانست بخصوص دردرجه اول «آن فرانسیس» که برای اولین بار در فیلم بازی میکند درنقش لرتا ظاهرشده ورل خودرا بینهایت طبیعی ایفا میکند شخصیت و حالات دختر ها بسیار جالب توجه است ترکیب صحنه ها طوری است که بیننده‌را مجذوب میسازد وقطعا میتوان گفت که چنین داستان و فیلمی در نوع خود کاملا تازگی داشته و فقط بدبختانه وجود خانمی بنام روت لورمیك در نقش معبوبه دکتر جاسون در فیلم فوق العاده زیادی وبیمورد است وکلیتا جنبه هنری فیلم درمقابل جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی ناچیز است .

میزان تاثیر فیلم وقضاوتهای مختلف مردم

این فیلم برخلاف فیلمهای پایان یك عمر وترادواگر بنام هوس با استقبال عمومی روبروشد . علت اساسی این استقبال این بود که موضوع فیلم طوری ترتیب داده شده بود که کلیه قسمتهای آن نظر تماشاچی را جلب کرده ونکته بغرنج و پیچیده‌ای هم راه نداشت اصولا چنین موضوعاتی که بدین شکل ساده هم تنظیم شود چون فاقد پیچیدگی وفلسفه‌های درهم میباشد مورد توجه عموم قرارمیگیرد ولی البته بازهم از این فیلم مانند فیلمهای قهرمانی تجارتی استقبال نشد مسخره در اینجا بود که پس ازاینکه یکهفته از نمایش فیلم گذشت تازه مقامات وزارت فرهنگ در صدد تشویق سینما کریستال برآمدند وحتی برای سینمای نمایش دهنده فیلم تقاضای مدال کردند . نتیجه این عملیات توزیع مقداری بلیط مجانی میان معلمین مدارس بود که شاید این عمل بعنوان زحمات وزارت فرهنگ برای توسعه فرهنگ درپرونده‌های مخصوص ضبط شده باشد؟؟

کاروزوی کبیر

The GreatC aruso

محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو گلدوین مایر امریکا
رژیسور : ریچاردتورپ ـ تهیه کننده : جو پاسترناک
باشتراك : ماریولانزا ـ آن بلایت ـ بارمیلااوو تنا ـ درروتی کیرستن



صحنه‌ای از فیلم کارزری کبیر

بافیلم پیش برویم



آن بلایت ستاره فیلم کاروزوی کبیر

این فیلم شرح حال انریکو کاروزو خواننده مشهور ایتالیائی است که درسال ۱۸۷۳ درناپل پا بعرصه وجود نهادو بعدها با آواز بی نظیر و استعداد فطری که داشت شهرت جهانی بهم زد تا اینکه در نیویورك درنتیجه بیماری سل در گذشت.

کاروزو فرزند خانواده متوسطی بود که در ناپل بزحمت امرار معاش میکردند وی در کودکی مادر خودراازدست داد ولی درهمان موقع استعدادش در قسمت آوازمورد توجه قرار گرفت و در دسته کر مذهبی مقام شامخی را بدست آورد . هنگامیکه بسن ۲۰ سال رسیددر کافه ها به آوازخوانی پرداخت و با انعامی که ازمشتریهامی گرفت تااندازه‌ای امرار معاش میکردولی بزودی اورا دراپرا استخدام کردند و چند سالی نگذشت که کاروزو خواننده مشهوری گشت و تمول زیادی بهم رسانید وی بعد ازچندسفر بشهرهای اروپا وشرکت دراپراها بآمریکا رفت و در اپرای متروپولیتین بکار پرداخت و درآنجا اوبادختری بنام دوروتی بنجامین ازدواج نمود وچند سال بعد در گذشت.

دراین فیلم زندگی انریکو همراه با نمایشات اپرای او مجسم میگردد، منتهی مرحله اجتماعی زندگی اوخلاصه شده و بیشتر به زندگی خصوصی وعشقبازی او توجه شده است تا بکار هنریش !! قسمت آخر فیلم تا اندازه ناقص و ضعیف تمام میشود درحالیکه کاملاممکن بود داستان فیلم رابهتروعالیتر پرورش داد و پایان آنرا بشکل قویترو موثرتر تمام کرد!!

کاروزوی کبیر یك فیلم بیوگرافیك است که از لحاظ جنبه هنری نمایش آواز واپرا قوی و دیدنی ولی ازلحاظ جنبه هنری اجتماعی ضعیف و ناقص بشمارمیرود بخصوص صحنه های مقطع که زندگی کاروزو را خلاصه کرده و فشرده تحویل بیننده میدهندازارزش فیلم کاسته است.

نکات و جنبه‌های هنری فیلم

فیلم کارزوی کبیر را باید ازلحاظ موزیك وآواز و نمایشات اپرابا ارزش و دیدنی دانست صدای قوی ماریولانزاکه در رل کارزو ظاهر میگردد وصحنه‌هائیکه ازاپرای‌های مشهور نمایش داده شده ازقسمتهای با ارزش فیلم میباشد ولی باید گفت

که صرفنظر از آواز کاروزو اپراهای فیلم چندان قوی و کامل نیست بخصوص که غالب آنها نیز نیمه تمام و ناقص است علاوه براین جریان فیلم آنطورکه لازم است قوی ترتیب داده نشده درحالیکه اگر درعوض تجسم صحنه های عشقبازی و نامزد بازی برقسمت نمایشات فیلم اضافه میگردید برجنبه هنری آن افزوده می شد و بازهم دراین فیلم هدف مادی صاحبان کمپانی مانع ازاین شده است که بجنبه حقیقی هنری یك فیلم بیوگرافیك آنطورکه لازم است توجه شود !!

درطی فیلم قطعاتی از اپراهای توسکا - لاخه با پاتزو ، تراویاتا ، هایده ریگولتو، اجرامیگردد . دورتی کیرستن قطعه آیدا، آن بلایت والس (شبهای دوست داشتنی سال) اثرشتراوس رامیخوانند. قطعاتیکه ماریولانزا بطور سولو درقسمت های مختلف فیلم میخواند عبارتند از : دونا موبیل از ریکولتو ، توسکا ، آیدا اپرای بوهم ، ژیوکندا ، پایساتزو ، لادانزا ، تورنسا آسوانتو ، آوه ماریا اثر شوبرت .

در طی فیلم ازآهنگهای موسیقیدان بزرك از جمله شوبرت ، اتوکاوالو سکاگنی ، وردی، پوسینی، توستی، روسینی بگوش میرسد. کلیه این آهنگها و نمایشات باوجود کوتاهی باارزش بشمارمیروند

بازی «ماریولانزا» خواننده جوان و نوظهورکه ازفیلمهای او نوای دل-نشین را درتهران نمایش داده اند و همچنین «آن بلایت» دررل دوروتی خوب ومتناسب بشمار میرود در واقع کاروزو را از لحاظ جنبه هنری باید فیلمی دیدنی و با ارزش دانست بخصوص که مانند سایر فیلمهای بزرك کمپانی مترو ازلحاظ تکنیك و رنك آمیزی نیز قوی است .

میزان تأثیر فیلم درمردم

کاروزوی کبیر در اسفند ماه گذشته بمعرض نمایش گذارده شد و درمیان طبقات روشنفکر وطراز اول موفقیت خوبی بدست آورد و بطور تقریب می توان گفت که کلیه دوستداران فیلمهای موزیکال هنری وعلاقمندان موسیقی کلاسیك این فیلم را تماشا کرده و استقبال شایانی ازآن نمودند . ولی البته درمیان تماشاچیان این فیلم از علاقمندان فیلمهای قهرمانی تجارتی اثری نبود. غالبا سالنهای سوم وروز های وسط هفته سالن سینما غرق درتماشاچی میشد ولی درروزهای جمعه از تعداد مشتریها بمقدار زیادی کاسته میشد ولی با همه این می توان گفت که عالی ترین پوبلیك برای دیدن این فیلم شتافتند وسینمای ایران درشبهائی که کاروزو را نمایش میداد نظم وترتیب و آرامش عجیبی داشت و دیگر از جنجال وحشت انگیز هوا خواهان فیلمهای قهرمانی وهیاهو تخمه شکنها خبری نبود

پرنس و گدا

PRINCE AnbThe PAUPFR

محصول ۱۹۳۸ کمپانی وارنر امریکا کپیه شده درسال ۱۹۵۱ اثر مارك تواين .رژیسور ویلیام کگلی موزیك ازاریك ولفگان کورن گلد باشتراك برادران موچ تونیس (بیلی و بوبی) ارل فلین و کلود رنس



فیلم پرنس و گدا

بافیلم پیش برویم

مارك تواين نویسنده انگلیسی داستانی بنام پرنس و گدا ازوقایع انگلستان ن شانزدهم نوشته که درواقع يك افسانه شیرین میباشد که بقول تواين معلوم نیست که حقیقت داشته یانه! مکان داستان در انگلستان و زمان سال ۱۵٤۷ موقع سلطنت هانری هشتم است .



برادران موچ: لوینس درفیلم پرنس وگدا

هاری پادشاه کهنسال انگلستان پسری بنام ادوارد دارد که باید جانشین او شود درجنوب شهر لندن نیز پسری هم سن ادوارد بنام توم که شباهت فوق‌العاده باو دارد زندگی میکند پدرتوم دزد ولگردی است که دائما پسرش را کتک میزند شبی توم بقصر سلطنتی آمده ودر زیریکی ازسکوها میخوابد قراولان اورا دیده و هنگامی که میخواهند تنبیهش کنند ادوارد سررسیده اورا باخود بدرون قصرمیبرد آنها تصمیم میگیرند که لباسهای خودو بدین‌وسیله مقام خودرا باهم عوض کنند ادوارد با لباس ژنده بجنوب شهر میرود وتوم درلباس پرنس درکاخ میماند هنگامیکه این رویا بحقیقت می‌پیوندد توم وحشت کرده و بدرباریان اظهار میدارد که او پرنس حقیقی نیست ولی کسی حرف اورا باور نکرده وهمه فکرمیکنند دیوانه‌شده است بدین ترتیب ماجرای شیرینی آغاز میشود که با حوادث جالب وتماشائی توام است ادوارد پسرحقیقی شاه درلباس گدا بجنوب شهر میرود وهمه‌جا خودرا پرنس میخواند ولی همه اورا مسخره کرده کتک میزنند دراین میان هاری پادشاه کهنسال درمیگذرد ! حالا باید مراسم تاجگذاری پسرش اجرا شود ولی پسرحقیقی اودرلباس گدایان درجنوب شهراست وتنها ازاین موضوع چندتن ازاشراف آگاهی یافته و میخواهند ازوجود ولیعهد دروغی سوء استفاده کنند حوادث شیرین رخ میدهد و بالاخره پرنس حقیقی بجای خود بازگشته وباشبیه خود توم زندگی جدیدی را

آغاز میکند داستان جالب ودلپذیری‌است که درفیلم هم بشکلی تماشاچی، مشغول کننده وشیرین درآمده است درواقع میتوان گفت که یکی ازداستانهای بـا ارزش تاریخی‌است که ازجنبه های اخلاقی نیز بهره‌مند است بخصوص شخصیت‌های‌داستان ووضعیت دربار وتفاوت زندگی اشراف وتوده‌مردم بخوبی نمودار میگردد دراین فیلم نشان داده میشودکه مردم مقامات وشخصیتها را از روی‌لباسشان میشناسند و لباس ها هستند که احترام دارند !! پرنس و گـدا از آنگونه فیلمهائی است که کلیه دوستداران‌سینما را مجذوب و شیفته می‌سازد و قطعا جنبه گمراه کننده ای هم ندارد .

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

فیلم پرنس وگدا درسال ۱۹۳۸ توسط کمپانی برادران وارنرکه بهترین محصولات سینمائی هالیود را میسازد تهیه‌شده فیلم ازلحاظ بازی و موضوع فوق العاده قوی‌است وباوجوداینکه تکنیک وسبک فیلم‌برداری مانند سالهای اخیرقوی وکامل نیست لیکن سبک بازی هنرپیشه‌ها نهایت بهتر ازبازی هنرپیشه‌های‌سالهای اخیر می‌باشد بدین‌معنی که غالب بازیکنان رلهای خود را درکلیه صحنه‌های فیلم فوق‌العاده طبیعی ایفا میکنند.

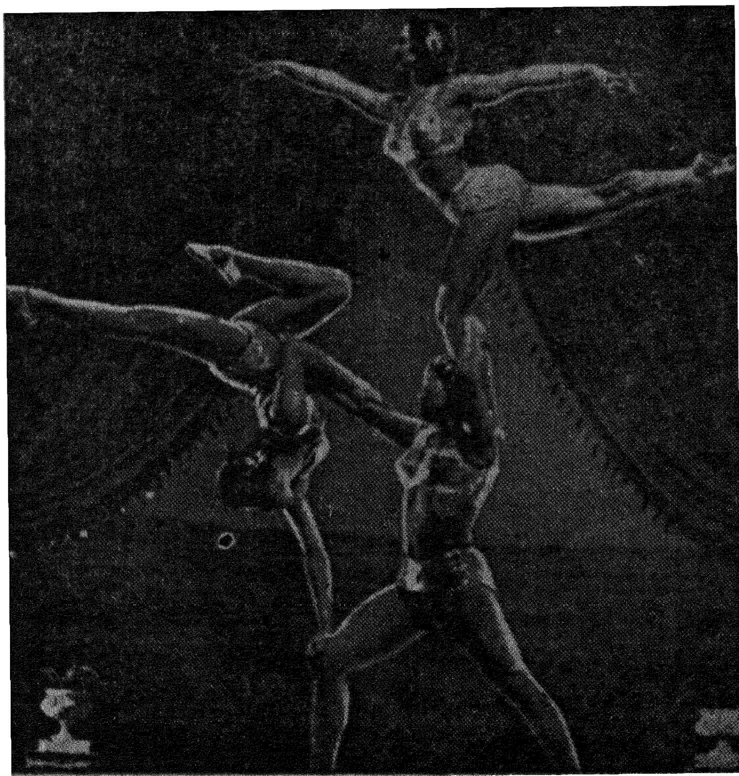
«برادران دوقلوی موچ توینس» در رل‌های پرنس ادوارد وتوم بهترین بازی‌را انجام میدهند بازی آنها از ژست‌های تصنعی وعملیات محیرالعقول کاملا بدوراست ارول‌فلین وکلودرنس که ازهنرپیشگان طراز اول‌حالا می‌باشند دراین فیلم رل‌های درجه دوم را بعهده دارند موزیک فیلم نیز برای یک داستان تاریخی خوب تنظیم شده و دربعضی از صحنه‌هاتم‌های مناسب و دلپذیری‌که در مجذوب ساختن بیننده بی‌اثرنیست اجرامیشود ازدکورهای فیلم بخصوص دکورهای‌کاخ‌های سلطنتی باید بخوبی ذکر کرد

میزان تاثیر فیلم درمردم

فیلم پرنس وگدا ده‌سال قبل‌ازاین نیز درتهران نمایش‌داده‌شد ولی همان طوریکه پیش بینی میشد در زمستان‌گذشته هنگامی کـه برای دومین مرتبه روی پرده آمـد بیشتر از سابق مورد استقبال قـرارگرفت و ارزش‌آن برای عموم تماشاچیان بیشتر مشهودگردید قطعا داستان شیرین وصحنه‌های متنوع‌فیلم که‌دارای لطف و ارزش بی‌پایانی بودند دربینندگان تاثیرفراوانی کردند بطورقطع میتوان گفت‌که فیلم پرنس وگدا موفقیت‌خوبی‌بدست‌آورد وباوجوداینکه‌ازآکسیون‌های فیلم‌های تجارتی درآن خبری نبود عموم مردم فیلم را پسندیدند .

کنسرت استادان هنر

محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۲ کارخانه‌لن‌فیلم‌شوروی باشتراك هنرپیشگان تاتر وایراهای‌شوروی



صحنه‌ای ازفیلم (صحنه شجاعان)

در میان فیلم‌های هنری که درسال گذشته نمایش دادند فیلم رنگی (کنسرت استادان هنر) یکی‌از پرارزش ترین‌شاهکارها محسوب میشود که بایدآنرا بعنوان عالی ترین اثرهنری سال شناخت باوجود اینکه این‌فیلم‌که ازقطعات مختلف‌آنرا کنسرت وباله تشکیل‌یافته و دارای موضوعی نیست لیکن‌مجموعه این‌قطعات‌هنری

که تشکیل این فیلم را میدهند دارای مفهوم عالی و پرارزش اجتماعی میباشند بدین معنی که در طی فیلم نشان داده میشود که چگونه برای تجسم نمایشات هنری و پرورش ذوق و استعداد های فطری افراد تاچه اندازه سعی و کوشش میشود.

هنرهای زیبا وهنرمندان بزرگ تاچه اندازه درجامعه باید صاحب قدر و منزلت باشند هنر است که در سایه زیبائی و نشاطی که بهمراه دارد روح انسان را تصفیه ساخته وایجادهم بستگی بین افرادمختلف و مردم جهان مینماید . هنر بزرگترین وسیله ایست که می تواند مردم جهان را بهم نزدیك سازد زیرا در هنر جز زیبائی نشاط ونیروی فعاله زندگی چیزدیگری وجود ندارد بدین ترتیب یك چنین فکری را باید گرامی دانسته و بعنوان یك ایده پرمفهوم و آموزنده از آن یاد کرد.

قسمت های هنری فیلم

ملت روس که درباله و اپرا از مدتها پیش سرآمد اقران بوده است اکنون در سایه توجه بیمانندی که کارگردانان سینمائی اتحاد جماهیر شوروی برای پرورش هنرو هنرمند ازخود مبذول میدارند آثار بی نظیر هنری ایجاد کرده و میکنند که نموداری ازترقی وتکامل هنر ودامنه عظمت آنست . اکنون پیس ها و نوشته های نویسندگان وشعرا و آهنك های کمپوزیتور ها بشکل اپراهای باعظمت تاتر های شورانگیز و باله های سحرانگیز درروی پرده سینما مجسم میشود نموداری از این نمایشات هنری فیلم کنسرت بزرك و پس از آن کنسرت استادان هنر بود فیلم باکنسرت «سنفونی سوم چایکوفسکی» آغاز میشود.

موزیك باتم شدیدی قسمت ششم سنفونی را آغاز میکند و بعدهم باهمان تم شدید آنرا به پایان میرساند.

سپس اپرای «ایوان سوسانین» که طویل ترین قسمت نمایش این فیلم است باصحنه آغاز مقدمات عروس دختر سوسانین آغاز میشود درصحنه های بعدی سپاهیان لهستانی به کلبه سوسانین آمده واز او میخواهند که آنهارا بمحل پنهانی مینین سردار بزرك روسی آگاه کنند ، سوسانین آنهارا بجنگل برده اغفال میکند ودرآنجا به آنها میگوید که آنها دیگر هرگز نخواهند توانست ازاین جنگل رهائی یابند این صحنه ها ازلحاظ آواز اپرا ، دکوراسیون وسبك رنك آمیزی جالب وباارزش است قسمت سوم باباله «والس شوپن» آغاز میگردد بار دیگر اولانوا مشهور ترین و زبردست ترین بالرین شوروی که درفیلم کنسرت بزرك قطعه درباچه قو را رقصیده بود روی پرده ظاهرشده وبامهارت زیاد وحرکات موزون والس دلانگیز شوپن را اجرا میکند دفعتا صحنه اپرای بی بی پیك اثر پوشکین شاعر نامی ظاهر میگردد قسمت اصلی این اپراصحنه اظهارعشق نسبت به کنتس جوان است لیکن از لحاظ هنری آواز خیلی ضعیف وازلحاظ فنی فون تند سبز که دررنك آمیزی مشاهده می شود فوق العاده زننده وحتی بازی وسبك فیلمبرداری هم خیلی ضعیف است درخلال این صحنه ها چندصحنه کوچك آواز اجرامیشود پس ازبی بی پیك صحنه شورانگیز رقص «گایانه» اثر خاچاطوریان آهنك ساز ارمنی تماشاچی را مبهوت میسازد عظمت وابهت رقص شمشیرزنان ارزش اینگونه صحنه های هنری را مجسم میگرداند قسمت اول صحنه باتم شدید موزیك ورقص شمشیر آغاز میشود وسپس این رقص

شمشیر تبدیل به باله‌ای میگردد که درموضوع آن روح شرقی نمودار است آخرین قطعه فیلم یادر واقع بهترین و کامل‌ترین قطعه فیلم قطعه رقص اسپانیائی رایموندا میباشد که قوی‌ترین و کامل ترین قسمت فیلم را تشکیل میدهد ... هنگامیکه قاصدان دربار سلطان تصویر خواستگار رایموندای زیبارا میآورند دخترك دلباخته تصور میشود وشب هنگامیکه جلوی تابلو بخواب میرود در خواب می‌بیند که با نامزد آتی خود میرقصد ولی صبح روز بعد این رویا بحقیقت می‌پیوند وخواستگار زیبا وهنرمند او به قصر آمده و باتفاق در مجلس جشن و سرورمیرقصند این صحنه های رقص عبارت از چند رقص پاسه‌دوبل اسپانیائی و دو رقص سولوی باله میباشد که فوق‌العاده عالی اجرامیشود .

دراین فیلم قطعات دیگری نیز اجرا میشود یکی رقص ملی روسی « گولیانکا » است که بشکل شورانگیز و هیجان آور و تماشائی اجرامیشود بوکاابن آورند « تپه‌های این » رامی‌خواندار کستر سنفونی « آواز جنگل‌ها » اثر شوستا کوویچ را اجرامی کند قطعه‌ای همینام « زنهای ریسنده » اجرامیگردد که البته این قطعات به پایه قسمت‌های بزرك فیلم نمیرسند . فیلم کنسرت استادان هنر یك برداشت واقعی از نمایشات هنری بشمار میرفت قطعاا پراها و بالتهای این فیلم را باید بعنوان یکی از بهترین شاهکارهای عالم سینما معرفی کرد

میزان تاثیر فیلم در مردم

کسانی که به تماشای کنسرت استادان هنر شتافته بودند بر دو دسته بودند یکی علاقمندان آثار کلاسیك و دوستداران موسیقی و آواز و دیگری کسانی که خودرا موظف بدیدن فیلمهای شوروی میدانستند که البته اکثریت با دسته دوم بود دسته اول درسایه علاقمندی خود از کلیه قسمت‌های فیلم لذت فراوانی برده و حتی چند مرتبه فیلم را تماشا کردند و قطعات این فیلم بخصوص رقص رایموندا و کابانه اثرات عمیق و فراموش نشدنی در آنها باقی گذاشت واما دسته دوم تنها بعلت تظاهر فیلم را تماشا کرده و شاید هم برای آن دست زدند زیرا قطعاً چنین فیلمی تنها میتوانست مطلوب علاقمندان واقعی موسیقی کلاسیك و نمایشات سنگین هنری اپرا و باله باشد والا قطعی است کسانیکه موسیقی کلاسیك دوست نداشته وزبان روسی هم ندانند از این فیلم چیزی درك نکرده و تنها شاید یك اثر سطحی و آنی در آنها ایجاد شود طرفداران موسیقی کلاسیك و فیلمهای هنری از این فیلم مانند یك هدیه کمیاب ولذت بخش هنری استقبال کردند کسانیکه درفستیوال سینمائی سوم اردیبهشت ماه سال ۳۲ قطعات منتخب این فیلم را دیده‌اند نمیکنند استقبال شایان توجهی از آن قسمت‌ها بعمل آوردند

سرچشمه

FOUNTAINHEAD

محصول ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا ـ رژیسور کینگ ویدور سناریو ازرین راند تهیه کننده . هنری بلانك موزیك ازماکس ستینر - باشتراك : گاری کوپر پاتریشیانل ـ ریموند ماسی ـ رابرت دوگلاس ـ کنت سمیت

بافیلم پیش برویم

دراجتماعی که اصول آن هیچیك از خواسته های معنوی مردم را برآورد نمی کند ایده و هدف معنوی افراد نیزبازیچه دست کسانی میشود که جزبقیودات مادی چیز دیگری نمی اندیشند آنهامیخواهندهدف وایده معنوی مردمرا باپول بخرند وآنها را در زندگی خود محروم کنند شایدهم تصور میکنند که هر چیزی را با پول میتوان خرید وهر فکری را بامقررات خشك و پوچ میتوان مقیدساخت ؟ اما افرادی هم پیدا میشوند که هدف وفکرخود را بهیچ چیز نمیفروشند آنها حاضر نیستندهدف خود را حقیرتراز پول بشمارند یاخودرا اسیر وبنده مقرراتمنحوسی بکنندکه در زندگی ما وجود دارد . مهندس هوواردروآرد کسی است که درکار ساختمانی خود و اصولا طرحهای ساختمانی ابتکار جدیدی بوجود آورده که راه تکامل وترقی را برای ساختن بناهای جدید بسبکی بهتر هموارمیکند واماصاحبان کار ازاو میخواهدکه طرزکار خودرا تغییر داده پروژه هائی مطابق ذوق ومیل مردم بسازد ولی هوواردحاضرنیست درسبك کار خود تغییری بدهد اومعتقد استکه هرپروژههای او برای رفاه مردم است تنها مردم عموما عمیقتر به اهمیت کار اوپی نبرده اند وبالاخره روزی که طرحهای اورا تغییر داده وساختمان های جدیدی میسازند وی کلیه این ساختمانهارا منفجر میسازد ودر محاکمه وی میگوید : ممکن است مردم دریك زمان به اهمیت هرچیزنوینی پی نبرند واما هنگامیکه سالهامی گذرد بتدریج ازآن استفاده نمایند واهمیت آن آشکار شود .... من کسی هستم که میل ندارم درکارو پروژه من تغییری بدهند تغییردر پروژه من خیانت بهدف وکاریك انسان محسوب میشود .

سرانجام‌هم او با موفقیت از میدان مبارزه باکسانیکه میخواستند با قرار دادهای مادی وی‌را مقیدسازند پیروز بیرون میآید و اما این یك‌داستان فیلم‌است عبارت دیگر فیلی داستان دیگری‌هم‌داردکه آن داستان عشقی وروانی فیلم‌است‌در واقع در فیلم سرچشمه دو داستان برجسته وجالب‌توام‌باهم وجودداردیکی‌داستان اجتماعی فیلم ودیگری داستان عشقی‌فیلم می باشد داستان اجتماعی فیلم همان‌بود که فوقا تعریف شد وامادر داستان عشقی فیلم‌یك‌شهوت عجیب و هیجان انگیز تجلی میکند دختری‌که شدیدا پای‌بند احساسات‌شدید جنسی خود بوده ظاهرا از مردها دوری‌می‌کند ولی باطنا درجستجوی معبود مطلوبی است که بتواند به احساسات شدید جنسی‌او پاسخ دهد این داستان عشقی در درجه اول در اطراف عشق توام با شهوت«دومینیك» دخترك نویسنده متمولی نسبت به‌مهندس‌هووارد دور میزنددومینیك‌که مظهر خونسردی وبی‌اعتنائی در مقابل مردان است‌هنگامی که به مهندس‌جوان برخورد میکند تحت تاثیر چهره خونسرد وخاموش و نگاه نافذ او قرار میگیرد و به‌عناوین مختلف از او به منزل خود دعوت‌میکند ولی هربار باچهره خونسرد وخاموش وبی‌اعتنائی هووارد‌که مظهر خونسردی‌وکار و فعالیت است مواجه میشود درمقابلش زانومیزند ، التماس‌میکندهنگامیکه‌مایوس میشود به‌دنبالش‌شتافته وباشلاق اورا میکوبد آنوقت ورق برمیگردد نیمه شب هووارد به‌سراغش‌میآید ، دومینك درمقابل معبوبی‌که تاچندی‌پیش‌درمقابلش‌زانو زده بود استقامت میکند ولی سرانجام به‌زانو درآمده و تسلیم میشوداماهووارد که بکار خود بیش ازهرچیز علاقمند بود ویرا ترك‌کرده وبدنبال زندگی خودمی رود دومینیك باگیل‌ویناند مدیر روزنامه وینر ازدواج میکند ولی‌عشق خود را نسبت به هووارد در دل محفوظ نگاه میدارد اشتغال هردو یعنی‌هووارد ودومینك به امور ساختمانی سرانجام آنهارا باهم روبرومیسازد واین‌شهوت تند که مدت زمان آنرا تبدیل بیك عشق شدید ابدی ساخته بوددومینك و هووارد را بهم می رساند .

داستان اجتماعی فیلم ازلحاظ فکر فوق‌العاده غنی وعالی است زیرا بخوبی نشان داده می‌شودکه چگونه بین افرادی‌که هدف وکار خود را دوست دارند و کسانیکه می‌خواهند باقراردادهای مادی‌کار و ابتکار دیگران بخرند مبارزه است!! البته این نظرکه شخص باید بمیل خود برخلاف میل وسلیقه اجتماع کار بکند بدین معنی‌که کار اوبرخلاف سعادت ورفاه مردم باشد صحیح نیست لیکن‌ما بخوبی میدانیم‌که سلیقه عمومی اجتماعی درنتیجه شرایط زمانی ومکانی بر اساسی صحیحی استوار نیست باجتماع نباید چیزی‌تحمیل‌کرد بلکه باید اجتماع‌را دعوت کرد تابتدریج‌بااصول لازمه زندگی‌آشنا شود.

هدف وایده هرهنرمندگرامی و مقدس است چه بسا اشخاص بزرگی که در دنیا بوجودآمده‌اند واجتماع‌آنها را درك نکرده و آنها نیز در نهایت تیره روزی جهان را بدرود گفتند وپس از سالهای متمادی ارزش وعظمت‌آنها آشکار گردید باتوجه باین نکات بایدقبول کردکه هدف‌عالی هرفردفروختنی‌نیست‌قیودات وقراردادهای‌مادی نمیتوانند ایده‌های عالی معنوی را تغییر دهند.

ازلحاظ جنبه عشقی نیز فیلم بسیار قوی است صحنه های برخورد و عشق دومینیك وهوواردواصولا تجسم شهوت عجیب و سوزناك یك دختراسبت به یك مرد ازقسمت‌هائی است که ازلحاظ روانی فوق‌العاده عالی و موثر تنظیم شده صحنه‌های عشقی این فیلم رانبایدباصحنه‌های عشقی فیلمهای دیگرقیاس کرد زیرا در این فیلم عشق وشهوت ازنقطه نظر پسیکولوژی تشریح وبیان شده وارزش آن فوق‌العاده است ما در زندگی خودکمتر باچنین احساساتی برخورد می کنیم گرچه این احساسات ازلحاظ جنبه شهوانی قویتر از احساسات ساده عشقی است وشاید برای کسانی که بقول خودشان دوست دارند همه چیز زندگی ساده و عادی بوده وازحد خارج نشود چنین احساساتی نامفهوم و منحرف بیاید لیکن نباید فراموش کرد که احساسات غیر عادی است که نبوغ و افکار عالی را بوجود می‌آورد تنها این احساسات گاهی بیك شهوت شدید وگاهی هم باحساسات درمسائل دیگرتبدیل میشود.

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

ازلحاظ هنری نیز فیلم سرچشمه شاهکاری پرارزش بشمار میرود دوقسمت هنری فیلم یکی بازی و دیگری موزیك متن فیلم است در واقع میتوان گفت که بازی قوی هنرپیشه های فیلم هردوقسمت اجتماعی وعشقی داستان‌فیلم رابحداعلای عظمت و ارزش خود رسانده است بدون شك ورزیدگی‌کاری کوپر و مهارت پاتریشیانل در تجسم صحنه های شورانگیز این‌فیلم سهمی بسزا داشته است‌کاری کوپر یك مهندس فعال خونسردو باهدف را بخوبی‌مجسم میکرداند واماپاتریشیانل بابازی‌های خیره کننده خود و حالات عجیب چشمهایش احساسات و حالت روحی شهوانی‌دومینیك‌را نشان‌میدهدبازهم موزیك متن‌فیلم‌که اثر ماکس‌ستیزآهنگ‌ساز نامی‌کمپانی وارنر است بزرگترین وموثرترین نقش را درتجسم صحنه‌هاوهمچنین جریان‌کلی‌فیلم بازی می‌کند آهنگهای موثرفیلم باتم‌های شدید وملایم‌خودهیجان عجیبی برپامیکند تناسب این آهنگهای عالی باموضوع وجریانات فیلم بحدی‌است که بایدگفت موثرترین رل را درفیلم سرچشمه موزیك بازی‌میکند تکنیك وپلان بندی فیلم نیزفوق‌العاده عالی تنظیم شده است.

میزان تاثیر فیلم در مردم

خوب بیاد دارم آنروزصبح‌که خود بتنهائی دربالکن سینما رکس نشسته‌و فیلم‌را تماشامیکردم درصحنه آخرفیلم هنگامی‌که دومینیك‌باآسانسور بطبقه شصتم عمارت نزد محبوب خود هوارد میرفت موزیك فیلم بقدری هیجان انگیز ودلپذیر بودکه من بی‌اختیار چندقطره اشك فروریخته و درمقابل عظمت هنر زانو بزمین زدم واما باوجود اینکه فیلم سرچشمه تااندازه‌ای مورد استقبال علاقمندان‌فیلم‌های دراماتیك واقع شد لیکن قطع دارم‌که کمتر چنین احساساتی ویا اصولا تاثری به بینندگان دست داد وعلت اصلی استقبال مردم وجود جنبه‌شهوانی در فیلم وبازی گاری‌کوپر بشمار میرفت .

نظری به فیلم‌های دکومانته و سایر فیلم‌های سال گذشته



باریسف در نقش موسورسکی در فیلم موسورسکی

علاوه بر فیلم های بزرك آرتیستیك درطی سال گذشته فیلم‌های دکو مانته بزرگی نیز نمایش دادندکه از هرحیث حائز توجه و دیدنی بود در میان این فیلم ها باید ازشاهکار رنگی صحنه شجاعات یا سیرك شوروی ذکر کرد .

صحنه شجاعان مجموعه‌ای از هنرنمائی استادان و هنرمندان سیرك شوروی بود که در آن نمایشات محیرالعقول اکروباسی، عملیات حیوانات واز جمله دوچرخه سواری خرس‌ها و فوتبال سك‌ها دیده میشد و طی فیلم بخوبی نمایان میگردید که هنرمندان سیرك در سایه تمرینات منظم و تشویق لازم عالی ترین نمایشات هنری سیرکی را اجرا می کنند در واقع صحنه شجاعان بهترین فیلم دکومانته‌ای بود که سال گذشته نمایش داده شد متاسفانه روی پرده سینماهای ما کمتر فیلم حقیقی

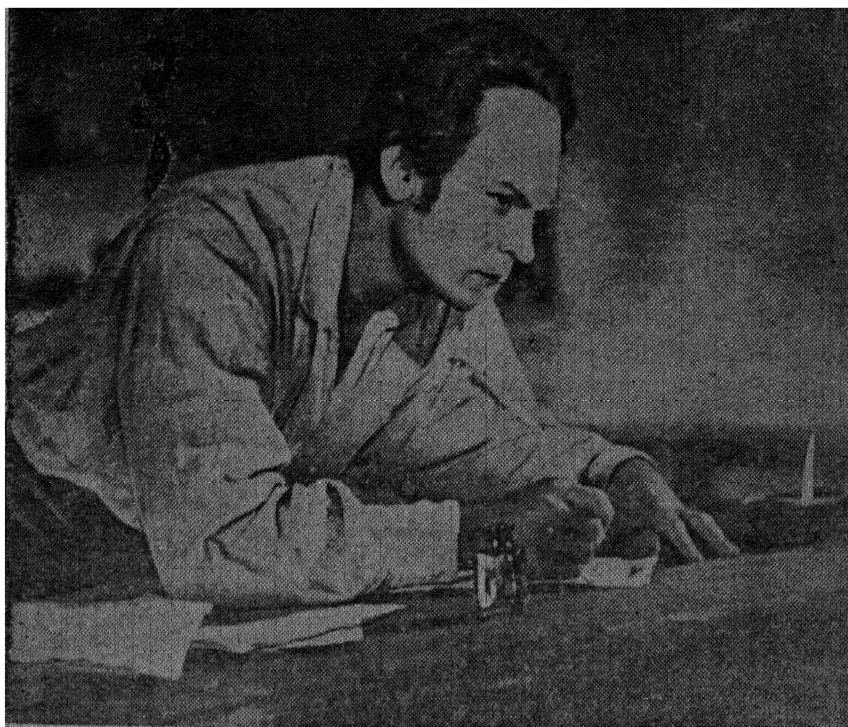
که نمودار واقعی زندگی وجنش مردم می باشد دیده میشود بدون شک درفیلم های حقیقی ما واقعیات ونکات بدرد بخور و ثمر بخشی را میبینم که برای عموم مردم مفید و حتی ضروری است این نکات کمتر می توانند در فیلم های غیرحقیقی دیده شوند مثلا در همین فیلم صحنه شجاعان که فقط فیلم برداری از نمایشات سیرکی است ما عملیات هنری جوانان را می بینم هنرمندان اکروبات در نمایشات تماشائی وحرکات حیرت انگیز وعجیب خودکه با نرمش فوق العاده اجرا میشود تکامل هنری واستعدادی را که در وجود افراد بشر نهفته است نشان میدهند و بیننده بخوبی متوجه میشود که انجام این حرکات چقدر دشوار ومستلزم چه استعدادی است ، گذشته ازاین ها درفیلم می بینم که چگونه این عملیات اکروباسی وورزشی را از شکل خشن اولیه خارج ساخته و برطبق قواعد کلاسیك تنظیم نموده اند نکته جالب وقابل توجه دیگر فیلم نمایشات دسته جمعی بازیکنان است و این بخوبی میرساند که این هنر منحصر بیك یا چند فرد نیست بلکه دهها وصدها افراد با استعداد در کلاسهای مخصوص تعلیمات لازم را فراگرفته و درنتیجه این نمایشات هنری وورزشی را روز بروز کامل تر و بتهور اجرا میکنند.

این تنها نمونه ای از نوع فیلمهای دکومانته است درسایر فیلم های دکومانته نمایشات هنری دیگر جنبش ها وزندگی مردم نقاط مختلف جهان را می بینیم بنابراین باید به ارزش محصولات مستند واقف باشیم .

از فیلم های با ارزش دیگری که در سال گذشته نمایش داده اند یکی فانتزی «همای سعادت یا ساد کو» را که یك محصول شیرین موزیکال محسوب میشود ودارای فکرو



صحنه ای از فیلم همای سعادت



تاراس شفچنکو سراینده اشعار روستائی

ایده مترقی اجتماعی بود باید ذکر کرد دیگر از فیلم های نسبتاً باارزش سال گذشته فیلم قهرمانان «هارلم» محصول کمپانی کلمبیا امریکا بود که آن عملیات شیرین تیم سیاه پوست بسکتبال هارلم امریکا دیده میشد از فیلم رنگی ماکسیمکا محصول شوروی — نبرد راه آهن محصول فرانسه. داغ فراری محصول امریکا - لباس عروسی محصول فرانسه و بالاخره فیلم دکومانته جشن ورزشی جوانان نیز باید بخوبی یاد کرد.

اگر به آمار ولیست بهترین فیلم های چهارسال اخیر توجه کنیم به جنبه و میزان ارزش نوع وسبک سینمای کشور های مختلف پی خواهیم برد محصولات انگلیسی ارزش و برتری فوق العاده خود را ثابت نمودند داستان های پیچیده و پرمغز دراماتیک جنبه ها و نکات پرمفهوم فلسفی وروانی و بالاخره سبک شیرین فیلم برداری وصحنه بندی و سبک اساس وسبک صنعت سینماتوگرافی انگلیسی میباشد و بخوبی مشهود میگردد که کار گردانان سینمای انگلستان تاچه حد بجنبه هنری وآرتیستیک محصولات خود توجه میکنند. اما درمحصولات شوروی بیشتر به مفهومات اجتماعی برخورد می کنیم اساس سینماتوگرافی شوروی روی یکهدف اجتماعی وتجسم وتلاش زندگی عمومی مردم و همچنین خدمات ومبارزات اجتماعی شخصیت های بزرگ تاریخی دورمیزند از این فیلم ها باید تاراس شفچنکو - موسورسکی- همای سعادت وشوالیه ستاره زرین را نام برد که در کلیه آنها ایده ونتیجه فیلم بیشتر از قسمت های دیگر جلب نظر میکند ودرواقع ارکان

هرفیلم نیز موضوع و فکر فیلم است و قسمتهائی مانند بازی هنرپیشه و تکنیک وسائلی برای تجسم ایده و تکمیل و پرورش داستان محسوب میشوند علاوه بر این فیلمها سه دسته دیگر از نوع فیلمهای شوروی نیز باارزش ودیدنی بشمارمیروند یکی فیلمهای مولتی پلیکاسیون (میکی موز) میباشد که برخلاف فیلمهای میکی موز امریکائی دارای موضوعات با معنی ونتایج گرانبهای اخلاقی هستند در واقع میتوان فیلمهای مولتی پلیکاسیون شوروی را بهترین وسیله تعلیم بصری جهت کودکان و جوانان دانست دسته دوم فیلمهای با ارزش شوروی فیلمهای موزیکال کلاسیک میباشند که در آن نمایشات عالی اپرا وباله بچشم میخورد نمونه این فیلم با کنسرت بزرك وکنسرت استادان هنر بودند در واقع فیلمهای موزیکال کلاسیك شوروی از لحاظ اپرا و باله در جهان رتبه اول را دارا هستند سومین دسته فیلم های ارزش وروی محصولات دکومانته هستندو اما از محصولات دراماتیك عشقی و جنائی و پلیسی و یا فیلمهای قهرمانی درمیان محصولات شوروی اصلا دیده نمیشود



چرکاسف درفیلم موسورسکی

علاوه بر این تاکنون دیده نشده که شوروی ها از آثار نویسندگان بزرگ خارجی و موضوعات کمدی یا تراژدی کلاسیک فیلمی تهیه کنند و اگر یکی دو فیلمی هم تهیه کرده‌اند هیچیك حائز ارزش نبوده‌اند بازی آکتور های سینمائی شوروی نیز از لحاظ اصول سینمائی چندان قوی نبوده و بیشتر جنبه تاترال دارد . اما نظری بمحصولات امریکا بیفکنیم ... هالیود سازنده پر خرج ترین فیلمهای جهان یك موسسه بزرگ تجارتی محسوب میشود که ماهی ده ها فیلم بنقاط مختلف جهان میفرستد بر کسی پوشیده نیست که هدف مادی کمپانی‌ها برجنبه هنری کار آنها تفوق دارد و بهمین جهت درمیان بیست فیلم تجارتی شاید تنها یك فیلم از لحاظ هنری حائز ارزش باشد واما چون هالیود محل تجمع عده بیشماری از بهترین و بزرگترین هنرمندان و هنرپیشگان جهان است بدینجهت درسایه مجاهدت همین عده فیلمهای بزرگ و بی‌نظیری مانند بهترین سالهای زندگی ما - برباد رفته - تراموای بنام هوس - جانی بلیندا - کازابلانکا - رودخانه و... بوجود میآید که از بهترین شاهکارهای سینمائی جهان هستند. البته کلیتاً از لحاظ اصولی درمحصولات هالیود بمسائل تکنیك، دکوراسیون وموزیك بیش ازهرچیز دیگر وحتی موضوع توجه میشود ودرمحصولات دراماتیك بازی هنرپیشه اصل فیلم را میگرداند بدین علت محصولات این کمپانی‌ها از لحاظ موضوع وفکر پوچ و مبتذل ونسبت بهم متشابه گردیده‌اند که دیگر برای کسانیکه باین محصولات آشنائی دارند بی‌اندازه یکنواخت شده‌اند. محصولات بزرك کمپانی‌های هالیود از لحاظ میزان خرج، تکنیك ودکوراسیون درجهان بی همتا میباشد .

دراینجا مباحث انتقادی ما خاتمه می یابد ولی هنوز نکات و مسائل زیادی درباره سینما وجود دارد که باید بطور مبسوطی درباره آن بحث شود. من از خوانندگان عزیز که مطالب کتاب را تا اینجا خوانده‌اند باردیگر تقاضا دارم که نظریات خود را برایم ارسال دارند تا در نشریات دیگری که بزودی و بتدریج درباره مسائل مختلف سینما انتشار خواهد یافت از این نظریات استفاده شود .

درگذشت معصومه خاکیار

واقعه اسف انگیز وجان گدازی که در اسفندماه گذشته محافل هنری تهران را عزادار ساخت ، انتحار «معصومه خاکیار» ستاره جوان و ناکام ایرانی بود که باز هم درنتیجه محرومیتها و فشارهای محیط و ناراضی‌های خانوادگی که همواره در خانواده‌های ایرانی وجود داشته است تصمیم گرفت دست ازاین جهان بشوید.

معصومه دختر بااستعداد وهنرمندی بود که این استعداد فطری خودرا در سه فیلمی که در آن رلهای اول را داشت بثبوت رسانید . معصومه از اهالی آذربایجان بود ، هنگامی که چند سال پیش بتهران آمد زبان فارسی نمیدانست ولی استعداد هنری او در زمینه تآتر و سینما باو میدان زیادی برای پیشرفت داد و بزودی در تماشاخانه‌های تهران بکار پرداخت ولی تماشاخانه‌های تهران محل پیشرفت وهنرنمائی دختری مانندمعصومه نبودند، تااینکه هنگام آغازفیلمبرداری پابعالم سینماگذاشت. اولین فیلم او «مستی‌عشق» محصول پارس‌فیلم بودکه حقیقتا نسبت بسایر ستارگان ایرانی فوق‌العاده عالی بازی کرد و درهمانجا استعداد بیمانند فطری‌خود را نشان داد و باوجود این‌که کلاسی ندیده و با اصول هنری سینما آشنا نبود این بازی خود را بخوبی انجام داد ، سپس در فیلم« گل‌نسا » اولین محصول دیانا فیلم رل یکدختر دهاتی مازندرانی را بخوبی ایفا نمود . سومین فیلم او «مشهدی عباد» محصول استودیو عصر طلائی بود که با موفقیت زیادی رو برو گشت . درکلیه این‌فیلمها معصومه در نتیجه استعداد فطری خود بازی طبیعی و پر ارزشی انجام داد . بطور قطع باید اذعان کرد که معصومه یکی از ستارگان درخشانی بود که اگر بهنر واستعداد او توجه شده وتحت‌تعلیمات لازمه پرورش میبافت یکی ازبهترین هنرپیشگان‌عالم سینما میشد . مرك اویك ضایعه اسف‌انگیز برای سینما درایران وهنرمندان سینما وتآتر بشمارمی‌رود.

او در نتیجه محرومیتها وفشارهای مادی ومعنوی دست ازجهان شسته ودر آخرین لحظه زندگی بانهایت شهامت وفداکاری اعلام کرد که هیچکس در این قضیه دخالتی نداشته است . معصومه دخترمحبوب وحساس وهنرمندی‌بود که‌علاقه وافری بسینما وهنرپیشگی داشت.

دروه بروان پاك معصومه خاکیار ؛ سینمای ایران هیچگاه نام این ستاره هنرمند خودرا فراموش نخواهدکرد . باوجود اینکه جراید آنطورکه‌لازم است ازاین ستاره‌هنرمند یاد نکردند وحتی‌یکی از جرائدکثیرالانتشار شب تنهااینطور نوشت : «زنی سوخت ومرد!! معصومه هنگامی که بآشپزخانه‌می‌رفت گوشه‌دامنش بشعله آتش پریموس برخورد وآتش گرفت، کسی نتوانست‌او را نجات دهد درنتیجه معصومه سوخت ودربیمارستان جان داد... معصومه ۲۱ سال داشت ! » این بود مطلب جریده بزرك کشورما ... این بود تجلیل یك جریده بزرك ازیك ستاره مشهور ایرانی!! زنی سوخت‌ومرد!!و۲۱سال داشت!!! واما‌این‌مطلب کوچکترین تزلزلی دراراده ومبارزه هنرمندان ایجادنخواهدکرد . من بسهم خود نهایت‌تاثر خود راازاین ضایعه‌اعلام‌داشته وباردیگردرودفراوان بروح‌معصومه خاکیارمی فرستم؛

نظر بعلاقه ایکه خوانندگان مطالب سینمائی بفیلم‌هائی که درطی سال‌جاری درتهران نمایش خواهند داد دارند و برای اینکه علاقمندان سینما ازنام وچگونگی فیلم‌هائی که درسال ۱۳۳۲ درتهران نمایش داده خواهد شد آگاه شوند تعدادی از بهترین محصولات هنری و بزرگترین محصولات تجارتی خارجـی را باذکر سینمای نمایش دهنده در لیست زیر بدون اظهار نظرمعرفی میشوند :

فیلمهائیکه درسال آینده در سینماهای تهران نمایش خواهند داد

سینما ایران :

(مکانی‌درخورشید) محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی پارامونت امریکا - تهیه‌کننده و رژیسور : جرج ستیونس - موزیك از فرانزواکسمان - باشتراك : مونتگمری‌کلیفت ، الیزابت تـایلور ، شلی وینترز ، آن رور ، کیف بـراسل - (درام اخلاقی)

(کجا میروی؟) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی مترو گلدوین‌مایر امریـکا - تهیه کننده : سام زیمبالیست - رژیـسور : مرویـن‌رور - بـاشتراك : رابرت تایلور ، دبوراکر ، لئوجن ، پتراوستینو (درام قهرمانی وتاریخی از زمان حکومت نرون)

(کوبك) محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی پارامونت امریکا باشتراك: جان‌پاریسور ، کورین‌کالورت ، باربارارش ، نیکی‌دووال (جنگی)

(کوه سرخ) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی پارامونت امریکا تهیه کننده : هال والیس رژیسور: جرج مـارشال - باشتراك آلان‌لاد ، لیزابت سکات آرتورکندی ، جان‌آیرلند (وسترن)

(آتشپاره یاغی) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی یونیورسال انتر نشنال امریکا - رژیسور. جرج‌شرمان - موزیك از هانس ج سالتر - باشتراك : ارل‌فلین، مورن اوهارا ، آنتونی‌کوئین (قهرمانی)

(مصر کوچك) : محصول رنگی‌سال ۱۹۵۱ کمپانی‌یونیورسال‌انترنشنال امریکا تهیه‌کننده جاك گروز رژیسور : فردریك دوکوردووا - موزیك‌ازژوزف جرشون - باشتراك : روندافلمینك ، مارك ستیونس ، نانسی گیلد ، چارلزدراك (عشقی)

(مردان) : محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتدآرتیست امریکا . تهیه کننده ستانلی کرامر- رژیسور : فردزینمان موزیك از دیمیتری تیومکین - باشتراك : مارلون براندو ، ترزارایت ، اورت سلوآن ، جاك‌وب ، ریچارد اردمـان - (درام اجتماعی)

(یك امریكائی درپاریس): محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو-گلدوین‌مایر‌امریکا . رژیسور : وینسنت مینلی موزیك از جرج گرشوین-باشتراك جن کلی ،لسلی کارون ، ژرژگیتاری ، اسکاراوانت (موزیکال هنری برنده جائزه اول اسکار)

(ترزا) : محصول سال۱۹۵۱ کمپانی متروگلدوین مایر امریکا — تهیه کننده : فردزینمان . رژیسور : فرز زینمان موزیك از لوئی آپلبوم — باشتراك پیر آنجلی ، جون اریکسون ، پاتریسیا کولینك ، ریچارد بیشوب (درام عشقی و اخلاقی)

(شیشه‌مرك): محصول ۱۹۵۱ کمپانی ج.آرتوورانك انگلستان . تهیه کنندگان : سیدنی روکس وجمس ماسون . رژیسور : لاورنس هونتینگتون ، اثرموناکان‌باشتراك، جمس‌ماسون، روزاموندجون، پاملا کلینو، آن‌ستفنس، هنری-اسکار (درام جنائی دوبله‌شده بفارسی)

سینما رکس:

(ملبا) : محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی یونائید آرتیست امریکا (تهیه کننده . س . پ . اگل .رژیسور : لومیلستون — داستان ازهاری کورنیتس موزیك ازمورماتیسون . باشتراك پاتریسیامونسل. روبرت‌مورلی . جان‌مك‌کالوم (درام موزیکال‌عشقی)

(دزدان دریائی Crimson Pirate) — محصول‌رنگی سال۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر امریکا . تهیه کننده :هارولدنج رژیسور : روبرت‌سیودماك موزیك از ویلیام آلوین . باشتراك‌برت‌لنکستر— نیك‌کراوات-اوابارتوك تورین تاتچر — (قهرمانی)

(مرد ساکت) : محصول رنگی سال۱۹۵۲ کمپانی ریپابلیك .رژیسور: جان‌فورد-موزیك ازویکتوریانك باشتراك جون واین- مورن‌اوهارا — باری‌فیتز جرالد — واردبوند. ویکتورمك‌لاکلن (درام قهرمانی)

(ستارگان برادوی) . محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا — باشتراك دوریس دی — جن‌نلسون. (موزیکال‌تفریحی)

(سرگذشت شهر سانفرانسیسکو) : محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر . رژیسور : روبرت پاریش موزیك ازامیل نومان — باشتراك : جوئل مك کری— ایون دکارلو-سیدنی‌بلاکمر — (درام)

(جاك و بینستاك) : محصول رنگی سوپرسینه کالر سال ۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر آمریکا رژیسور : پاربروچ — تهیه کننده : آلکسوروکوتکیب — باشتراك . بداپت ولوکوستلو

(بازگشت بهشت) :محصول‌رنگی‌سال۱۹۵۳ کمپانی‌یونائیدآرتیست‌تهیه تهیه کننده‌تیرون‌وارت‌رژیسور:مارك‌روبسن-سنار یوازچارلز‌کونمان-موزیك‌ازدیمیتری تیومکین . باشتراك : گاری کوپر روبرتاهینس . باری جونس — جون هودسن . (درام عشقی) .

(مارا مارو :) محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی برادران وارنر -- رژیسور : گوردون دوگلاس تهیه کننده : داوید سیارت . باشتراك : ارل‌فلین - روت رومن - ریموند‌بور - پل‌پیسرلی - ریچاردوب (قهرمانی‌عشقی)

(قلعه‌آلجرز): محصول ۱۹۵۲ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا -- رژیسور : لسلی‌ساندر - تهیه کننده : ژوزف ارمولیف - باشتراك: ایون‌دکارلو - کارلوتومپسون - (قهرمانی)

(شمشیرهای متقاطع) : محصول رنگی (پاته‌کولور) سال ۱۹۵٤ کمپانی یونایندآرتیست امریکا - تهیه کننده : یسارت ماهون - رژیسور : میلتون کریمس - باشتراك ارل‌فلین - جینالولو بریجیدا-نادیاگری - پولاموری (قهرمانی تاریخی) .

(زندانیان قلعه شاهین) محصول سال ۱۹۵۲ ایتالیا - متورانس : روزانوبرازی - باشتراك الراسزانی، میلی‌ویتاله، کارلوگوستینی (قهرمانی‌تاریخی)

(در بارگاه نرون) محصول سال ۱۹۵۲ ایتالیا - تهیه کننده نیکولو تئودوری - رژیسور . ماریاسولاتی باشتراك والترچی‌آری- سیلوانابمپانینی-کارلو کامپانینی- ناطق‌انگلیسی (کمدی فانتزی تاریخی)

(تیر آتشین) : محصول رنگی (پاته‌کالر) سال ۱۹۵۳ کمپانی یونایتد ارتیست -- رژیسور : اولاندرس باشتراك : آنتونی دکستر - جودی‌لاورنس -- آلان‌هال - روبرت‌کلارك (وسترن‌قهرمانی)

سینما کریستال :

(تیرانداز) : محصول سال ۱۹۵۳ کلمبیا امریکا -- تهیه کننده :ستانلی کرامر -- رژیسور: ادوارد دیمیتری باشتراك: آرتور فرانز -- ماری ویندسور -- آدلف‌مانجو (درام‌جنائی)

(بیگانگان) : محصول سال۱۹٤۹ کمپانی کلمبیاامریکا- رژیسور:جان-- هوستن موزیك از: م. استولف -- باشتراك جان‌گالفید -- جنیفر جونس -- پدرو آرمنداریز. (قهرمانی اجتماعی)

(پسردکترجکیل): محصول سال۱۹۵۳ کمپانی کلمبیا امریکا رژیسور: سیمور فردمانی -- موزیك ازموریس‌ستولف باشتراك:لوئی‌هیوارد- جودی‌لاورانس الکساندرکنوکس . (جنائی)

(پسرحاجی‌مرادیاایوان) :محصول سال ۱۹۵۱ ایتالیا -- رژیسور: گوئیدوبریگنون -- باشتراك : نادیاگری -- پل‌کامپبل - آراولداوآ- ساندو ، روفینی- (عشقی‌وتاریخی)

(پولا) : محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا -- تهیه کننده : بودوآدلروودلف‌مانه- باشتراك : لرتایانك -- کنت‌میت -- الکساندرکنوکس. (درام عشقی).

(حادثه‌ترینی‌داد): محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا -تهیه

کننده ورژیسور : وینسنت شرمان ــ موزیك از موریس ستولف ـ باشتراك : ریتاهیورث ـ گلن‌فورد ـ الکساندرسکوربی (درام عشقی و جالی)

(مادام کاملیا) : محصول سال ۱۹۵۳ لوکس‌فیلم فرانسه ـ رژیسور ـ زیموند برنارد ـ موزیك ازفرانس‌لوپز باشتراك: میشلین‌پرسل ـ رولاندالکساندر ژینوسروی اثرالکساندر دوما (درام‌عشقی)

(بی بی پیك) : محصول سال ۱۹۵۲ انگلستان اقتباس از اثر پوشکین رژیسور : هارلداسکینسون باشتراك آنتونی ولبروك ـ رونالدهوارد . (درام)

(فانفان‌لاتولیپ) : محصول سال ۱۹۵۳ فرانسه ـ رژیسور ؛ کریستیان ژاك باشتراك‌جینالولوبریجیدا ـ ژرارد فیلیپ ـ مارسل‌هراند (هنری وعشقی)

(سالومه :) محصول رنگی‌سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا ـ رژیسور : ویلیام دایترل ـ باشتراك : ستوارت‌گرانجر ـ دبوراکر ـ جودیت‌آندرسون ـ سیرسدریك هاردویك (قهرمان‌عشقی)

(ملکه افریقا) : محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی رژیسور : جان ـ هوستن، باشتراك: همفری‌بوگارت کاترین هیپورن رابرت‌ومرلی(درام)

متفرقه :

(کنسرت استادان بالت شوروی) : محصول رنگی‌سال ۱۹۵۳ کارخانه لن‌فیلم شوروی مرکب‌از سه‌رقص: دریاچه قواتر چایکوفسکی فواره‌های باغچه‌سرای اثر پوشکین وشعله‌های پاریس (هنری)

(بازرس) : محصول رنگی‌سال ۱۹۵۳ کارخانه‌مـفیلم شوروی‌ازروی اثرگوگول نویسنده روسی (کمدی)

(دژامبـول) : محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کارخانه‌آلماآت اتحاد ـ جماهیر شوروی (تاریخی)

(عشق وزهر) : محصول‌سال ۱۹۵۲ ایده‌آل فیلم ایتالیا به اشتراك آمدئونازاری ، لوئیزاماکسول (عشقی)

(نقاب آبی) : محصول رنگی‌سال ۱۹۵۳ هرزوك‌فیلم آلمانی‌باشتراك ماریکاروك(هنری)

آکادمی آوارد وجایزه اسکار

پس از پیدایش صنعت سینما واستقبال مردم ازاین صنعت‌ظریف ونوظهور نهضتهای مختلفی توسط هنرمندان این فن درکشورهای اروپائی و امریکائی به وجود آمد از جمله چندین آکادمی برای بررسی و معرفی بهترین فیلم‌های هنر پیشگان جهان ایجادگشت وبزودی مراسم وفستیوالهائی نیز برای معرفی ونمایش محصولات زبده وپرارزش‌سینما تشکیل گردید .

ازمیان این آکادمیها آکادمی آوارد بیش‌از همه موقعیت واشتهار پیدا کرد تا اینکه حتی بعنوان بزرگترین وبهترین آکادمی سینمائی امریکا معرفی گشت . این آکادمی ازسال ۱۲۹۸ رسما شروع بکارکرده وجوائز بی‌نظیری نیزبنام‌جوائز اسکار که نام‌شخصی‌است برای بهترین فیلمها و هنرپیشگان وکارکردان و سایر هنرمندان سینما تهیه نمود .

ازلحاظ اینکه خوانندگان گرامی بدون شك به‌لیست برندگان جوائزاسکار علاقمند هستند در جدول ذیل نام برندگان جوائز اسکار (فیلمها، هنرپیشگان‌زن ومرد وکارگردانان) ازسال ۱۹۲۸ تاسال اخیر مرتبا تنظیم شده است :

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه زن
۱۹۲۸	«بالها»	جانت کانیور
۱۹۲۹	«آهنك برودوی»	ماری پیکفورد
۱۹۳۰	«درغرب‌خبری نیست»	نرما شرر
۱۹۳۱	«کیمارون»	ماری ورسلر
۱۹۳۲	«گراندهتل»	هلن هایس
۱۹۳۳	«اسب سوار»	کاترین هیبورن
۱۹۳۴	«یکشب‌اتفاق‌افتاد»	کلودت کلبر
۱۹۳۵	«شورش درکشتی‌بونتی»	بت داویس

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه‌زن
۱۹۳۶	«زیگفیلد کبیر»	لوئیزرمیس
۱۹۳۷	«زندگی امیل زولا»	لوئیزرمیس
۱۹۳۸	«نمیتوانی باخود برداری»	بت داویس
۱۹۳۹	«برباد رفته»	ویویان لی
۱۹۴۰	«ربکا»	جنیجر راجرز
۱۹۴۱	«چقدر دره من سبز بود»	جون فونتن
۱۹۴۲	«مادام می نیور»	گریر گارسون
۱۹۴۳	«کازابلانکا»	جنیفر جونس
۱۹۴۴	«براه خود میروم»	انگرید برگمن
۱۹۴۵	«تعطیلی از دست رفته»	جون کرافورد
۱۹۴۶	«بهترین سالهای زندگی ما»	اولیویا دوهاویلاند
۱۹۴۷	«موافقت شرافتمندانه»	لرتا یانك
۱۹۴۸	«هاملت»	جین وایمن
۱۹۴۹	«تمام مردان شاه»	اولیویا دوهاویلاند
۱۹۵۰	«همه درباره ایو»	جودی هالیدی
۱۹۵۱	«یك امریکائی در پاریس»	ویویان لی
۱۹۵۲	«بهترین نمایش روی زمین»	شرلی بوت

سال	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین کارگران
۱۹۲۸	امیل یانینکس	فرانك بورزیج
۱۹۲۹	وارنرباکستر	فرانك لویه
۱۹۳۰	جورج آرلیس	لویس میلتون
۱۹۳۱	لیونل باریمور	نورین تارك
۱۹۳۲	فردریك مارچ	فرانك بورزیج
۱۹۳۳	چارلزلافتون	فرانك لویه
۱۹۳۴	کلارك گابل	فرانك کاپرا
۱۹۳۵	ویکتورملك لاکلن	جان فورد
۱۹۳۶	پل مونی	فرانك کاپرا
۱۹۳۷	سپنسر تراسی	لئونك کاری
۱۹۳۸	سپنسر تراسی	فرانك کاپرا
۱۹۳۹	روبرت دنات	ویکتورفلمینك
۱۹۴۰	جمس ستوارت	جان فورد
۱۹۴۱	گاری کوپر	جان فورد
۱۹۴۲	جمس گاکنی	ویلیام وایلر
۱۹۴۳	پل لوکاس	مایکل کرتیس
۱۹۴۴	بینك کروزبی	لئونك کاری
۱۹۴۵	ری میلاند	بیلی ویلدر

سال	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین کارگردان
۱۹۴۶	فردریك مارچ	ویلیام وایلر
۱۹۴۷	رلاند کلمان	الیاکازان
۱۹۴۸	لاورنس اولیویه	جان هوستن
۱۹۴۹	برودریك کرافورد	جوزف ل.مانکویچ
۱۹۵۰	ژوزه‌فزر	جوزف.ل.مانکویچ
۱۹۵۱	همفری بوگات	جرج ستون
۱۹۵۲	گاری کوپر	جان فورد



برنامه نوروز سینما رکس
گنجهای جاوه



فیلم تمام رنگی باشتراک :

فرد ماکموری - ورا رالستون

آ-۱

هدیه نوروز سینما ایران و سینما البرز

فیلم تمام رنگی شرقی اقتباس از داستانهای هزار ویکشب

ـ پسر علی بابا ـ



باشتراک : تونی کورتیس و پایپرلوری

که برای باردیگر پس از پایان فیلم پرنس ودزد باهم در یکفیلم شرکت میکنند

پسر علی بابا ـ شاهکار کارخانه معظم یونیورسال فیلم آمریکاست

که برای نخستین بار بمعرض نمایش گذارده میشود

سینما ایران وسینما البرز پسر علی بابا ـ تمام رنگی وشرقی آ-۳

فیلمهای شاهکاری که در عرض فصل جدید سینما در سینما ایران بمعرض نمایش گذارده خواهد شد

فیلمی که جهان سینما تاکنون بعظمت و ابهت آن تاکنون بخود ندید

هوسهای امپراطور (کوادیس)

تمام رنگی و تاریخی

شاهکار دیگر کارخانه معظم مترو گلدوین مایر آمریکا- تمام رنگی

کیم باشتراک : ارول فلین

بزرگترین فیلم قهرمانی و پرانتریک کارخانه معظم یونیورسال آمریکا

اتشپاره یاغی باشتراک ارول فلین و مورین اوهارا

و شاهکارهای دیگر کارخانه های معظم مترو - پارامونت - یونیورسال - هنرپیشگان متحد و فوکس قرن بیستم - سینما ایران بزرگترین و دیدنی‌ترین فیلمهای جهان را جمع نموده و یکی پس از دیگری نمایش خواهد داد آ-٤

بزودی در سینما تهران بزودی

یك درام عشقی و قهرمانی که اثرات فراموش نشدنی در تماشاچیان باقی خواهد گذاشت



عشق و زهر

عالیترین محصول دراماتیك عشقی

باشتراك :

آمدئو نازاری ـ لوئیزا ماکسول

سینما تهران از علاقمندان فیلمهای ایتالیائی برای دیدن این شاهکار بی نظیر است .. کند .

آ ـ ه

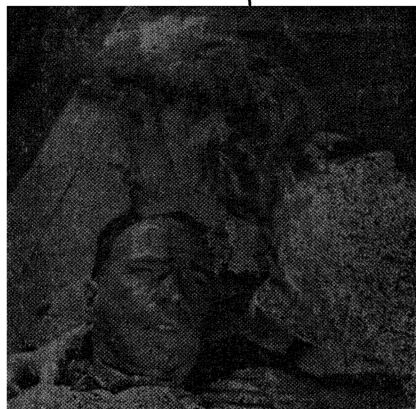
سینما کریستال نمایش دهنده بهترین فیلمهای سال

فهرست مختصری از فیلمهای آینده خود را معرفی مینماید ،
آگهی های این موسسه همیشه مورد علاقمندان سینما بوده و خواهد بود



فانفان لاتولیپ Fen pen la tulipe

بزرگترین اثر هنری رنسانس صنعت سینمای فرانسه ، اثر کریستیان ژاك ، تهیه کننده فیلم معروف سینکوالا، باشتراك ژرارد فیلیپ، جینالولو بریجیدا



ملکه آفریقا African Queen

عالی ترین شاهکار هنری جهان ـ فیلم رنگی تهیه کننده جون هوستون ـ رژیسور اس . پی ایگـل باشتراك همفری بوگارت ـ کاترین هیپورن



مرد میدان Saturdoys Hero

یك درام عالی عشقی ـ محصول کمپانی معظم کلمبیا باشتراك جان درك دو نارید ·

بی بی پیك Queen of spades

بزرگترین اثرهنری صنعت‌سینمای انگلستان اقتباس از کتاب نویسنده مشهور روسی پوشکین باشتراك آنتونی‌والبروك ـ ادیت‌اونس





تیر انداز Snipen

عالی‌ترین شاهکار جنائی که تا کنون‌نظیر آن‌فیلمبرداری نشده‌است اثرستانی کرامر تهیه‌کننده معروف فیلم «پایان‌یك‌عمر» باشتراك: آرتورفرانز ماری‌ویندسور ـ آدولف‌مانژو



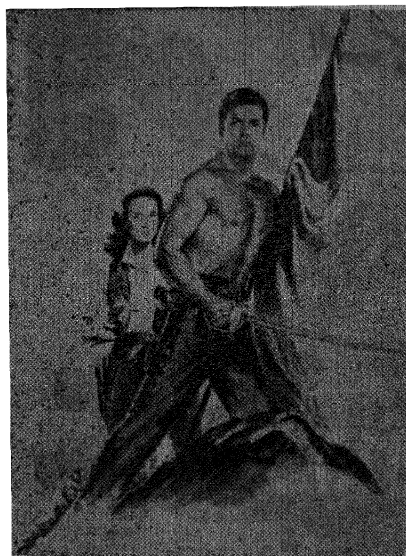
بیگانگان We-were strangers

قوی‌ترین‌درام اجتماعی‌نمونه‌ای ازاحساسات فداکارانه ملت کوبا ـ اثر جون‌هوستون تهیه کننده فیلم ملکه آفریقاباشتراك: جنیفرجونس- جون‌گارفیلد .پدرو آرمنداریز

محمل زرین Golden Cooch

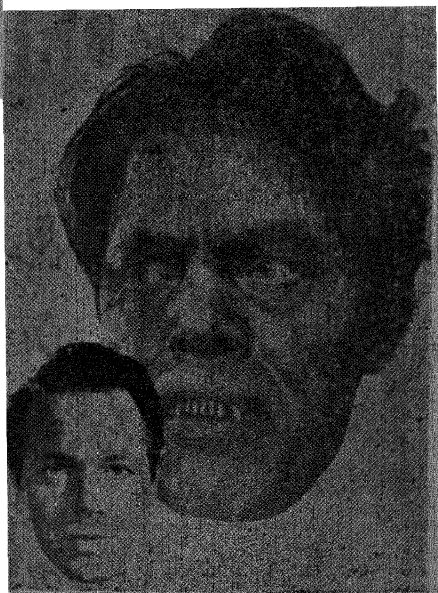
عالی ترین شاهکار هنری صنعت سینمای ایتالیـا . فیلم رنگی ـ اثر ژان رنوار تهیه کننده معروف فیلم رودخانه باشتراك ـ آناماك نی نی بزرگترین هنرپیشه فیلمهای درام ایتالیا





فتح کالیفرنیا California Conquest

عالی ترین شاهکار قهرمانی سال فیلم رنگی ـ محصول کمپانی معظم کلمبیـا باشتراك کرنل وایلـد ـ ترزارایت



پسر دکتر جکیل Son of dr Jekyll

یك شاهکار هیجان انگیز بقیه از کتاب معروف دکتر جکیل و مستر هاید ـ محصول کمپانی معظم کلمبیا باشتراك لوئی هیوارد جودی لاورنس ستاره فیلم ده مرد رشید

علاءالدین - سندباد بحری - علی بابا - شهرزاد

برای اولین مرتبه

همه باهم در یک فیلم تمام رنگی

اقتباس از داستانهای

الف لیل



Sheherazade!
Aladdin!
Sinbad!
Ali Baba!

COLUMBIA PICTURES presents

Thief of Damascus

دزد دمشق

باشتراک پل هنرید

جان ساتن جف دانل - لون چانی - الناوردوگو

درشاهکاری بمراتب عالیتر و قویتر از فیلم مشهور دزد بغداد

محصول کمپانی معظم کلمبیا

برنامه عید نوروز

((سینما مایاک))

هدیه سال نو برای تماشاچیان محترم فیلم تاریخی مشهور ناطق بزبان عربی بنام

((ابن شداد یا دلیر صحرا))



شجاعت‌های ابن شداد بین اعراب ضرب المثل است مثل رستم در تاریخ ایران
از تماشای این فیلم غفلت نفرمائید

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائیگا۔

کتب خانہ
جامعۂ عثمانیہ

۱- اراکین مجلس اعلیٰ، مجلس تعلیمات، مجلس انتظامی، عمال شعبہ جات و نصاب بیک وقت پانچ کتابیں ایک ایک ماہ تک اپنے پاس رکھ سکیں گے۔

۲- اساتذۂ جامعۂ عثمانیہ و کلیات متحدہ و گزیٹڈ عہدہ داران جامعہ اور اراکین دار الترجمہ دس کتابیں ایک ماہ تک اپنے پاس رکھ سکیں گے۔

۳- طلباء میں جماعت ایم اے، ال ال بی و تحقیقاتی جماعتوں کے طلبہ تین کتابیں اور بی اے اور انٹرمیڈیٹ کے طلبہ پانچ کتابیں دو دو ہفتہ تک اپنے پاس رکھ سکیں گے۔

۴- مدت مقررہ پر کتابیں واپس نہ ہونے پر طلبہ سے بحساب ایک آنہ یومیہ فی کتاب دیر انہ لیا جائے گا۔

۵- بشرط موقع کتابیں کو راجع کیا جا سکے گا بشرطیکہ ضرورت ہو۔ کتب خانہ میں کتاب کا لانا لازم ہے۔

۶- کتابیں گم یا خراب ہو جائیں تو شعبہ دار ذمہ دار ہوگی۔

۷- کتابوں پر کسی قسم کا نشان سیاہی یا پنسل سے نہ لگایا جائے۔

۸- قلمی نسخے اور حوالے کی کتابیں باہر نہیں دی جا سکیں گی۔ فقط